

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان تربیت معلم و کارشناسان آموزشی

دوره چهاردهم / آذرماه ۱۳۸۹ / شماره ۱ پی در پی ۱۱۲
ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک‌آموزشی

به جای یادداشت سردبیر ۲: «آموزش» یا «پرورش»؟ مسئله این است / ابراهیم اصلانی
تعلیم و تربیت ۴: حکمت و تربیت / دکتر علی اکبر شعاری نژاد
پژوهش‌های دانش‌آموزی و آموزگاران ۶: باز تعریف مسئله / دکتر لیلا سلیقه‌دار
گفت‌وگو ۹: لطفاً بچه‌ها را رها کنید / گفت‌وگو با سردبیر رشد نوآموز، افسانه موسوی گرمارودی
آموزش ۱۲: بیدپا در کلاس درس - بخش سوم / مرتضی مجدفر
ایستگاه ۱۶: موبایل کبری! - قاصدک شدن / شهین صادقی و سعیده اصلاحی

مدیرمسئول: محمد ناصری
سردبیر: مرتضی مجدفر
شورای برنامه‌ریزی:
شکوه تقدسیان
فاطمه رضانی
لیلا سلیقه‌دار
یدالله رهبری نژاد
ابراهیم اصلانی
مدیر داخلی: اصغر ندیری
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: فریبا بندی
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸
۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۳۷۵)
نمبر: ۸۸۳۰۱۴۷۸
وبگاه:

تجربه‌های سبز



کتابخانه‌ی مدرسه ۳۳: ارزشیابی توصیفی برای پدران و مادران و... / منیره حبیب‌پور
میراث ما ۳۴: روستای مینیاتوری! / حمید دهقان
آموزش ۳۶: جایگاه مشاهده در گزارش‌های آموزشی / شکوه تقدسیان
زیر سقف آسمان ۳۸: طراحی تدریس و مدیریت مؤثر در فرایند یاددهی - یادگیری / دکتر رخساره فضلی
لبخندهای کلاسی ۳۹: آتنا / میترا قریشی
برنامه‌ی درسی در دوره‌ی ابتدایی ۴۰: مهارت‌آموزی یا قاعده‌آموزی؟ / رضا نیاتی
تجربه‌های مشترک ۴۳: تو گوهرشناسی / ترجمه‌ی دکتر علی رؤف
برنامه‌ی درسی در دوره‌ی ابتدایی ۴۴: همه چیز درباره‌ی هدیه‌های آسمان / گفت‌وگو با سعید راصد
با همراهان ۴۶: پاسخ به نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان / شورای برنامه‌ریزی مجله
کتابخانه‌ی مدرسه ۴۸: مهارت‌های درس خواندن برای دانش‌آموزان دبستانی / سیما جعفریان

www.roshdmag.ir
رایانامه:
ebtedayi@roshdmag.ir
تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:
۸۸۳۰۱۴۸۲
● کد مدیرمسئول: ۱۰۲
● کد دفتر مجله: ۱۰۹
● کد مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
تلفن امور مشترکین:
۷۷۳۳۶۶۵۵ - ۷۷۳۳۶۶۵۶
شمارگان: ۴۶۰۰۰ نسخه
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)
عکس روی جلد: نگار مجدفر

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

♦ مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. ♦ مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنان‌چه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ♦ مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و بر روی CD یا فلاپی و یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند. ♦ نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی وقت لازم مبذول شود. ♦ محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ♦ مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چه سطر تنظیم شود. ♦ کلمات حاوی مفاهیم نماییه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ♦ مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتراژ باشد. ♦ معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود. ♦ مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ♦ مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ♦ آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

آموزش یا پرورش؟

ابراهیم اصلانی

مسئله این است!

اشاره

در شماره‌ی پیش وعده دادیم که درباره‌ی هر یک از نکات برجسته‌ی سند تحول راهبردی آموزش و پرورش، به تفصیل سخن بگوییم. به باور بسیاری از متخصصان علوم تربیتی و همان گونه که در سند تحول راهبردی هم اشاره شده است، یکی از مهم‌ترین مسائل آموزش و پرورش، به عنوان آن باز می‌گردد و این یادداشت که به قلم یکی از اعضای شورای برنامه‌ریزی مجله نوشته شده است، به تحلیل عنوان «آموزش و پرورش» می‌پردازد.

تحصیل در تهران را داشتیم، وضعیت به گونه‌ای پیش رفت که به مدت چهار سال در یکی از مدارس ابتدایی منطقه‌ی ۶ تهران، به عنوان مربی تربیتی کار کردم. تجربه‌ی بسیار موفقی بود. ارتباط من با تعدادی از بچه‌های آن دوره که الان به تحصیلات عالی رسیده‌اند، یا ازدواج کرده‌اند، هنوز هم ادامه دارد. دلیل موفقیتیم در آن سال‌ها را تلفیق برنامه‌های جاری با حوزه‌های علمی و هنری می‌دانم.

۴ در موقعیت‌های بسیاری، از دانش‌آموزان یا دانشجویان خواسته‌ام که با مرور خاطرات ایام تحصیل، بهترین معلمانشان را نام ببرند. بین این نام‌ها، معلمانی از رشته‌های گوناگون معرفی شده‌اند. به همان اندازه‌ی معلمان دینی و شاید بیشتر، معلمان ریاضی، علوم، زبان و غیره نیز نام برده شده‌اند.

دبیر زبان انگلیسی‌مان با رفتار و گفتارش، حس احترام را در همه بر می‌انگیخت. براساس حال و هوای آن ایام، یکی دو نفر از دانش‌آموزان به ایشان ایراد گرفتند که درس را با بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم شروع نمی‌کند. موضوع به گوش وی رسید و بسیار ناراحت شد. جلسه‌ی بعد که سر کلاس آمد، با توضیحاتش همه‌ی ما را شرمند کرد. او گفت: «از کجا می‌دانید که من بسم‌الله نمی‌گویم؟ هر کس برای خودش روش کاری دارد و رویه‌ی من این است که همه چیز را علنی نمی‌کنم.» بعدها فهمیدیم که همین آدم تا چه اندازه به اصول و مبانی دینی پای‌بند است.

۳ من به عنوان دبیر علوم تجربی دوره‌ی راهنمایی، به استخدام آموزش و پرورش در آمدم. در سال‌های بعد، وقتی قصد ادامه‌ی

۱ تا به حال چند جا نوشته‌ام که آموزگاران پایه‌های چهارم و پنجم من، اثرات بسیار مثبتی در شخصیت و جریان زندگی‌ام داشته‌اند. آموزگار پایه‌ی پنجم ما در همان دوران طاغوت، احکام نماز را به ما می‌آموخت و حتی در کلاس، نماز جماعت برپا می‌کرد. این آموزگاران به مسائل دینی و اخلاقی توجه خاصی داشتند و درسشان را با آموزه‌های اعتقادی همراه می‌کردند.

۲ در سال‌های بعد، چه در دوره‌ی راهنمایی و چه در دوره‌ی دبیرستان، معلمانی را به یاد می‌آورم که معلم دینی یا قرآن نبودند، ولی در هدایت معنوی و دینی دانش‌آموزان نقش مؤثری داشتند.

در سال سوم دبیرستان که با سال‌های اولیه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی مصادف بود،

۵ بهترین معلمان شما چه کسانی بوده‌اند؟ کدام معلم‌ها بر شخصیت شما اثرات معنوی و اخلاقی به جای گذاشته‌اند؟ از کدام گروه از معلم‌ها همیشه به نیکی یاد می‌کنید و یادآوری خاطرات کدام گروه، شما را دل‌آزرده می‌کند؟ آیا به معادله‌ی مشخصی بین خوب بودن معلم و رشته‌ی او رسیده‌اید؟ آیا الزاماً گروه مشخصی از معلمان، اثرات معنوی بیشتری دارند و گروه دیگر چنین نیستند؟ آیا به تعبیر امروزی، می‌توان گفت که عده‌ای تربیتی و عده‌ای دیگر، غیر از این هستند؟ آیا واقعاً معلمان دو گروه‌اند و دو نوع کار انجام می‌دهند؟ می‌توانیم بگوییم عده‌ای آموزشی و عده‌ای تربیتی هستند؟

۶ شاید دیگر ادامه‌ی مقاله لازم نباشد، اگر چه قرار بود یادداشت باشد و یادداشت هم در همین حد کافی است. اما به خاطر آن که سردبیر محترم ایراد نگیرد که پس اصل مطلب و نتیجه‌گیری‌ات کو؟ چند نکته‌ی دیگر را نیز می‌افزایم. البته چند بار مطالب مفصلی درباره‌ی عنوان «آموزش و پرورش» نوشته‌ام و کسانی را که می‌خواهند موضوع را با دقت و حوصله‌ی بیشتری بخوانند، به آن‌ها ارجاع می‌دهم.^۱ مقاله‌ی شماره قبلی مجله به قلم دکتر شعاری نژاد هم نمونه‌ای از مطالب علمی و وزین در این باره بود.

۷ اساسی‌ترین سؤال برای بحث درباره‌ی عنوان «آموزش و پرورش» این است که آیا ما در مدرسه دو کار انجام می‌دهیم یا یک کار؟ آیا کار مدرسه «آموزش» و «پرورش» است؟ جای شک نیست که در شرایط فعلی، ما برای مدارس کاری دو گانه تعریف کرده‌ایم «آموزش» و «پرورش»؛ هر چه هم که بخواهیم از همراهی و هماهنگی این دو

صحبت کنیم، در اصل موضوع تفاوتی به وجود نمی‌آید. نگاه دو گانه به فعالیت‌های مدرسه، به دوگانگی‌های سازمانی، اجرایی و برنامه‌ریزی منجر می‌شود. چیزی که عیان است، چه حاجت به بیان است!

۸ از دید متخصصان تربیت، هدف عمده‌ی مدارس تربیت افراد است. بنابراین، همه‌ی عوامل، فعالیت‌ها و برنامه‌های مدرسه، تربیتی‌اند. به مثال‌های اول بحث باز گردیم. مدرسه‌ای ابتدایی را تصور کنید که دانش‌آموزان پایه‌ی اول، به تازگی وارد آن شده‌اند. هدف نهایی مدرسه درباره‌ی این کودکان چیست؟ می‌خواهیم آن‌ها را تربیت کنیم؛ یعنی چه؟ یعنی به رشد شخصیت آن‌ها کمک کنیم تا در ابعاد فردی و اجتماعی، انسان‌های مؤثری باشند. آیا می‌توان گفت که ریاضی به رشد شخصیت کمکی نمی‌کند، اما انشا این کار را انجام می‌دهد؟ اصلاً چرا درس‌های گوناگون را برای دانش‌آموزان پیش‌بینی کرده‌ایم؟

هر درسی و هر موضوعی می‌تواند در رشد یک بعد از شخصیت نقش بیشتری داشته باشد؛ اگر چه ابعاد دیگر شخصیت را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. ریاضی شاید در رشدشناختی مؤثرتر باشد، اما می‌تواند در رشد ابعاد فکری مانند روانی و اجتماعی هم نقش داشته باشد. برای مثال، دانش‌آموزی که در ریاضی پیشرفت خوبی دارد، ممکن است با نگاه منظم به دنیای پیرامون، هم از آرامش بیشتر برخوردار شود و هم در روابط اجتماعی، با حساب و کتاب باشد.

۹ فراموش نکنیم که ابعاد شخصیت انسان در هم تنیده و در تعامل پویا با یکدیگر است. هر تغییر و رشدی در یک بُعد شخصیت، ابعاد

دیگر را نیز متأثر می‌سازد. وقتی می‌گوییم هدف تربیت، رشد شخصیت است، به همه‌ی ابعاد شخصیت توجه داریم و اصولاً تربیت کامل، تربیتی چند بعدی، همه‌جانبه و منسجم است. پس دوباره به این نکته بیندیشیم که هدف عمده‌ی مدارس، تربیت افراد است.

۱۰ اشکال کار کجاست؟ آیا موضوع پیچیده است یا اصلاً موضوع دیگری در کار است؟ واکاوی ریشه‌ی جدایی «آموزش» و «پرورش» به بحث مفصل‌تری نیاز دارد که باز آن را به کتاب‌هایی ارجاع می‌دهم.^۲ اما در همین حد، باید حداقل در دو نکته تأمل و خطاهایمان را در مورد آن‌ها اصلاح کنیم:

اول: بالاخره تکلیف چیست؟ تربیت دو کار است یا یک کار؟ آیا واقعاً می‌توانیم با نگاهی تربیتی و فارغ از مسائل دیگر، به این سؤال به ظاهر ساده پاسخ دهیم؟ از نگاه دوگانه به تربیت، به چه نتایجی رسیده‌ایم؟ چرا فرصت‌های تربیتی را در مدارس از دست داده‌ایم و می‌دهیم؟ آیا می‌توان تصور کرد که عده‌ای در مدرسه کار تربیتی انجام می‌دهند و عده‌ای نه؟! حتی این تصور که عده‌ای کار تربیتی بیشتر و عده‌ای کار تربیتی کمتر انجام می‌دهند، موجه است؟

دوم: در تربیت از منظر اسلام، اخلاق و تزکیه از اولویت برخوردار است. در این نگاه، شرط اول تربیت، آدم شدن است و بعد نوبت به امور دیگر می‌رسد. از جمله‌های فوق چه استنباط می‌کنید؟ یک خطای فاحش ما، اشتباه گرفتن دو مفهوم «تربیت» و «اخلاق» است. به این دو جمله دقت کنید:

۱. پرورش مقدم بر آموزش است.
۲. اخلاق مقدم بر ابعاد دیگر شخصیت است.

حکمت و تربیت

کلیدواژه‌ها: حکمت، تحول، آموزش - پرورش.

هر تحولی، تغییر است؛ لیکن هر تغییری، تحول نیست

اشاره

تاکنون در دو شماره‌ی گذشته، دو مقاله‌ی جدید از دکتر شعاری نژاد را خوانده‌ایم. در نوشته‌ای که خواهد آمد، استاد از زاویه‌ای دیگر به مسائل آموزش و پرورش نگاه کرده است. شاید این روزها که بحث تحول در آموزش و پرورش، در محافل علمی کشور دنبال می‌شود، بتوان از دریچه‌هایی، نگاه‌های جدیدی پیش‌روی معلمان و مسئولان آموزش و پرورش قرار داد و این نوشته نیز از آن دست مکتوبات است.

- * چه گفتن و چرا چنین یا چنان گفتن
- * چه کردن و چرا چنین و چنان کردن
- * معرفت را بر علم مقدم تلقی کردن
- اصطلاح «حکمت» از جمله قدیمی‌ترین
- مفاهیم یا اصطلاحاتی است که در فرهنگ

در جامعه‌ی سالم و برخوردار از آموزش و پرورش سالم، زنان و مردان یا دختران و پسران هرگز خود را قشر خاصی تلقی نمی‌کنند، بلکه شهروندان یک جامعه‌اند و شدیداً و طبعاً وابسته به یک‌دیگر. هرگز از همدیگر نمی‌هراسند، بلکه احترام متقابل را دقیقاً رعایت می‌کنند. شبکه‌ی جامعه، ترکیبی است از همه‌ی آن‌ها

- * برخورداری از نظام فکری سالم
- * زندگی سالم داشتن
- * توأم بودن علم و عمل یا گفتار و کردار
- * مفهوم مخالف «حماقت»
- * مواجهه‌ی موفق با موقعیت‌ها و مقتضیات
- * پرهیز از هرگونه تظاهر
- * صدیق و صریح بودن
- * اجتناب از خودمحوری
- * شکیبیا بودن در داوری یا حکم کردن
- * شناگر، نه شناور بودن
- علوم معروف به انسانی مطرح شده و هنوز
- هم، هر چند اندک، به کار می‌رود. دارنده‌ی
- «حکمت» را «حکیم» نامند که از جمله
- صفت‌های ذاتی خداوند متعال است. مفهوم
- «حکمت» به اندازه‌ی تاریخ قدمت خودش
- تعریف دارد، یعنی بسیار متعدد، متنوع و
- گسترده. از آن جمله‌اند:

- * هماهنگی پندار و گفتار و کردار
- * اندیشیدن پیش از پرداختن (اول اندیشه
- وانگهی گفتار و کردار)
- * درست یا صادقانه گفتن و درست عمل
- کردن

از جمله‌ی اول به این نتیجه می‌رسیم که فعالیت‌های مدرسه را به دو بخش «آموزش» و «پرورشی» تقسیم کنیم. اما از جمله‌ی دوم نتیجه می‌گیریم که در همه‌ی فعالیت‌ها و آموزش‌های مدرسه‌ای، اولویت را به اخلاق و تزکیه بدهیم. ببینید تفاوت از کجا تا به کجاست؟!

نتیجه‌گیری

حالا چه فکر می‌کنید؟ آیا کار ما در مدرسه «آموزش» و «پرورش» است یا «پرورش»؟ آیا اصطلاح «آموزش و پرورش» صحیح است؟ اسم وزارت‌خانه چه باید باشد؟

● ببینید

اگر اسم وزارت‌خانه، فقط «تربیت» یا «پرورش» باشد، در این صورت:

۱. سازمان ادارات و مدارس چه تغییری می‌باید بکند؟
۲. چه تغییری در وظایف و نقش‌های معلمان به وجود خواهد آمد؟
۳. فعالیت‌هایی که الان به نام «امور تربیتی» انجام می‌شوند، چه وضعیتی پیدا می‌کنند؟

۴. آیا برنامه‌های دینی و مذهبی رایج در مدارس، به بازتعریف نیاز خواهند داشت؟ در کارکرد آن‌ها چه تغییراتی به وجود خواهد آمد؟!

پی‌نوشت

۱. «مسائل آموزش و پرورش ایران» از همین قلم، نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، ۱۳۸۳.
۲. روان‌شناسی تربیت و تدریس، از دکتر علی اکبر شعاری نژاد، انتشارات اطلاعات روان‌شناسی پرورشی نوین، از دکتر اکبر سیف، نشر دوران.



در حوزه‌ی آموزش و پرورش هر کشور، همین که احساسات از در وارد شد، عقل از پنجره خارج می‌شود

* هدفمند حرکت کردن

* خودشناس بودن

* خود را پذیرفتن

* برخورداری از معرفت عمومی، نه لزوماً

تخصصی یا مدرک‌دار

پس وقتی می‌گوییم یا در قرآن کریم می‌خوانیم «خداوند حکیم» است که غالباً به شکل «علیم حکیم» آمده است، یعنی خداوند متعال می‌داند چه می‌کند و چرا؟ و ذاتاً همه‌ی این‌گونه ویژگی‌ها را داراست. در روزگاران قدیم و به‌ندرت در فرهنگ کنونی ما، به معلم و پزشک هم «حکیم» اطلاق می‌کنند. چون چنین تصور می‌شود که هر دو در حوزه‌ی کار تخصصی خود می‌دانند (یا باید بدانند) که چه می‌کنند؟ یا چه باید بکنند؟ و چرا؟ به عبارت دیگر، از طبیب و معلم انتظار داریم این مهارت را داشته باشند که حرفه‌ی خود را دقیقاً «تحلیل» و «تبیین» کنند؛ البته مورد به مورد.

بنابراین، در حوزه‌ی آموزش و پرورش که تقریباً جهت‌دهنده‌ی حال و خصوصاً آینده‌ی زندگی هر جامعه‌ای است، ایجاد هرگونه تغییر و تحول، حتماً باید بر دو فرایند «تحلیل» دقیق و «تبیین» روشن باشد؛ به‌طوری که همه‌ی شهروندان که مخاطبان یا مصرف‌کنندگان آموزش-پرورش (تربیت) هستند، آن را دریابند و بپذیرند؛ وگرنه در اندک زمانی به ناکامی می‌انجامد و حتی ممکن است به عواقب نامطلوبی منجر شود.

هنگام اندیشیدن و پرداختن به هرگونه

تحول در هر مقوله یا پدیده‌ی اجتماعی، ابتدا باید دقیقاً:

- مقوله یا موضوع تحول تعریف، تحلیل و تبیین شود.

- تاریخ و جغرافیای آن معلوم شود.

- محاسن و معایب یا جنبه‌های مثبت و منفی آن، به‌صورت ریز و هر حسن یا عیب یا نکته‌ی مثبت و منفی، به شکل مفهوم برای مخاطبان یا افراد ذینفع توضیح داده شود.

- هدف ایجاد تغییر و تحول روشن باشد.

- در توجیه محاسن و معایب، همواره مقتضیات یا شرایط زمانی حاکم بر جامعه و جهان، به‌عنوان نقطه‌ی حساس، روشن شوند.

به‌عبارت دیگر، باید دقیقاً روشن شود که چه چیز می‌خواهد جانشین چه شود و چرا؟

- نیازهای واقعی مخاطبان آموزش-پرورش به‌عنوان زیربنای تحول، به‌طور دقیق روشن شود.

پس از روشن شدن مستدل این موارد، طرح تحول، به‌وسیله‌ی کارشناسان مسئول واجد شرایط تهیه می‌شود. این طرح، برای بازبینی و کارشناسی دقیق‌تر در اختیار گروه دیگری از کارشناسان آموزشی قرار می‌گیرد. شرایط یا ویژگی‌های لازم برای کارشناسان گروه اول و گروه‌های دوم و سوم را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱. داشتن حداقل ده سال سابقه‌ی آموزشی

در سطوح آموزشی متفاوت،

خصوصاً دوره‌ی ابتدایی

۲. برخورداری از تحصیلات

رسمی، حداقل دوره‌ی لیسانس، خصوصاً در رشته‌های علمی

۳. برخورداری از شناخت مسائل واقعی

آموزش-پرورش موجود و مطلوب

۴. آشنایی لازم با معیارهای سنجش این

مسائل در ارتباط با واقعیات زندگی

۵. برخورداری از صراحت و صداقت در گفتار و کردار

۶. آشنایی به فلسفه و منطق آموزش-

پرورش جدید یا متناسب زمان

۷. پرهیز از هرگونه اعمال تعصب در

تصمیم‌گیری‌های آموزشی

۸. باور داشتن این که در دنیای امروز،

خصوصاً در حوزه‌ی تربیت، باید جهانی اندیشید و منطقه‌ای عمل کرد.

۹. توجه داشتن به این واقعیت که

آموزش-پرورش ذاتاً آینده‌نگر است و ناگزیر است آینده‌نگرانه عمل کند.

۱۰. برخورداری از سلامت همه‌جانبه و

رفاه مناسب زمان (شاید ویژگی نخست)

درنهایت، اغراق نیست که بگوییم کارشناس آموزش-پرورش، اعم از

تصمیم‌گیرنده، برنامه‌ریز، مدیر، معلم و... باید «حکیم» باشد؛ خصوصاً هنگامی که به فرایند

«تغییر و تحول» در حوزه‌ی آموزش و پرورش می‌پردازد.

بازتعریف مسئله

دکتر لیلا سلیقه‌دار

اشاره

امروزه ضرورت ایجاد رویکرد نوین به پژوهش در آموزش و پرورش، بیش از پیش احساس می‌شود؛ رویکردی که در آن، توانایی‌های پژوهشی به مهارت‌هایی اساسی برای زندگی تبدیل شده‌اند و شعار آموزش پژوهش برای همه، سرلوحه‌ی توجه به فراگیری و تقویت تفکر پژوهشی توسط تمام فراگیرندگان قرار گرفته است. به همین منظور، مقالاتی به معرفی این رویکرد پژوهشی و شیوه‌های کاربرد آن در آموزش اختصاص داده شده است. در نوشته‌ی پیش‌رو، با یکی از توانایی‌های پژوهشی آشنا می‌شوید.

اقدام مهم پس از تدریس

یکی از مباحث مهم در طراحی آموزشی، لزوم توجه معلم به هر یک از سه مرحله‌ی زمانی مرتبط با تدریس است. اما بنا به دلایل گوناگونی از جمله تجربی کار کردن برخی از معلمان، به هر سه‌ی مرحله پیش از تدریس، حین تدریس و پس از تدریس، به اندازه‌ی لازم تأکید و توجه نمی‌شود. در این بین، مرحله‌ی پس از تدریس، بیش از سایر مراحل مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد.

در این مرحله (پس از تدریس) معلم باید با بررسی گام‌های اجرایی در دو مرحله‌ی قبل و مطالعه‌ی نتایج به دست آمده از تدریس خود، به آسیب‌شناسی اقداماتش بپردازد و با شناسایی نقاط قوت برنامه‌ی

خود، پشتوانه‌ای محکم و قابل اعتماد برای اجرای گام‌های دیگر در اختیار خود قرار دهد. برای مثال، بررسی نتایج به دست آمده از برگزاری آزمون‌ها، به این مرحله مربوط می‌شود، نتایج را تحلیل و عمل ارزش‌یابی را کامل کند.

در انجام چنین مرحله‌ای است که ممکن است معلم متوجه شود دانش‌آموزانش درس را یاد گرفته‌اند، اما در حل مسئله دچار مشکل هستند. به نظر می‌رسد، این موقعیت و موارد مشابه آن، برای بسیاری از معلمان اتفاق افتاده است. شرایطی که بررسی‌ها نشان می‌دهد نقص روشنی در آموزش وجود ندارد و فراگیرندگان مشکلی در فهم مطلب نداشته‌اند، اما از عهده‌ی پاسخ دادن به سؤالات و یا حل مسئله بر نمی‌آیند. حل این مسئله با یکی از مهارت‌های پژوهشی، به سادگی امکان‌پذیر است.

اشکال یادگیری دانش‌آموز

یکی از توانایی‌های مهم در حل مسئله و پاسخ به هر سؤال، درک مسئله و دریافت دست‌آورد آن است. این توانایی در واقع از ارکان و پایه‌های اصلی





مهارت‌های پژوهشی محسوب می‌شود. چند مثال می‌تواند به روشن شدن مطلب کمک کند.

مادری که صاحب فرزندى شده است، به خوبی می‌داند که هنگام گرسنگی نوزاد، باید به او غذا بدهد و یا می‌داند چگونه سایر نیازهای اولیه‌ی او را ارضا کند. اما در برابر گریه‌های نوزاد، بارها خطا می‌کند. تلاش می‌کند به نوزادی که گرسنه نیست شیر بدهد یا چندین بار لباس او را کنترل می‌کند، در حالی که گریه‌ی نوزاد علت دیگری دارد. در چنین شرایطی، می‌توانیم بگوییم که مادر با موضوع نیازهای کودک و راه‌های برخورد با آن آشنایی دارد، اما در شناسایی و درک نوع نیاز کودک که در این مسئله به صورت گریه‌ی کودک نمایان شده، ناتوان است.

مشارکت دانش‌آموزان مربوط می‌شد یا آن که موارد دیگری در ایجاد مسئله اثر داشتند؟

چنین شرایطی برای دانش‌آموزان نیز به کرات پیش می‌آید. هنگامی که این حالت در مورد درس باشد، به شدت مورد توجه معلم قرار می‌گیرد؛ شرایطی که دانش‌آموز محتوای درس را متوجه شده است و حتی می‌تواند آن را یک بار دیگر توضیح دهد، اما از عهده‌ی سوالات امتحانی و یا حل مسئله‌ها بر نمی‌آید. در این حالت، مشکل دانش‌آموز به یادگیری درس مربوط نمی‌شود، بلکه او در دنیای پرسش‌ها و مسئله‌ها دچار مشکل شده است.

مهارت تعریف مسئله

در هر یک از نمونه‌های یاد شده، تجزیه و تحلیل مسئله و یا تعریف دوباره‌ی آن، می‌تواند به انتخاب راه‌حلی مناسب منجر شود. به عبارت دیگر، گاه در مواجهه با مسئله، ناتوانی افراد در شناخت موضوع و باز تعریف آن، موجب می‌شود که آن‌ها نتوانند راه‌های مناسبی را انتخاب کنند. این موارد یادآور اهمیت مهارت تعریف مسئله است. توانایی تعریف مسئله موجب می‌شود که عملاً ببینیم، حل درست مسئله در بسیاری موارد، از کنار گذاشتن کامل مسئله که گاه به عنوان ساده‌ترین راه‌حل انتخاب می‌شود، بسیار ساده‌تر و البته تأثیر گذارتر است.

هم چنین این مهارت یادآوری می‌کند، تلاش برای تکرار مطلب به زبان خود، موجب تقویت یادگیری می‌شود. وقتی فرد می‌کوشد موضوعی را به زبان خود درک کند و آن را به این طریق بیان کند، یادگیری معنادارتری برایش صورت می‌گیرد. در این مهارت نیز همین اتفاق می‌افتد. یعنی با مواجهه با مسئله و سؤال، سعی می‌کند با زبان خود آن را درک کند. سؤال را تجزیه کند و علت یا علت‌ها را از معلول یا معلول‌ها جدا کند. سپس براساس اطلاعات قبلی خود، راه‌حلی را پیشنهاد و در نهایت مناسب‌ترین آن‌ها را انتخاب کند. اما نکته‌ی حائز

به مثال دیگری توجه کنید: صدای زنگ تفریح به صدا در می‌آید و بچه‌ها مثل روزهای قبل با خروش و هیجان به سمت حیاط مدرسه سرازیر می‌شوند. هر لحظه امکان دارد هجوم دانش‌آموزان خطرناکی را برای آن‌ها ایجاد کند. معاون مدرسه بیش از سایرین در این مورد نگران است. به همین دلیل، درخواست برگزاری جلسه‌ای را در این خصوص به مدیر مدرسه می‌دهد. او در این جلسه، مطالب زیادی را درباره‌ی اهمیت و ضرورت توجه به موارد ایمنی در ساعات تفریح مطرح می‌کند، اما راه‌حل خود را به این شکل اعلام می‌کند که بهتر است قوانین انضباطی طراحی شود و مطابق آن با دانش‌آموزانی که از نظر او شلوغ می‌کنند، برخورد شود و تنبیه‌هایی صورت گیرد. بر این اساس، می‌توانیم اذعان کنیم که معاون مدرسه از اهمیت توجه به موارد ایمنی ساعات تفریح آگاه است، اما راه حل او نشان می‌دهد که او در برخورد با مسئله‌ی مدرسه‌ی خود ناتوان است و نتوانسته است عوامل مؤثر مربوط به آن را بشناسد و آن را به درستی حل کند. نظایر آن چه تاکنون به آن‌ها اشاره شد، در موقعیت‌ها و شرایط گوناگونی امکان وقوع دارد. به مثال دیگری در کلاس درس توجه کنید:

معلم می‌داند که دعوت از دانش‌آموزان برای همکاری در آوردن وسایل مورد نیاز در آموزش، می‌تواند حس تعلق آنان را به یادگیری افزایش دهد و علاوه بر این، به ایجاد محیطی دوستانه‌تر در کلاس منجر شود. بر این اساس، دانش‌آموزان کلاس را به گروه‌هایی تقسیم کرد و از آنان خواست با همکاری هم، مواد مورد نیاز را تهیه کنند و به کلاس بیاورند. اما در جلسه‌ی بعد، با سبلی از اعتراض‌ها و شکایات دانش‌آموزان از هم روبه‌رو شد که به خاطر آوردن وسایل، بین آن‌ها ایجاد شده بود. به همین دلیل، او تصمیم گرفت مانند روال قبل، خودش وسایل را بیاورد و از دانش‌آموزان کمک نگیرد. مسئله‌ی معلم چه بود؟ آیا مسئله‌ی او به ناگهانی‌اش از اهمیت

اهمیت در این زمینه، تفاوت زبان افراد از یکدیگر است. در این باره، دانش‌آموزان نیازمند آن هستند که بتوانند برای انتخاب آزادانه‌ی زبان خود، در باز تعریف مسئله هدایت شوند. این موضوع آغازگر ضرورت توجه معلمان به هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری است.

مهارت تعریف مسئله و هوش‌های یادگیری

چنانچه در نظریه‌ی هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری آمده است، هر یک از افراد در زمینه‌ی یادگیری، سطوح گوناگونی از هوش‌های یادگیری را دارند. این هوش‌ها که آخرین یافته‌هایش به ۹ هوش شناخته شده است، راه‌های متعددی برای درک و یادگیری را در اختیار هر فرد قرار می‌دهند. بر این اساس لازم است هر کس، سطح هر هوش خود را به طور نسبی و تقریبی بداند. یعنی بداند که از چه طریقی، با لذت، توجه و ماندگاری بیشتری یاد می‌گیرد و بر این پایه، یادگیری‌های خود را از طریق هوشی که بیشترین سطح را دارد، هدایت کند. بدیهی است که در محیط‌های آموزشی، بهترین هادی، معلمان هستند که می‌توانند فرصت‌های لازم را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند؛ به شکلی که آنان بتوانند با سطوح هوش خود آشنا شوند و مناسب‌ترین راه‌یادگیری خود را برگزینند. به این ترتیب، لزوم آشنایی معلمان با هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری، بیشتر نمایان می‌شود. آشنایی معلم با هوش‌های چندگانه موجب می‌شود بتواند به بهترین شکل، زمینه‌ی انتخاب فعالیت‌های متنوع را برای دانش‌آموزان فراهم آورد، آن‌ها را به صورت عملی با هوش‌های چندگانه آشنا سازد و لذت و ماندگاری یادگیری را در آنان افزایش دهد.

مثالی در این زمینه به روشن شدن نقش هوش‌های یادگیری در مهارت مورد بحث (تعریف مسئله) کمک می‌کند. تصور کنید در پایان تدریس موضوعی از درس ریاضی هستید. معمولاً تکلیفی که در انتهای تدریس برای دانش‌آموزان تعیین می‌شود، شامل حل تمرین‌های کتاب است. معلم معتقد به پرورش مهارت تعریف مسئله و البته آشنا به هوش‌های یادگیری، از دانش‌آموزان خود می‌خواهد برای حل مسئله‌های مورد نظر، ابتدا صورت مسئله را بخوانند. سپس هر کس بنا بر تمایل خود، یکی از راه‌های زیر را انتخاب کند:

* مسئله را در قالب یک داستان کوتاه بیان و سپس آن را حل کند؛

* صورت مسئله را در یک نقاشی نشان دهد و سپس آن را حل کند؛

* برای صورت مسئله یک شعر بگوید و سپس آن را حل کند؛

* برای آن یک آهنگ بسازد و سپس آن را حل کند؛

* آن را روی یک وسیله (دست سازه) نشان دهد و سپس آن را

حل کند؛

* اعداد و ارقام را تغییر دهد و سپس مسئله را حل کند؛

در هر یک از این شیوه‌ها، معلم به یکی از هوش‌های یادگیری توجه دارد و می‌کوشد تا با ایجاد اختیار و دادن آزادی انتخاب راه‌ها

به دانش‌آموزان، اطلاعات آنان را برای آشنایی با خود افزایش دهد. هم چنین، دانش‌آموز با انتخاب هر یک از حالات معرفی شده، وادار می‌شود یک بار دیگر مسئله را به زبان خود بیان کند. یعنی بتواند آن را با زبان خود درک کند، تجزیه و تحلیل کند، علت و معلول را از هم تشخیص دهد و سپس راه‌های لازم و مناسب را ارائه و انتخاب نماید. به این ترتیب، دانش‌آموز در این جریان، به مرور می‌یابد که در کدام نوع هوش و در چه سطحی از آن قرار دارد و از چه طریقی از یادگیری لذت می‌برد.

علاوه بر این می‌بینیم که تأکید معلم بر پرورش مهارت تعریف مسئله، از یک طرف موجب یادگیری بیشتر او می‌شود و رغبتش را برای انجام تکلیف بالا می‌برد و از طرف دیگر، به توانمندسازی او منجر می‌شود؛ به شکلی که او بتواند در برخورد با مسئله‌های گوناگون پیرامون خود، با تعریف درست مسئله و تحلیل آن، از عهده‌ی درک و سپس حل آن برآید.

سایر کاربردهای توانایی تعریف مسئله

چنانچه پیش از این نیز ذکر شد، هر یک از مهارت‌های پژوهشی، در تمام مراحل تدریس و فرایند یاددهی - یادگیری، قابلیت کاربرد و استفاده را دارند. مهارت تعریف مسئله نیز علاوه بر این که می‌تواند به عنوان تکلیف (مانند آن‌چه در مثال بالا ذکر شد) مورد استفاده و توجه معلم قرار گیرد، در سایر مراحل نیز قابلیت اجرا دارد. برای نمونه، معلم در حین تدریس از دانش‌آموزان خود می‌خواهد که به تحلیل مسئله بپردازند. این نمونه در بحث‌های مربوط به علوم اجتماعی مانند برخی از مباحث درس تاریخ و اجتماعی دانش‌آموزان بسیار کاربرد دارد. آن‌ها پیش از آن که بخواهند پاسخ سؤالی را بدهند، لازم است ابتدا آن را تحلیل کنند و دقیقاً بگویند سؤال چه می‌گوید و چه انتظاری از پاسخ‌دهندگان دارد. این کار به سادگی و به حد بالایی، در درک دانش‌آموزان از مفهوم مورد نظر تأثیر می‌گذارد.

پرسیدن سؤالات هوشمندانه و هدف‌دار از سوی معلم نیز در پرورش این مهارت تأثیر گذار است. برای مثال، هنگامی که معلم قصد دارد در تدریس علوم، بخش آزمایش‌های آن را با مشارکت دانش‌آموزان انجام دهد، برای رسیدن به مقصود، سؤال کلی هر آزمایش را به سؤالات جزئی تری تبدیل می‌کند و با طرح آن‌ها، دانش‌آموزان را به طور غیر مستقیم با نحوه‌ی تجزیه‌ی سؤال آشنا می‌کند.

به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت، مهارت تعریف مسئله، در هر موضوعی که با سؤالی روبه‌رو باشیم، قابلیت کاربرد دارد. بدیهی است این ویژگی شامل تمام دروس است و در نگاهی کلی‌تر، زندگی را نیز در بر می‌گیرد. چرا که هر انسانی در طول زندگی با پرسش‌ها و مسئله‌های گوناگونی روبه‌رو می‌شود که ناگزیر از حل آن‌هاست. بنابراین، پرداختن به این مهارت، به نوعی، انجام رسالت بزرگی است که از حاصل آن، زندگی موفق افراد ایجاد می‌شود.

لطفاً بچه‌ها را رها کنید...

گفت‌وگو با افسانه موسوی گرمارودی، درباره‌ی نحوه‌ی نگاه آموزگاران به مجله‌ی رشد نوآموز

اشاره

رشد آموزش ابتدایی و رشد نوآموز، اگرچه به ترتیب برای آموزگاران دوره‌ی ابتدایی و دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم ابتدایی منتشر می‌شوند، ولی یک جورهایی با هم مرتبطند و آن این که مخاطبان رشد نوآموز، در کلاس‌های خوانندگان رشد آموزش ابتدایی حضور دائمی دارند. به منظور گفت‌وگو درباره‌ی مجله‌ی رشد نوآموز در گفت‌وگویی که سردبیران و مدیران داخلی هر دو مجله هم حضور داشتند، درباره‌ی چگونگی بهره‌گیری و نحوه‌ی مطالعه‌ی مجله‌ی نوآموز و آسیب‌های موجود در این زمینه، تبادل نظر شد. آن چه در پی می‌آید، چکیده‌ای از این نشست است که در آن بیشتر سخنان هشدار دهنده‌ی افسانه موسوی گرمارودی، مورد تأکید قرار گرفته است.

○ خانم موسوی! با تشکر از این که فرصتی را در اختیار مجله‌ی ما و مخاطبان آن قرار دادید، به ما بگویید در مقام سردبیر مجله‌ی رشد نوآموز، چه رویکردهایی را در انتشار مجله دنبال می‌کنید و می‌خواهید که آموزگاران نیز از آن‌ها مطلع شوند؟

□ من هم از شما متشکرم. مسلماً اولین هدف خواننده شدن خود مجله است. اما به شیوه‌ای که به اهداف مجله لطمه وارد نشود. متأسفانه ما نامه‌هایی از دانش‌آموزان داشتیم که شیوه‌های استفاده از مجله را نوشته بودند. با دیدن محتوای این نامه‌ها، احساس خطر کردم. یعنی نگاه به مجله، مانند نگاه به کتاب درسی شده است. حتی از چند آموزگار در مناطق گوناگون نامه‌هایی به دستمان رسید که مطالبی را از مجله به شکل مسابقه طراحی کرده بودند و سؤال‌ها به صورت چهار گزینه‌ای بود؛ مثلاً یکی از سؤال‌ها این بود که سرمقاله‌ی این شماره‌ی مجله را چه کسی نوشته است؟
۱. محمد ناصری ۲. افسانه موسوی گرمارودی ۳. یک فرد آمریکایی و الی آخر. آن قدر از دیدن این مسابقه متأسف شده بودم که برایشان نامه نوشتم و خواهش کردم بچه‌ها را به حال خودشان رها کنند!

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، این فعالیت‌ها از لحاظ سطوح یادگیری شناختی در سطح حوزه‌ی دانش و حتی کم‌تر از آن‌اند و به هیچ‌وجه صحیح نیستند. ما هر یک از صفحات خود را با فکر و تدبیر، نهایی می‌کنیم و به چاپ‌خانه می‌فرستیم. هیچ مطلب و قصه‌ای نیست که بدون کارشناسی‌های مکرر تصویب شود. اهداف ما آموزشی - اطلاع‌رسانی است که غالباً در قالب سرگرمی بیان می‌شود؛



کمی درباره‌ی سردبیر نوآموز

افسانه موسوی گرمارودی، معلم آموزش و پرورش است و روزهایی را که به دفتر مجله نمی‌آید، تدریس می‌کند. او می‌گوید: «کارشناس ادبیات فارسی هشتم و ۱۷ سال سابقه‌ی تدریس دارم.» در دهه‌ی هفتاد با سروش نوجوان فعالیت داشته‌ام و سابقه‌ی راه‌اندازی اولین مجله‌ی ادبی دانشجویی را در دوران دانشجویی خودم.»

موسوی گرمارودی سال‌ها در حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان کار کرده و در زمینه‌ی مشاوره‌ی فرهنگی نیز فعالیت‌هایی داشته است. هم چنین، ۱۶ جلد کتاب برای کودکان و نوجوانان نوشته و در حال حاضر هم چند جلد کتاب زیر چاپ دارد.

وقتی از او درباره‌ی آثارش پرسیدیم، ابتدا نام کتاب «کوچک‌ترین سرباز عاشورا» را به زبان آورد. می‌گوید: «این اثر، به شهادت حضرت علی اصغر (ع) نگاه‌ی متفاوت دارد. گروه سنی مورد نظر این حادثه، ممکن است با شنیدن قصه‌ی شهادت متأثر شوند. بنابراین، داستان را از زبان خود حضرت علی اصغر (ع) بیان کرده‌ام. وقتی او از دنیا می‌رود، باغی برایش مهیا می‌شود. زبان کودکانه است، اما مسائل تاریخی نیز ذکر شده.» کتاب را نشر «زیتون» چاپ کرده و به زبان‌های عربی و انگلیسی چندبار تجدید چاپ شده است.»

از سایر کتاب‌های موسوی گرمارودی در حوزه‌ی کودک، می‌توان به مجموعه‌ی «فکر می‌کنم بزرگ شده‌ام» اشاره کرد که آن را هم نشر زیتون چاپ کرده است. «بوی خوش گل محمدی» هم مجموعه‌ی داستانی او برای نوجوانان است. مجموعه‌ی «حوا» قطعات ادبی او درباره‌ی مجموعه عکس‌های کتاب است و کتاب «دارالفنون» تحقیق جامعی در مورد مدرسه‌ی دارالفنون است.



می‌کنند. اما، باید تعادلی ایجاد شود. یعنی این مطلب در کنار مطالب دیگر است. اتفاقاً من دلم نمی‌خواهد این صفحه در مدرسه به‌صورت کارگاهی بررسی شود؛ یعنی به‌صورتی که معلم محور باشد. بچه‌ها باید کارگاه را بیچرخانند، ولی اگر مطلب از طرف آموزگار پرورده شود، نظر ما را نیز تأمین خواهد کرد؛ مثلاً می‌توان آن را با فعالیت‌های کلاس انشا تلفیق کرد.

○ البته در این مدرسه، همین‌طور بود که شما مدنظر تان است.

□ اگر این‌گونه باشد، ما هم موافقیم.

○ درخواست مشخص شما از آموزگاران پایه‌های دوم و سوم چیست؟

□ ما نمی‌خواهیم که آموزگاران اصلاً در خواندن مجله دخالت نکنند. که اگر درست دخالت داشته باشند بسیار نتیجه‌بخش است. گاهی لازم است اندکی بچه‌ها را رها سازند تا آن‌ها خودشان مطالعه کنند. فقط نقش مکمل داشته باشند. در این گروه سنی، بهترین روش آن است که آموزگار در گوشه‌ای مثل حیاط مدرسه بنشیند و مجله را با ذوق و علاقه ورق بزند. به این ترتیب، بچه‌ها به آن سمت کشیده می‌شوند و

چون این گروه سنی با قالب‌های دیگر کمتر می‌تواند موضوع را درک کند. ما می‌خواهیم بچه‌ها به خلاقیت برسند. هدف ما تقویت مهارت، انگیزه و شکوفایی تفکر است تا بچه‌ها به این ترتیب به نوآوری دست یابند. از سویی باید بررسی کرد که آیا اصولاً، شرکت کردن در یک آزمون چند گزینه‌ای برای این گروه سنی مناسب است؟

با کاری که در برخی مدرسه‌ها صورت می‌پذیرد، خلاقیتی اتفاق نخواهد افتاد. اگر با مجله‌ای که حکم محرک و ایجادکننده‌ی مهارت و انگیزنده‌ی خلاقیت را دارد، مانند کتاب درسی برخورد شود، حالت انگیزشی، جذاب و لذت‌بخشی خود را از دست خواهد داد. فرقی هم نمی‌کند؛ اگر با کتاب درسی هم همین برخورد شود، نتیجه‌ی مطلوبی نخواهد داشت.

○ اما جنبه‌های مثبت را هم باید در نظر داشته باشیم. در نمایشگاهی که در دبستان‌های یکی از شهرها در موضوع مجلات رشد و فعالیت‌های وابسته به آن برگزار شده بود، به بخش‌های فراوانی از مجله‌ی شما، به‌ویژه بخش «داستان من» پرداخته بودند. نظر شما چیست؟

□ در کشور ما، توجه به بعد روان‌شناسی قوی است. آن‌طور که دریافتیم، بیشتر آموزگاران ابتدا به این صفحه (داستان من) مراجعه



لذت خواهند برد. همین که معلم موضوعی از مجله را معرفی کند و بگوید من از مطالعه‌ی آن لذت بردم، کافی است. حتماً لازم نیست تست بگیرد یا سؤال بپرسد. باید با بچه‌ها در این موارد گفت‌وگو کرد و بازی‌های موجود را انجام داد. نمی‌توان و نباید نوآموز را به زور و اجبار و ترساندن از نمره، به مطالعه یا انجام فعالیت‌های مجله واداشت.

○ در واقع، مطالعه‌ی مجله، کاری انفرادی و لذت‌بخش است و هیچ اجباری نیست که همه‌ی صفحات آن مطالعه شود! یعنی نوآموز حق انتخاب دارد که جایی را بخواند و جاهایی را نخواند.

□ روزی به‌طور غیر منتظره وارد مدرسه‌ای شدید و گفتیم از رشد نوآموز آمده‌ایم. بچه‌ها مجله را از کیف‌هایشان بیرون آوردند. حتی معلمشان متعجب شده بود و می‌گفت ما از بچه‌ها نخواستیم مجله را بیاورند و آن‌را مطالعه کنند. اما بچه‌ها صفحه به صفحه‌ی مجله را ورق می‌زدند و می‌گفتند که چه داستان یا مطلبی در آن نوشته شده است. این وضعیت برای من سرورانگیز بود، چون تحمیلی نبود و بچه‌ها به همین دلیل، ارتباط بهتری برقرار کرده بودند.

روی سخن ما با آن دسته از مربیان یا آموزگاران است که نگاه سنگینی بر مجله دارند و نمی‌گذارند ارتباط جذاب برقرار شود. نوآموزی که بتواند راحت بخواند و راحت فکرش را روی کاغذ بیاورد، موفق است؛ چون هنر هم چنین شکل گرفته و هنر هم زاینده‌ی خلاقیت است و خلاقیت با راهی ذهن به‌وجود می‌آید. هرچه نوآموز محدودتر شود و در پله‌های آزمون و تست بماند، نتیجه‌ی معکوس حاصل می‌شود. همکاران خوب ما در مدارس، مجله را در حوزه‌ی سرگرمی ببینند. هدف ما این نیست که از مجله امتحان گرفته شود؛ هرچند که ما به فکر آموزش نیز هستیم.

○ سرفصل‌ها و عنوان‌های امسال مجله‌ی شما چیست و با چه اهدافی تدوین شده است؟

□ از سال گذشته، چارچوبی را مشخص کرده و آن‌را پی گرفته‌ایم. همان‌طور که گفتیم، ما بعد آموزشی را در قالب سرگرمی ارائه می‌کنیم. مطالب علمی که درج می‌شوند یا آزمایش‌هایی که بچه‌ها می‌توانند بدون دخالت بزرگ‌ترها، به راحتی انجام دهند. صفحات سرگرمی، طنز و کاردستی، همه در جلسات کارشناسی تهیه شده‌اند و هدفمند هستند. داستان‌ها و داستانک‌ها، پرورش خلاقیت را مدنظر دارند. بچه‌ها در این سن نگرانی‌ها یا رازهایی دارند که با خواندن صفحات «داستان من» و «رازهای هم‌گفتنی هم‌گفتنی» خودشان را پیدا می‌کنند. در واقع، لایه‌ی رویی مطالب، لذت بردن از مطالعه و خواندن مجله است و لایه‌ی زیرین درصدد است با درگیر کردن ذهن، آموزش هم بدهد. مثلاً در سرمقاله به بچه‌ها می‌گوییم با چه شیوه‌هایی می‌توانند راحت

جمله بسازند و آن‌را به انشای خلاق تبدیل کنند. یا در صفحه‌ی نقاشی سعی کرده‌ایم کودک فکر خود را پرواز دهد و آزادانه نقاشی بکشد. سال گذشته ما داستان‌هایی داشتیم که براساس آن نوآموزان تصویرسازی می‌کردند. در حقیقت به‌صورتی دخالت در تفکر و هنر کودک بود و او را به خلاقیت نزدیک می‌کرد. در واقع هدف ما، آموزش نقاشی است، نه آن‌طور که همیشه بزرگ‌ترها می‌خواهند ترسیم شود.

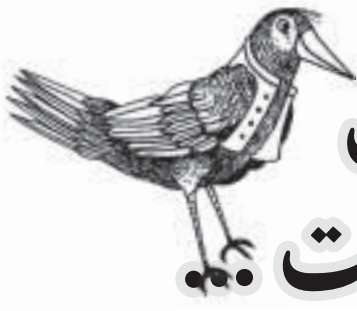
لطیفه‌های ما تولیدی است. چون اعتقاد داریم که باید به روز باشد و نشر لطیفه‌های تکراری جایز نیست.

ایران‌شناسی و دغدغه‌های زیست‌محیطی نیز در برنامه‌های ما گنجانده شده است. در آموزش‌های زیست‌محیطی می‌گوییم چه چیزهایی مفید و چه چیزهایی مضر است و در مقابل با آن‌ها چه باید کرد؟ ضروری است که بچه‌ها از سنین پایین درگیر این مسائل شوند تا در آینده به نحوی سازنده با آن‌ها برخورد کنند.

صفحه‌ی آشپزی هم داریم. در این صفحه، معمولاً به خوراکی‌هایی می‌پردازیم که بچه‌ها از آن‌ها دوری می‌کنند یا با فوایدشان آشنا نیستند. مثلاً از بچه‌ها می‌خواهیم با آجیل شکل بسازند تا حین کار چند دانه از آن خشکبار یا آجیل را هم بخورند.

○ به سرگرم کنندگی مطالب اشاره کردید. آیا باز خوردی از این موضوع هم داشته‌اید؟

□ ما معمولاً نظر بچه‌ها را می‌گیریم. اما چون نوآموز هستند و همه‌ی آن‌ها توانایی لازم را در ارائه‌ی عقایدشان به دست نیاورده‌اند، سعی می‌کنیم نیازهای آن‌ها را بیشتر مورد توجه قرار بدهیم. بیشتر آن‌ها جوک و لطیفه درخواست می‌کنند، بنابراین ما باید نظر آن‌ها را تعدیل کنیم. اما والدین بهتر می‌توانند ما را یاری کنند. ما می‌خواهیم والدین یا آموزگار، در کلام خود به این مجله و لذت مطالعه و نمونه‌های مختلف آن اشاره کند. همه‌ی رضایت ما در این است که نوآموز خودش فعالیت‌های این نشریه را انجام دهد و دخالت معلم بسیار کم و تنها به‌صورت راهنمایی باشد. در واقع، دخالت بزرگ‌ترها یا آموزگارها فقط تا حد ایجاد انگیزه باشد تا تفکر و مهارت را پدید آورد.



پیک پا دور کلاسی دورسی

دوست آن است

که گیر دست دوست

مرتضی مجدفر

بازی‌ها، فعالیت‌ها و پژوهش‌های خلاقیت‌محور

بر مبنای تمثیل‌ها و افسانه‌های کلیله و دمنه

برای توسعه‌ی سواد خواندن در میان دانش‌آموزان دبستانی

بخش سوم

اشاره

تاکنون در دو بخش قبلی این سلسله مطالب، داستان‌هایی برگرفته از کلیله و دمنه را که براساس کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی باز نویسی شده‌اند، خوانده‌اید. بر مبنای این داستان‌ها و برای توسعه‌ی سواد خواندن دانش‌آموزان دبستانی، پرسش‌ها، بازی‌ها و فعالیت‌های پژوهش‌محوری طراحی می‌شوند که می‌توانند در کلاس‌های درس مورد استفاده‌ی آموزگاران قرار گیرند. در این شماره، بخش سوم را که به یک داستان و تمرین‌ها و فعالیت‌های آن اختصاص دارد، درج کرده‌ایم.

دوستان وفادار

کلاغ و موش با هم دوست شده بودند. آن‌ها مدتی در روستایی که موش در آن ساکن بود، زندگی کردند. بعد از چند وقت کلاغ گفت: «لانه‌ی تو درست در جایی قرار گرفته است که انسان‌ها دور و بر آن تردد می‌کنند. دائم بر و بچه‌ها به طرف تو سنگ پرت می‌کنند و من می‌ترسم که به تو آسیبی برسد. لانه‌ی من، کمی دورتر از این‌جا، کنار استخر و در جایی بی‌سروصدا قرار دارد. دوست دیگرم لاک‌پشت هم، همان‌جا زندگی می‌کند. علاوه بر این، دور و بر لانه‌ی من بسیار زیباست و ماهی‌های زیادی در استخر شنا می‌کنند. آن‌جا همه‌چیز غذایی را می‌توان پیدا کرد. پیشنهاد می‌کنم به آن‌جا برویم و بی‌دغدغه زندگی کنیم.»

موش راضی شد. کلاغ، موش را از دمش گرفت و به هوا برخاست. آن‌ها پس از مدتی به محل زندگی کلاغ نزدیک شدند. لاک‌پشت به خوبی از موش و کلاغ استقبال کرد. او به زودی با موش دوست شد و گفت: «تو دوست ما هستی. ما هرچه داریم، مال توست.» روزها گذشت و دوستی موش، کلاغ و لاک‌پشت بیشتر شد. آن‌ها لحظه‌ای یکدیگر را تنها نمی‌گذاشتند و شب و روزشان با هم می‌گذشت.

روزی از روزها سه دوست جدا نشدنی، در حال حرف‌زدن با هم بودند که دیدند آهویی به سرعت در حال نزدیک شدن به آن‌هاست. ترسیدند. لاک‌پشت خودش را به آب انداخت، موش در لانه‌اش خزید و کلاغ هم به بالای درختی در آن نزدیکی‌ها پرید. کلاغ که از آن بالا به غیر از آهو، هیچ‌چیز را ندید، دوستانش را صدا زد و دوباره

همگی دور هم جمع شدند.

لاک‌پشت، وقتی دید آهو با ناراحتی و ترس به آب استخر چشم دوخته است، گفت: «آهوی عزیز، نترس! اگر تشنه‌ای، تادلت می‌خواهد آب بخورد. این دوروبرها جانوری، چیزی برای ترسیدن وجود ندارد.» آهو، وقتی این حرف‌های آرام‌کننده را شنید، خوش‌حال شد تا جایی که می‌توانست از استخر آب خورد. بعد به آن‌ها نزدیک شد. سه دوست صمیمی هم، به خوبی با او برخورد و خوش‌وبش کردند. بعد لاک‌پشت پرسید: «خب، از کجا می‌آیی؟ به کجا می‌روی؟ چرا این قدر ترسیده و هیجان‌زده‌ای؟!»

آهو گفت: «در دشت آن طرف، در حال چرا بودم. شکارچی‌ها مرا دیدند و ردم را زدند. خیلی دنبالم کردند، ولی بالاخره توانستم یک جوری از دستشان فرار کنم. آمدم و از این جایی که شما هستید عبور کردم. ولی آن جلوترها، دوباره آدمیزادی را دیدم که فکر می‌کنم شکارچی بود. به همین خاطر، دوباره عقب برگشتم و الان پیش شما هستم.»

لاک‌پشت گفت: «نترس! ما مدت‌هاست که این‌جا زندگی می‌کنیم. این دوروبرها اصلاً شکارچی وجود ندارد. این‌جا بمان و مطمئن باش که هیچ‌بدی از ما نمی‌بینی. ما با هم دوستان خوبی هستیم، با تو هم دوست می‌شویم. جای خوبی داریم؛ آب زیاد و چمنزارها و علف‌های فراوان. اگر دلت می‌خواهد این‌جا پیش ما بمان.»

آهو از این پیشنهاد لاک‌پشت خیلی خوش‌حال شد و قبول کرد پیش آن‌ها بماند. به این ترتیب، آن‌ها چهار دوست شدند که کنار هم زندگی و با هم صحبت می‌کردند.

روزی از روزها، کلاغ، موش و لاک‌پشت دور هم جمع شده بودند، ولی خبری از آهو نبود. آن‌ها خیلی منتظر شدند، ولی آهو پیدایش نشد. نگران شدند که می‌ادا بلایی سر آهو آمده باشد. موش و لاک‌پشت به کلاغ گفتند: «تو پیش ما نمان، پرواز کن و از آن بالا، همه جا را زیر نظر بگیر.»

کلاغ از آن بالا همه جا را پایید. در نهایت آهو را دید که در دامی گرفتار شده است. او خیلی زود پایین آمد و دوستانش را در جریان گذاشت.

آن‌ها در مورد این که چگونه آهو را آزاد کنند، با هم گفت‌وگو کردند. در آخر، کلاغ و لاک‌پشت به موش گفتند: «راه نجات آهو در دست توست. دندان‌های تو به درد چنین روزی می‌خورند.»

موش، از راهی که کلاغ به او نشان داده بود، نزد آهو رفت. او را پیدا کرد و در حالی که مشغول جویدن طناب‌های تور بود، گفت: «تو که همیشه چشمانت باز است، چه‌طور در دام شکارچی گرفتار شدی؟ آهو جواب داد: «یک لحظه در حال فکر کردن بودم که تله را ندیدم و بی‌هوا داخل طناب‌های دام اسیر شدم.»

درست همین موقع، لاک‌پشت و کلاغ هم خودشان را رساندند. آهو نارضایتی خودش را از آمدن همه، به ویژه لاک‌پشت که سرعت کمی داشت، بیان کرد و گفت: «اصلاً کار خوبی نکردی که آمدی. الان موش طناب‌های تور را پاره می‌کند و کار تمام می‌شود. اگر یک وقت شکارچی بیاید، من و موش به سرعت فرار می‌کنیم. کلاغ هم که به هوا می‌پرد، ولی تو با این سرعت کم، حتماً اسیر شکارچی می‌شوی!» لاک‌پشت گفت: «است می‌گویی. اما چه کنم که نمی‌توانم

دوست‌هایم را رها کنم. اگر کسی از دوستش جدا بیفتد، درست مانند این است که دل خودش را به کنار گذاشته است. وقتی تو اسیر شده‌ای، درست مثل این است که من اسیر شده‌ام. چه‌طور راحت بمانم؟ تنها به همین خاطر است که آمده‌ام.»

موش، تازه پاره کردن تور را تمام کرده بود که سرو کله‌ی شکارچی پیدا شد. آهو از داخل تور بیرون آمد و در چشم بر هم زدن دور شد. کلاغ با دو سه بار پرگشودن، از مه‌لکه گریخت و موش، سوراخی پیدا کرد و به سرعت در آن خزید. تنها لاک‌پشت بود که درست مقابل چشمان شکارچی و تور پاره شده، باقی مانده بود.

شکارچی، لاک‌پشت را گرفت، او را با طناب محکم

بست و به گوشه‌ای انداخت. چندی نگذشت که کلاغ، موش و آهو دور هم جمع شدند. آن‌ها از این که دوستشان گرفتار شده بود، بسیار ناراحت بودند. موش گفت: «از چاله در آمدیم، به چاه افتادیم. دوست باوفایمان گرفتار شده است. می‌ترسم بلایی سرش بیاید. باید دوست خوبمان را از دست آن شکارچی نجات دهیم.»

آهو در ادامه گفت: «ما باید وفاداری خودمان را در دوستی با او نشان دهیم. این که این جا بنشینیم و درباره‌ی دوستی سخن بگوییم، هیچ دردی دوا نمی‌شود. باید به فکر چاره باشیم.»

کلاغ هم حرف‌هایی مشابه آهو و موش زد. در این حال، موش، که با تجربه‌تر از همه بود، راه‌حل خودش را چنین مطرح کرد: «آهو برو در جایی قرار بگیرد که حواس شکارچی را پرت کند. البته باید خودش را به زخمی بودن بزند و قدری که راه رفت، روی زمین ولو شود. بعد کلاغ از راه برسد و روی بدن آهو بنشیند و شروع کند به نوک زدن به بدن آهو و مثلاً خوردن گوشت بدن او. وقتی حواس شکارچی به شما دو تا جلب شد و او برای گرفتن آهو حرکت کرد، من به سرعت طناب‌هایی را که شکارچی دور بدن لاک‌پشت بسته است، باز می‌کنم و او را نجات می‌دهم.»

کلاغ و آهو، مو به مو خواسته‌های موش را عمل کردند. وقتی شکارچی از دور آهو را دید، لنگ - لنگان شروع به دویدن کرد و چند قدم آن طرف‌تر روی زمین افتاد. شکارچی برای گرفتن آهو خیز برداشت. در این موقع، کلاغ و موش مشغول انجام وظیفه‌ی نمایشی خود شده بودند.

موش، بالاخره توانست لاک‌پشت را فراری دهد. در این وقت، شکارچی درست به نزدیکی‌های آهو رسیده بود. ولی رسیدن همان و



تصویرگر: لیدا معتمد

فرار کردن آهو با سرعت برق و باد همان.

شکارچی، با عجله به جایی که لاکپشت را با طناب بسته بود، برگشت. معلوم بود که آن جا چه خواهد دید. شکارچی یک آن ترسید. تمام اتفاقات اخیر را از ذهن گذارند و از ترس شروع به لرزیدن کرد. با خود گفت: «دیوانه شده‌ام ... آهو ... تور ... لاکپشت ... طناب. پس این‌ها چه شدند؟ دارم خواب می‌بینم. فکر می‌کنم این دوروبرها را از ما بهتران پر کرده‌اند؟» و بعد شروع کرد به فرار کردن با حداکثر سرعت ممکن. حتی به پشت سر خود هم نگاه نمی‌کرد.

از آن به بعد، آهو و لاکپشت که از دام شکارچی رها شده بودند، سال‌های سال با دوستان وفادار خود، کلاغ و موش، به خوبی و خوشی زندگی کردند.

۳ پرسش

۱. کلاغ و موش، بالاخره چه مکانی را برای مسکن خود انتخاب کردند؟

الف) چمنزار محل زندگی کلاغ

ب) سوراخ محل زندگی موش

پ) مکانی که دوست دیگر کلاغ، لاکپشت، هم در آن

جا زندگی می‌کرد.



۲. برای خلاص شدن

آهو از تور شکارچی، کدام

حیوان بزرگ‌ترین خدمت را کرد؟

الف) لاکپشت

ب) کلاغ

پ) موش.



۳. هدف دوستان وفادار، از این که آهو در روبه‌رو شدن با شکارچی،

خودش را به لنگیدن بزند، چه بود؟

الف) پرت کردن حواس شکارچی برای رهانیدن بدون مشکل لاکپشت.

ب) انتقام گرفتن از شکارچی.

پ) شوخی کردن با شکارچی.

؟ فکر کنید، پاسخ دهید

۱. این داستان، در مورد دوستی و پایداری در دوستی است. در این باره به این پرسش‌ها پاسخ دهید:

الف) پنج ویژگی مهم را که باید دو یا چند دوست، در دوستی با یکدیگر مد نظر داشته باشند، بیان کنید.

ب) تا کجا باید به وفاداری در دوستی پای بند بود؟ آیا اگر وفاداری، باعث از بین رفتن دوستی هم شود، باید کماکان به دوستان وفادار بمانیم؟

پ) پنج موردی را که می‌تواند دوستی‌ها را از هم بگسلد، بیان کنید

۲. «بیماری سوار بر اسب می‌آید و سوار بر لاکپشت می‌رود.» این، یک ضرب‌المثل آمریکایی است. این ضرب‌المثل را به زبان ساده توضیح دهید و در مورد تشبیه‌های مرتبط با سرعت بحث کنید.

۳. نوشته‌ای که در زیر می‌خوانید، یک چیستان به گویش لری است که بلافاصله ترجمه‌ی فارسی آن هم نوشته شده است. به نظر شما جواب این چیستان، چه حیوانی است؟ اگر پاسخ را نمی‌دانید، آن را از یکی از دوستان خودتان که لری می‌داند، بپرسید (احتمالاً دوست هم سن و سال شما هم مجبور خواهد بود، نوشته را به یک فرد بزرگ‌سال که لری می‌داند، نشان دهید). فکر می‌کنید چه دلیل‌هایی باعث شده است، زبان و گویش‌های محلی به تدریج به خطر فراموشی بيفتند.

لری: ریش اسبی اغل مغل، دس دجیو پا در بغل.

ترجمه به فارسی: ریش سفید عجیب و غریب، دست تو جیب و پا در بغل.

۴. یکی از باورهایی که در میان مردم وجود دارد، عمر زیاد کلاغ است؛ به طوری که عده‌ای می‌گویند کلاغ بیش از ۲۰۰ سال عمر می‌کند. به نظر شما، دلیل مطرح شدن این باور در میان مردم چیست؟ آیا تاکنون در ۲۰۰-۳۰۰ سال اخیر، کسی بیش از ۲۰۰ سال عمر کرده‌است که بتواند ۲۰۰ سال زیستن کلاغی را دیده و تجربه کرده باشد؟ چگونه می‌توان با روش‌های علمی از سن واقعی کلاغ‌ها، از جمله یک کلاغ مشخص، اطلاع یافت؟

۵. دو حیوان از چهار موجودی که در این داستان از آن‌ها نام برده شده است، «آهو» و «موش» هستند. آیا می‌دانید نوع کمپابی از آهو در آسیای جنوب‌شرقی زندگی می‌کند که «موش آهو» نام دارد؟



کلمه‌ها و ترکیباتی که برای نخستین بار در این داستان با آن‌ها آشنا شدی

معانی آن	کلمه (و یا ترکیب)

در مورد معنای هر کلمه، لااقل یکی از فعالیت‌های زیر را انجام بده:

- با دوستان خود گفت‌وگو کن.
- با پدر و مادرت بحث کن.
- درستی آن را با آموزگار کنترل کن.
- با مراجعه به لغت‌نامه، فرهنگ‌نامه و یا دایرةالمعارف، اطلاعات بیشتری به دست آور.

در مورد موش آهو تحقیق کنید و اطلاعاتی در حد ۱۰۰ کلمه به دست بیاورید.

یک فعالیت مشابه

پرنده‌ی زیبایی در کشورمان زندگی می‌کند که «هوبره» نام دارد. عده‌ای می‌گویند نام این پرنده از ترکیب دو کلمه‌ی «آهو» و «بره» تشکیل شده است. در مورد هوبره تحقیق کنید و با توجه به این که نسل این جانور به شدت در حال انقراض است، اطلاعاتی در حد ۲۰۰ کلمه به دست آورید.

عده‌ای معتقدند، خواب‌هایی که ما می‌بینیم، تعبیر پذیرند. مثلاً می‌گویند وقتی در خواب آهو می‌بینم، نشانه‌ای از دوستی‌های پاک و عمیق است. وقتی کلاغی را در خواب می‌بینم، نشانه‌ی اندوه و بدبختی است. دیدن لاک‌پشت در خواب، علامت آن است که ...

حال به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

(الف) تا چه حد به تعبیر خواب اعتقاد دارید؟

(ب) آیا درست است که پیشبرد زندگی خودمان را به خواب‌هایی

که می‌بینم و تعبیرهای آن‌ها، بسپاریم؟

(پ) دیدن موش و لاک‌پشت در خواب، علامت چه چیزی است؟

(برای یافتن پاسخ این پرسش، به کدام منبع یا منابع احتمالی مراجعه می‌کنید)

شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان



دو کتاب خواندنی درباره‌ی همین داستان

● **لاک‌پشت و دام آهو**، سروده‌ی ناصر کشاورز، نشر افق (تهران).

این کتاب، دقیقاً همین داستانی است که خواندید. در آن، سه دوست مهربان در حال سپری کردن زندگی آرامی هستند که ناگهان آهویی خود را به آن‌ها می‌رساند و ... ولی تفاوت اصلی این کتاب با داستانی که شما خواندید، در این است که قصه با زبان شیرین شعر بیان شده است. این کتاب، به صورت الکترونیکی در www.iketab.com هم قابل دسترسی است.

● **چنین گفت رای: قصه‌ی کلاغ و موش و کبوتر و لاک‌پشت و آهو**، بازنویسی حمید عاملی، ناشر مؤلف.

این کتاب، جلد دوم از کتاب‌های چند جلدی چنین گفت رای است که سال‌ها پیش، مرحوم حمید عاملی که در رادیو به **بابا عاملی** یا **بابا قصه‌گو** معروف بود، آن‌ها را از روی داستان‌های کلیله‌ودمنه (رای یا بیدیا) به زبان ساده‌ی امروزی بازنویسی کرده است.

سعیده اصلاحی

معلم منطقه‌ی ۱۵ تهران

قاصدک شدن



تصویرگر: امیر خالقی

همیشه بی‌صدا می‌آید. با خبرهای خوش در اطرافم می‌چرخد و می‌رقصد. و چشم‌هایم را به دنبال خود می‌کشانده از این پنجره به آن پنجره.

صدایم می‌زند تا پیش‌باش بدوم و شادمانی را تمرین کنم، قبل از این که روزهایم ورق ورق شوند و صدایم در باد گم شود.

دل‌م را پر می‌دهم و به رسم تمام قاصدک‌های دنیا، به دنبال تو می‌آیم با هزار هزار خبر خوش.

دل من تمام عمر در باد خواهد رقصید و پنجره به پنجره، تو را تماشا خواهد کرد.

دل من، صدايت خواهد زد و در اطرافت آن قدر خواهد چرخید تا تنهایی دور و برت، تار نیندد. تا از جا بلند شوی و با دستمال خورشید، اخم ابر را از پیشانی آسمان پاک کنی. تا همیشه به دنبال بهانه‌ای برای شادی باشی تا قاصدک شدن را یاد بگیری.

بین گوشی را کجا گذاشته‌ای؟ گوشی به این گران‌قیمتی و پراز بلوتوث را که این‌ور و آن‌ور پرت نمی‌کنند!

ناگهان کبری یادش آمد که دیروز در حیاط، کنار دایره زنگی، با کوکب خانم بلوتوث بازی می‌کردند و می‌خندیدند. به طرف حیاط دوید. از دور گوشی را دید. خوش حال شد. وقتی گوشی را برداشت، حالش گرفته شد. چون امواج پارازیت دایره زنگی، کارش را ساخته بودند. کبری با خود فکری کرد و تصمیمی گرفت. آیا می‌دانید تصمیم کبری چه بود؟

الف) کدام گزینه برای تصمیم کبری صحیح است؟

۱. گوشی گران قیمت نخرد.
 ۲. به جای بلوتوث بازی برود کتاب بخواند.
 ۳. با خاله مرجان و کوکب خانم ست نشود.
 ۴. گوشی خود را کنار دایره زنگی رها نکند.
- ب) اگر شما به جای کبری بودید، چه تصمیمی می‌گرفتید؟
۱. گوشی ارزان بخریم.
 ۲. برویم کتاب بخوانیم.
 ۳. هم خودمان و هم گوشی‌مان را از امواج پارازیت دور نگه داریم.
 ۴. برای مادر بلوتوث جدید جمع‌آوری کنیم.

موبایل کبری!

شهبین صادقی
آموزگار دبستان ستاره‌ی نبوت، آبادان

روزی مادر کبری به او گفت: کبری! برو موبایل را بیاور و جدیدترین بلوتوث خاله مرجان را برایم بخر کن. کبری سرخوش و کیفور به سراغ موبایلش رفت. اما هر چه گشت، نتوانست آن را پیدا کند.

کنار رسیور و رایانه را هم گشت، اما از موبایل اثری نیافت. فکر کرد بهتر است به گوشی خود زنگ بزند، اما یادش آمد که تنظیمات گوشی روی «بی‌صدا» (سایلنت) است. با ناراحتی پیش مادر برگشت و گفت: «مادر جان! موبایلم نیست. شما آن را ندیده‌اید؟»

مادر با عصبانیت گفت: نه! دختر سربه‌هوا! بلوتوث نخواستیم. فکر کن



تجربده های سپهر

شماره ۱۴
دوره ۱۴
آذر ۱۹

برونفیلد

«بدر آفتاب» بر بلندای آفتاب ۱۸ (گزارشی از شیراز) / یاسمن محمودی
این آموزگار هوش های چندپایه را می شناسد ۲۱ / دکتر لیلا سیلفه دار
آموزش جغد اقیانوس از پایه اول ۲۲ / مهین صالحی مهر
شادی ستاره باران می شود ۲۴ / فاطمه جارچی
آموزش سیدعلی عبداللهی حسینی، علی لطفی
گشودن زبان کودکی ۲۵ / شهناز سلیمانی
آموزش مهارت های اجتماعی ۲۹ / ترجمه ی آناهیتا خضری
چشمان آبی انتظار ۳۲ / فروزنده خلامی



«بر آفتاب»

گزارش: یاسمن محمودی

عکس: علیرضا عباسی

بر بلندای آفتاب

گزارشی از کلاس اول به آموزگاری خانم فاطمه قاسمی، در دبستان شهیدان اقبال پور شیراز

اشاره

شیراز مرکز استان فارس و پایتخت فرهنگی ایران است. در روایت‌ها آمده که نام این دیار شهرراز بوده است و به اختصار شیراز خوانده می‌شود؛ رازهایی که حافظ و سعدی برخی را به شعر سروده‌اند. شیراز، حافظ و سعدی اش را چون گنجینه‌هایی ارزشمند عزیز می‌دارد، چنان که کاشی‌کاری‌های حافظیه‌اش چشم‌ها را خیره می‌کند. در «بر آفتاب سعدی» شیراز، معلمانی از نسل بزرگان این دیار به پرورش دخترانی هفت ساله مشغول‌اند تا سعدی‌ها و حافظ‌ها تربیت کنند. خانم فاطمه قاسمی، یکی از این معلمان است. شوق او به یاد دادن، کم از شوق شاگردانش به یاد گرفتن نیست. به شیراز رفتیم تا بیشتر با او آشنا شویم.

به نام اولین مربی!

«کلاس درس کوچک بود و دور. اما معلم بزرگی داشت. با حرف‌های خدایی او کلاس درس بزرگ شده بود. دانش‌آموزان او با معلمی که خود رهرو سرزمین کمال بود، راه می‌رفتند و بزرگ می‌شدند.

بچه‌های کلاس همراه معلمشان چه صحنه‌های زیبایی می‌آفریدند. گمان نمی‌برم هرگز معلم خوبشان را که آمیزه‌ای از تقوا و دانش و مهربانی است، فراموش کنند، معلمی که همراه با توانایی‌های عملی، مهارت خوب زیستن را آموخت. خوب عشق می‌نواخت، صداقت می‌شمرد و محبت را تقسیم می‌کرد. صادق و صمیمی و مهربان نیز بود. من از معلمی که دیده‌ام و باورش دارم می‌گویم. از کسی که خورشید وجودش در ابلاغ روشنایی ایمان و علم، هم‌چنان می‌تابد، می‌سرایم.

او معلم اول است و عاشق اولی‌ها.»

به‌طور یقین شما هم با خواندن این نامه‌ی وسوسه می‌شوید تا این معلم اول را ببینید. بعد از گذشت چند روز و چند ساعت، هماهنگی‌های لازم برای سفر به شیراز انجام شد و دوشنبه روزی هوایما در خاک شیراز فرود آمد.

دمای ۳۶ درجه‌ای هوا و تنهایی در شهری غریب، کار گزارش را کمی سخت می‌کند. بالاخره شبی که در شیراز بودم، به صبح رسید. باید به مدرسه‌ی «شهیدان اقبال پور ۲» می‌رفتم.

آقای کرامت‌الله شکرایی مسئول هماهنگی این گزارش در شیراز، به راستی در این سفر حق مهمان‌نوازی را به بهترین نحو به جای آورد. این کارشناس تکنولوژی





و گروه‌های آموزش عمومی سازمان آموزش و پرورش استان فارس، برای رفتن به مدرسه‌ی اقبال‌پور، مرا همراهی کرد.

در شیراز

همان‌طور که خیابان‌های نه‌چندان شلوغ شیراز را طی می‌کردیم، از آقای شکرایی درباره‌ی این آموزگار پرسیدیم: «او چگونه معلمی است؟»

– به نظر بنده، او نمونه است. نمونه از این نظر که با تمام وجود، دانسته‌هایش را با شیوه‌هایی خاص به بچه‌هایش منتقل می‌کند.

آموزگار اول، خانم **فاطمه قاسمی**، در یکی از محروم‌ترین مدارس شیراز در محله‌ای به نام «برآفتاب» مشغول تدریس در پایه‌ی اول ابتدایی است.

می‌گویند بر آفتاب محلی است در شیراز که آفتاب از آن‌جا طلوع می‌کند. پس از گذشتن از کوچه‌هایی تنگ و باریک، تابلوی دبستان را دیدیم.

در مدرسه‌ی شهیدان اقبال‌پور

در دفتر مدرسه، با مدیر، کادر دفتری، آموزگار اول، دو نفر از کارشناسان گروه ابتدایی اداره و دو سرگروه این دوره، مشغول صحبت بودیم که متوجه شدم بچه‌های کلاس خانم قاسمی قرار است چند تا از نمایش‌های کلاسی‌شان را اجرا کنند.

قبل از شروع نمایش، از خانم فرحناز نجاتی، سرگروه آموزش ابتدایی که امسال به‌عنوان معلم نمونه‌ی شهر شیراز نیز انتخاب شده است، در مورد خانم قاسمی پرسیدم.

خانم نجاتی با تمام وجود از محسنات همکارش حرف می‌زد. او می‌گفت نیازهای بچه‌های امروز، فقط نیازهای آموزشی نیست، بلکه فراتر از آن است، ما وظیفه داریم نیازهای پاک آن‌ها را تقویت کنیم. مهارت‌های اجتماعی را به آن‌ها بیاموزیم تا شهروندانی فهیم به جامعه تحویل دهیم که همه‌ی این موارد در سایه‌ی ارتباطی محکم و صمیمی اتفاق می‌افتد و کلاس خانم قاسمی تمام این ویژگی‌ها را در بردارد.

خانم نجاتی درباره‌ی کلاس همکارش گفت:

«من با شوق و انگیزه‌ی خاصی وارد کلاس شدم، اما با حس ناامیدی از کلاس برگشتم. زیرا احساس کردم در تمام سال‌های گذشته‌ی خدمتم، می‌توانستم همانند خانم قاسمی باشم. به این دلیل ابتدا از خودم کمی ناامید شدم، اما پس از آن، بعد از هر بار دیدار از کلاس ایشان، با کوله‌باری از تجربه بیرون می‌آمدم.»
با شنیدن صحبت‌های خانم نجاتی، شوقم برای دیدن کلاس و نمایش‌های معلم اول بیشتر شد. بالاخره راهی کلاس شدیم.

در کلاس

بیشتر بچه‌ها لباس محلی پوشیده بودند. تعدادی لنگ بر کمر بسته و کلاهی سفید بر سر گذاشته بودند. تعدادی هم زنگوله بر گردن داشتند.

در لحظه‌ی ورود، بچه‌ها برخاستند و شروع به خواندن سرود جمهوری اسلامی کردند:

سر زد از افق مهر خاوران
فروغ دیده‌ی حق باوران...

گوشم به صدایشان بود و نگاهم به نگاهشان؛ نگاه‌هایی که به دنبال گرفتن تأیید از معلم، به چشمان او خیره بودند. معلم چه زیبا با نگاهش پاسخشان را داد؛ پاسخ این دختران هفت ساله را. سرود تمام شد و دختری سبزه رو با لباس محلی شیرازی، به ما خوش آمد گفت و چنین دکلمه کرد:

از تو کوچا^۱ توپس کوچا بوی بهار می‌آد کاکو^۲
از تو ارم، تو دلگشا صوت هزار^۳ می‌آد کاکو
وقتی که شیراز رسیدی شاه چراغ یادت نره
تو حرم شاه چراغ دلت قرار می‌یاد کاکو
کاش بودید و مهر و عشق را در چشم‌های شیرازی‌های
ایران زمین می‌دیدید.

چراگاه در کلاس

چه روز قشنگی! چه هوای خوبی!
گوسفندان در چراگاه می‌چرند.
قوچ در کنار چشمه ایستاده است.
چوپان زیر درخت نشسته است.



پیام آموزگار اول

پیام من برای تمامی معلمان، مخصوصاً آموزگاران زحمت کش دوره‌ی ابتدایی این است که شاگردانشان را مانند فرزندان خود بدانند. در این صورت، از هیچ کمکی دریغ نمی‌کنند و بی‌هیچ منت و کم و کاستی، عاشقانه آن‌ها را پرورش می‌دهند.

اندیشیده است.

دریا در کلاس

بر آفتاب در شرق شهر شیراز قرار دارد. اکثر بچه‌های هفت ساله‌ی برآفتاب هنوز از نزدیک دریا را ندیده‌اند. پس درس دریا را در کتاب بخوانیم و بنویسیم، چگونه درک کنند؟! این جاست که خلاقیت معلم اول به کمکش می‌آید. با چند ورق مقوای آبی رنگ، آب دریا را نمایش می‌دهد. با چند مقوای قایقی می‌سازد، کلاه‌هایی سفید بر سر بچه‌ها می‌گذارد لنگ بر کمرشان می‌بندد، چوب را به عنوان پارو به دستشان می‌دهد و قایق دریا را به کلاس درس می‌آورد.

بازهم در کلاس

محو تماشای نمایش شده و به کلی کار گزارش را فراموش کرده بودم. انرژی زیادی در کلاس موج می‌زد. غبطه خوردم و برای چند لحظه آرزو کردم کاش من هم شاگرد این کلاس می‌شدم. شما که معلم هستید، خوب می‌دانید هماهنگی مدرسه و منطقه برای بردن بچه‌های به خارج از مدرسه، کار چندان آسانی نیست، بویژه بعد از آن اتفاق پارک شهر تهران در چند سال پیش. اما معلم اول، در دسر به جان می‌خرد تا بچه‌هایش با درک کردن و فهمیدن بیاموزند. درس زورخانه‌ی کتاب را با بردن بچه‌ها به زورخانه تدریس کرد؛ هر چند که بعد از برگشت از بازدید، بچه‌ها خودشان در کلاس زورخانه‌ای نمایشی به راه انداختند. برای درس برگ از کتاب علوم، بچه‌ها را به باغ ارم شیراز برد. خودش می‌گوید، هر گاه کار سخت‌تر می‌شود، یاد خاطرات و چشمان سراسر شوق دخترهای هفت ساله‌ی کلاسش، همه چیز را سهل و آسان می‌کند.

در پایان

هوایما که برخاست، شیراز که از نظر ناپدید شد، من ماندم و دیوانی از غزلیات سعدی که مدیر مدرسه‌ی شهیدان اقبال‌پور به من هدیه کرده بود. هر گاه چشم به این کتاب در قفسه‌ی کتاب‌هایم می‌افتد، محله‌ی برآفتاب، معلم اول و دل‌سوزان آن مجموعه، یک به یک در نظرم مجسم می‌شوند.

کاش می‌دانستند، خاطراتشان و گفته‌هایش بهترین تحفه‌ی این سفر بود! پس از این، بر بلندای آفتاب نظاره می‌کنم تا در درخشیدن کودکان برآفتاب را شاهد باشم.

در پایان جا دارد از همراهی برادرانه‌ی آقای شکرایی، خانم نجاتی، خانم ویسی و خانم وحید که به راستی یادآور



چراگاه را در طبیعت دیده بودم، در کتاب‌ها دیده بودم، اما در کلاس درس، نه! یک شاخه‌ی خشکیده، کمی علف روی زمین و بچه‌هایی زنگوله بر گردن، به جز تصویری از چراگاه، چه چیزی را در ذهن شما تداعی می‌کنند؛ تازه چوبانی فلوت به دست را هم به این مجموعه بیفزایید.

هر چند بسیار ساده و ابتدایی بود، اما به راستی زیبا و هنرمندانه می‌نمود. این صحنه‌پردازی‌ها به درس «چراگاه» کتاب بخوانیم و بنویسیم مربوط است که معلم کلاس چنین تدابیری را برای آن

گفت‌و شنود

همان طور که گفتیم، خانم قاسمی برای تدریس هر مبحث درس، نمایش، سرود و یا کاردستی‌هایی درست می‌کند، اما ایده‌ی این کارها از کیست؟

خانم قاسمی می‌گوید: «من وقتی شاگرد دوره‌ی ابتدایی بودم، دوست داشتم مفاهیم درس را به صورت نمایش، شعر و یا داستان گونه یاد بگیرم. اما متأسفانه روش تدریس معلم ما خشک و خسته کننده بود. از همان روزها با خودم عهد بستم، اگر روزی معلم شدم، فراموش نکنم که دانش‌آموزان این دوره‌ی تحصیلی، بسیار حساس و عاطفی هستند.»

به همین دلیل برای انتقال مفاهیم، به روش‌هایی خلاق و پر جنب‌وجوش نیاز دارند. خانم قاسمی می‌گوید: «من صد درصد به هدف معلمی خود رسیده‌ام. من با استفاده از تجربه‌های دیگر دبیران که بهترین و مؤثرترین منبع است، توانستم به ارتباطی خوب و تأثیر گذار برسیم. اما ناگفته نماند، همیشه به دنبال روش‌های فعال و جدید بودم و تا حدی که کلاس پذیرای این روش‌ها باشد، از آن‌ها استفاده می‌کنم.» تنها مشکلی که خانم قاسمی به آن اشاره کرد، نداشتن مشاور در مدرسه است. زیرا به علت موقعیت خانوادگی که بچه‌های این مدرسه دارند، وجود مشاور تأثیر بسزایی دارد.

این آموزگار هوش‌های چندگانه را می‌شناسد



دکتر لیلا سلیقه‌دار

اشاره

گفت‌وگویی خانم فاطمه قاسمی، آموزگار شیرازی با خبرنگار آموزش ابتدایی که در همان شهر صورت پذیرفته و نیز گزارشی که وی از حواشی و بازتاب‌های کلاس خانم قاسمی ارائه داده‌بود، ما را بر آن داشت از خانم دکتر سلیقه‌دار، عضو شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی مجله بخوابیم، شیوه‌ی تدریس این خانم معلم را از زاویه‌ی نظریه‌ها و تکنیک‌های یاددهی - یادگیری تحلیل کند. وی وقتی متن گفت‌وگو و گزارش را خواند، گفت: «معلوم است که این خانم آموزگار، هوش‌های چندگانه را می‌شناسد.» آن چه در پی می‌آید، مروری است دوباره بر هوش‌های چندگانه. خواهش می‌کنیم پس از خواندن نوشته‌ی حاضر، گزارش خبرنگار مجله از کلاس این آموزگار شیرازی را هم دوباره بخوانید و مقایسه کنید.

تئوری هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری، از جمله‌ی جذاب‌ترین و پرکاربردترین مباحثی است که عمری نه چندان طولانی در آموزش دارد. در این تئوری، فرضیه‌هایی که یادگیری را صرفاً به هوش عمومی مربوط می‌دانند، رد شده و در بچه‌های تازه‌ای به روی آموزش دهندگان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت باز شده‌اند. هوش‌های چندگانه، مبین انواع راه‌هایی است که به واسطه‌ی آن‌ها یادگیری افراد شکل می‌گیرد و زمینه‌ی لذت بردن از یادگیری فراهم می‌شود. تاکنون به ۹ هوش اشاره شده است.

● هوش زبانی / کلامی، عبارت است از توانایی کاربرد مؤثر زبان به صورت شفاهی یا نوشتاری. افراد دارای هوش کلامی بالا، استفاده از کلمات را در یادگیری و ایجاد ارتباط ترجیح می‌دهند و غالباً از خواندن و نوشتن لذت می‌برند.

● هوش منطقی / ریاضی، نوع دیگری از هوش است که شامل توانایی کشف الگوها، دلایل قیاسی و تفکر منطقی است. افراد دارای این نوع هوش، داشتن منطق را در پذیرش مطالب، مهم و ضروری می‌دانند و نیز مدعای خود را با ذکر دلیل اثبات می‌کنند.

بهره‌گیری از تجربه‌های دیگران، بهترین منبع برای تدریس هر معلمی است

مهمان‌نوازی مردمان شیراز شدند، تشکر و قدردانی کنم.

درباره‌ی آموزگار برآفتاب

فاطمه قاسمی، آموزگار اول ابتدایی، لیسانس آموزش ابتدایی و ۱۴ سال سابقه‌ی کار دارد. تمام دوران تدریس را در مناطق محروم شهر شیراز بوده است و دلیل انتخاب منطقه‌ی محروم را این‌گونه توضیح می‌دهد: «من فکر می‌کنم که به نحوی به جامعه و به مردم محروم بدهکار هستم و می‌خواهم با تدریس در این مناطق، به این وظیفه‌ی جامعه‌ی عمل بپوشانم.»

او درباره‌ی نحوه‌ی برقراری ارتباط با شاگردانش می‌گوید: «من سعی می‌کنم با شناختی جزئی از بچه‌ها، اعتماد آن‌ها را نسبت به خودم جلب کنم و با سبک کارم آشنایشان کنم تا راحت‌تر با من همراهی کنند. من همیشه دوست دارم کلاس جذابی داشته باشم. به این دلیل، تمام پیام‌های درس را به صورت نمایش به بچه‌ها انتقال می‌دهم و ناگفته نماند، ارتباط من با والدین مخصوصاً مادران دانش‌آموزانم، بسیار نزدیک و صمیمی است و این رابطه تأثیر بسزایی در برقراری رابطه و درک بیشتر آن‌ها دارد.»

یک خاطره

هفته‌ی معلم بود. بچه‌های کلاس هر کدام هدیه‌ای کوچک برایم آوردند. در کلاس ناراحتی را در چهره‌ی یکی از شاگردانم دیدم...

آخرین روز هفته‌ی معلم بود که او سراسیمه با یک کادو پیش من آمد و با چشمانی خیس گفت: «خانم معلم، ببخشید که هدیه‌ی شما را دیر آوردم. چون مادرم امروز از کمیته امداد امام خمینی پول گرفت.»

در آن لحظه، خدا را شکر کردم که مهر معلمی و مادرانه‌ی من را در وجود بچه‌های کلاس هم نیز نهاده است.

زیرنویس

۱. نامه‌ای که یکی از دانش‌آموزان سال‌های گذشته نوشته است.
۲. کوچا: کوچه‌ها
۳. کاکو: برادر
۴. صوت هزار: صدای بلبل



زهرار جایی راد

.....
آموزگار پایه‌ی اول، ششم سبزووار

آموزش جغرافیا از پایه‌ی اول!

در پایه‌ی اول ابتدایی، دانش‌آموزان در حالی به یادگیری صدای اُ می‌رسند و کلمه‌ی «اُستان» را می‌نویسند که با مفهوم آن آشنا نیستند. هم‌چنین، دانش‌آموزان مناطق روستایی که کمتر امکان مسافرت به سایر نقاط کشور را دارند، نام بعضی از استان‌ها نظیر مازندران را می‌شنوند و می‌خوانند، در حالی که شناخت زیادی از موقعیت آن‌ها ندارند. من برای آشنا کردن دانش‌آموزانم با استان‌های کشور، نقشه‌ای در کلاس نصب می‌کنم که محدوده‌ی هر استان را با رنگ مجزایی نشان می‌دهد. آن‌ها با جلو رفتن درس و آشنا شدن با صداهای جدید، نام استان‌هایی را که می‌خوانند، روی برگه می‌نویسند و در موقعیت مکانی آن‌ها می‌چسبانند. در ضمن، گروهی هم می‌کوشند تا نام شهرهای روی نقشه را بخوانند و اگر بتوانند، آن‌ها را تشبیه می‌کنم. از همه مهم‌تر این که با کشور عزیزمان ایران هم بهتر آشنایی پیدا می‌کنند.

● هوش فضایی/دیداری، نوعی توانایی ذهنی را شامل می‌شود که به فرد امکان خلق ماهرانه‌ی تصاویر ذهنی را در پیدا کردن راه حل مشکلات می‌دهد. استفاده از نقشه و نمودار، نوار ویدیویی و عکس و نیز نقاشی کردن و مجسمه‌سازی، شیوه‌های رایج یادگیری مبتنی بر این هوش هستند.

● هوش بدنی/جنبشی، عبارت است از توانایی و سیستم‌های ادراکی و مکانیکی مغز در حل مسائل و شامل توانایی فهم دنیا از طریق بدن است. داشتن مهارت‌های حرکتی در انگشت‌ها و دست و کنترل حرکات، از نشانه‌های افراد دارای این مهارت است.

● هوش میان فردی یا درک اجتماعی، به توانایی فهم و درک، تفاوت میان روحیات، احساس، هیجانات و فهم افراد مربوط می‌شود. توانایی برقراری ارتباط و تعامل با سایر افراد و گروه‌ها در افراد صاحب این هوش بالاست.

● هوش درون فردی یا ادراک درونی عبارت است از توانایی فهم و بیان احساسات درونی، دانستن این که چه کسی است، چه کارهایی می‌تواند انجام دهد و داشتن آگاهی نسبت به احساسات خود در همان لحظه‌ی وقوع.

● هوش موسیقایی استفاده از صدا در وسیع‌ترین حوزه را ممکن می‌سازد. افرادی با هوش موزیکال، چارچوبی از درک و شنیدن تن و ریتم و طرح‌های موزیکال، زیر و بم صدا و آهنگ را دارند. آن‌ها قادرند از طریق موسیقی، هیجانات خود را بیان و فکر کنند.

● هوش طبیعت‌گرا یا هوش محیطی، توانایی فهم نمادهای طبیعی و احترام و حساسیت نسبت به طبیعت را شامل می‌شود. این افراد ضمن داشتن حساسیت زیاد به طبیعت و محیط اطراف که آنان را به طبقه‌بندی کردن پدیده‌های گوناگون طبیعی موفق می‌کند، از بودن در محیط‌های طبیعی لذت می‌برند.

● هوش وجودگرایانه یا بنیادگرایانه که تازه‌ترین هوش شناخته شده در این بین است، توجه و حساسیت به مسائل غایی انسان را در بربر دارد. افراد دارای این هوش، توانایی موقعیت‌گزینی را با در نظر گرفتن مشخصه‌های وجودی انسان به عنوان معنای زندگی، معنای مرگ، سرنویست نهایی جهان مادی و معنوی، تجربیات عمیق عشق به دیگری و غوطه‌ور شدن در آثار هنری دارند.

براساس هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری، نظام آموزش در کلاس‌های درس شکل دیگری پیدا می‌کند و شیوه‌های قدیمی دیگر در آن جایی نخواهد داشت. در کلاسی که معلم به هوش‌های چندگانه توجه دارد، دانش‌آموزان از طریقی که بیشتر لذت می‌برند، می‌آموزند و یادگیری ماندگارتری را تجربه می‌کنند. اساس رفتار در این کلاس، هوش و توانایی‌های گوناگون دانش‌آموزان است که به پدیدآوری جلوه‌های متنوعی از طراحی آموزشی منجر می‌شود.



نعمه آدینه پور، دانش آموز کلاس پنجم

غدیرنامه

مهین صالحی مهرا

آموزگار دبستان راضیه، منطقه ۴ تهران

بهترین روز زندگی

من چندین سال بود که این جا بودم، رفت و آمد مردم را دیده بودم و صداهایشان را شنیده بودم. اما هیچ احساسی به من دست نداده بود. آن روز هم عده‌ای را دیدم که از دور به طرف من می‌آیند. لحظه به لحظه که آن‌ها نزدیک‌تر می‌شدند، احساس خوبی به من دست می‌داد. فهمیدم آن‌ها باید افراد مهمی باشند. در دلم خدا را می‌کردم که روی من بایستند. کاروان خیلی بزرگ بود. تا آن موقع آن همه آدم در این جا ندیده بودم. همه خسته بودند. روی زمین نشستند. از آب چشمه خوردند. به اسب‌ها و شترهایشان هم دادند. بعد از مدتی سرگرم خداحافظی شدند تا هر کدام به شهرها و دیار خود بروند. من که تازه از تنهایی درآمده بودم، آرزو می‌کردم کاش بیشتر بمانند. ناگهان گرمی قدمی را روی خود احساس کردم. تا آن موقع از این که یکی روی من بایستد، احساس افتخار نکرده بودم. احساس می‌کردم تمام سنگ‌ها و درخت‌ها و خاک‌ها با حسرت به من نگاه می‌کنند. نمی‌دانم چه شد که همه ایستادند. آن مرد مهربان و نورانی، حرف‌هایی زد و دست مرد مهربان دیگری را بالا برد. همه خوش حال شدند و خوش حالی من دو برابر شد، زیرا احساس می‌کردم فرشته‌های آسمان به آن دو مرد نورانی با حسرت نگاه می‌کنند. فهمیدم که مرد نورانی اول پیامبر خداست و مرد نورانی دوم پسر عمو و داماد پیامبر خدا، که او را به جانشینی خودش انتخاب کرد. هنوز که هنوز است، احساس آن روز را به خاطر دارم. دلم می‌خواهد برای همیشه تاریخ فریاد بزنم و بهترین احساس زندگی‌ام را به همه بگویم.

اشاره

در ایامی هستیم که عطر خوش کوچه‌های مکه، مدینه و بیت‌الله‌الاکبر، با قدم حاجیان لبیک گو که چون پرستو به وطن برگشته‌اند، مشام جان جاماندگان از این فضیلت را می‌نوازد و همه در حسرت دیدار، بال بال می‌زنند.
یکی از همکاران آموزگار با توجه به عظمت این ایام و پیام موجود در پایان مراسم حج و در اهمیت غدیر خم، دست به فعالیتی تجربی زده است که شرح آن را از زبان ایشان می‌آوریم.

چندین سال بود که در واپسین روزهای مناسک حج، این حدیث از پیامبر گرامی اسلام (ص) نظر مرا به خود جلب می‌کرد:
«هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست.»
در ایامی که مدرسه هم به راه بود، دائماً به این فکر می‌کردم که چگونه می‌توانم در مدرسه یا کلاس، درباره‌ی این پیام و در واقع عید غدیر خم، برنامه‌ای آموزشی - تربیتی برپا کنم. روزها گذشت تا این که امسال این جمله‌ی مبارک حضرت ختمی مرتبت (ص) را در جایی دیدم که نوشته بود: «پیام غدیر را به سایرین برسانید.»
به این ترتیب، راهی پیش پایم گشوده شد تا پیام غدیر را به سایرین برسانم. پس از تکثیر ترجمه‌ی فارسی خطبه‌ی غدیر و توزیع آن بین دانش‌آموزان، زنگ انشایی را به این امر اختصاص دادم. با توضیحات من و مطالعه‌ی دانش‌آموزان، نتیجه را از آن‌ها به صورت داستان خواستم و چنین شد که «غدیرنامه»، کاری از نویسندگان کوچک دبستان راضیه، شکل گرفت و به نحوی پیام غدیر باز ابلاغ شد. از این میان، داستان «بهترین روز زندگی‌ام» از دانش‌آموز کلاس پنجم **نعمه آدینه پور** را از میان ۴۰ اثر انتخاب کرده‌ام که متن آن را تقدیم شما می‌کنم.

شادی ستاره باران می شود

فاطمه جارچی

آموزگار دبستان شهید خیرزاده، ناحیه ۵ مشهد

اشاره

آموزگاران موفق در اثنای تدریس و در جهت پیشبرد اهداف تعلیم و تربیت، به احوال دانش آموزان توجه خاص دارند. در این میان، برای ایجاد ارتباطات عاطفی، علاوه بر فعالیت‌های علمی، ضرورت دارد به طرح مطالب انگیزاننده در راستای نشاط بخشیدن به حال و هوای کلاس پرداخته شود. از این رو، یکی از آموزگاران مشهدی، طرح «کلبه‌ی شادی» را برای کم کردن اضطراب و به وجود آوردن اشتیاق در پایه اولی‌ها به اجرا درآورده است که در ادامه به صورت کوتاه و به قلم خود ایشان معرفی می‌شود.

شادی

شادی در ایجاد انگیزه و کاهش تألمات روحی نقش بسزایی دارد. بنابراین، با اجرای طرح کلبه‌ی شادی، اهداف زیر محقق خواهد شد:

- بهبود جریان یاددهی - یادگیری کودکان؛
- ایجاد محیطی زیبا و دوست داشتنی برای کودکان (مدرسه‌ی زندگی)؛
- آشنایی کودکان با مفاهیمی چون کلبه و خیمه؛
- تجسم‌بخشی به محتوای ذهنی در مورد وقایع تاریخی مثل عاشورا، چادر نشینی و...؛
- آموزش مهارت‌های زندگی در جمع؛
- آموزش مفاهیم درسی در قالب وسایل موجود؛
- ایجاد انگیزه با اجرای بازی‌های متنوع به منظور یادگیری سریع دروس.



آزادی آرزوهایم!

شهناز سلیمانی

آموزگار دبستان شاهد، منطقه ۲ شهر تهران

بزنند جعبه دربارهی چیست. بعد از مدتی، جعبه را برگرداندم. وقتی بچه‌ها نوشته‌ی روی جعبه را دیدند، بسیار خوش حال شدند.

با هم فرار گذاشتیم که زنگ آخر روزهای پنج‌شنبه، زنگ آرزوها باشد و آن‌ها آرزوهایی را که تا به حال به

چند سالی است که در مدارس ابتدایی منطقه‌ی ۲ شهر تهران مشغول خدمت هستیم و اینک در پایه‌ی سوم تدریس می‌کنم. با شناختی که از روحیات بچه‌ها به دست آورده‌ام، به ذهنم رسید به شکلی، به افکار و آرزوهای آن‌ها نزدیک شوم. یک جعبه به شکل قلب و با کاغذ قرمز براق درست کردم و روی آن نوشتیم: «جعبه‌ی آرزوها». بچه‌ها با دیدن جعبه تعجب کردند. به آن‌ها فرصت دادم تا حدس

نحوه‌ی اجرا

بدین منظور دو کلبه در کلاس برپا می‌شود:
کلبه‌ی اول، کلبه‌ی ماه: بعد از اتمام فعالیت‌های



کلاسی، زمانی که به اهداف آموزشی خود رسیدیم، برای تثبیت یادگیری کودکان، به آن‌ها فرصت می‌دهیم از بازی‌های متنوع کلبه بهره ببرند. این کار به عنوان پاداش، برای همه‌ی کودکان (قوی، ضعیف و متوسط) کاربرد دارد.

در ضمن، از این کلبه برای سرعت‌بخشی و تمیزنویسی تکالیف نیز استفاده می‌شود. هر کس تکالیفش را تمیزتر و با دقت‌تر انجام دهد، می‌تواند بنابر علاقه‌ی خود، از داخل کمد کلاس که در آن کارت‌ها یا اسباب‌بازی‌های آموزشی و سرگرم کننده وجود دارد، استفاده کند.

استفاده کند.

کلبه‌ی ۲، کلبه‌ی ستاره: بعد از تدریس مهارت‌های زندگی، کودکانی که در رفتار و کردارشان، مهارت‌های آموزش داده شده را به خوبی اجرا می‌کنند، برای تشویق و ترغیب می‌توانند از این کلبه استفاده کنند. البته برای ترغیب کودکان به انجام این مهارت‌های خلاق، همه‌ی آن‌ها می‌توانند از این کلبه استفاده کنند.

در این کلبه، می‌توانند علاوه بر بازی، از ضبط صوت، نوارهای آموزشی، کتاب‌های داستان و... نیز بهره ببرند یا با عروسک‌های موجود یکی از مهارت‌ها، داستانی بسازند و به کلاس ارائه دهند.

نتیجه‌ی طرح

- ایجاد فضای شاد و با نشاط در کلاس و تبدیل کلاس به محیطی دوست‌داشتنی؛
- جذب کودکان کم‌رو و خجالتی و شرکت فعالانه در این طرح‌ها؛
- ایجاد انگیزه‌ی بسیار قوی برای یادگیری بهتر دروس؛
- اجرای سریع و دقیق مهارت‌های زندگی چون مهربانی، نوع‌دوستی، ایثار، فداکاری، مسئولیت‌پذیری، احترام به خود و دیگران و...
- علاقه‌مندی شدید کودکان به دروس و مهارت‌ها.

کسی نگفته‌اند، بنویسند و به نام خودشان در صندوق بیندازند.

الان چند سالی از شروع این تجربه می‌گذرد و آن قلب

قرمز، هم چنان از آرزوهای کوچک دانش‌آموزان پر می‌شود.

من نوشته‌های بچه‌ها را می‌خوانم. تعدادی از آرزوها به خانواده‌ها

مربوط است. سعی می‌کنم موارد ممکن را به والدین اطلاع دهم

تا در صورت امکان، آرزوی فرزندشان را برآورده سازند. آن‌هایی

را که به من یا مدرسه مربوط است، در حد ممکن بررسی و تأمین

می‌کنیم.

جعبه‌ی آرزوها باعث شده است که بچه‌ها:

۱. از نوشتن ترس نداشته باشند.

۲. احساسات و خواسته‌هایشان را به راحتی بیان کنند.

۳. در عالم خیال به پرواز درآیند.

۴. توانایی ابراز وجود داشته باشند.

در فرصت‌هایی، بدون ذکر نام، با بچه‌ها درباره‌ی آرزوهایشان صحبت می‌کنم. گاهی خود آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که چه نوع آرزوهایی منطقی است و چگونه باید خواسته‌هایشان را در زندگی تعدیل کنند

من دریافته‌ام، وقتی فاصله‌های بین معلم و دانش‌آموز کم می‌شود،

قلب‌ها به هم نزدیک می‌شوند و در این وضعیت، معلم می‌تواند بهترین

راه‌ها را برای دانش‌آموزان باشد. نمونه‌هایی از آرزوهای دانش‌آموزان من

در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ را بخوانید.

گشودن زبان کودک

سیدعلی عبداللهی حسینی - علی لطفی

کارشناسان ارشد برنامه‌ریزی آموزشی - تکنولوژی آموزشی

استفاده از بازی، با مسائل و مشکلاتی روبه‌رو خواهند شد. در حالی که نمی‌دانند اگر اهداف بازی‌ها، هم برای معلم و هم برای دانش‌آموز مشخص شود، نه تنها مشکل برانگیز نیست، بلکه استفاده از آن‌ها به عنوان وسیله‌ای برای کمک به کودکان در جهت حل ناتوانی‌های یادگیری، بسیار مؤثر و مفید واقع خواهد بود.

به تجربه ثابت شده است، همه‌ی بچه‌ها بازی را دوست دارند. شاید هیچ کودکی را نتوان یافت که در طول دوران زندگی خود، بازی را تجربه نکرده باشد. آری، بازی برای کودک نوعی نیاز اجتناب‌ناپذیر است. حتی می‌توان گفت: «بازی برای کودک همان اهمیت را دارد که آب برای ماهی و اکسیژن برای موجودات». لذا بر همین اساس، علمای تعلیم و تربیت عقیده دارند، اگر یادگیری اولیه از طریق بازی مورد غفلت و یا بی‌توجهی قرار گیرد، آموزش و پرورش در سنین بالاتر، آن‌طور که باید و شاید، نمی‌تواند مفید واقع شود. هم چنین آنان معتقدند، اگر قرار است پایه‌های محکم برای یادگیری ریاضیات در دوره‌ی ابتدایی، در کودکان بسازیم، باید کودک را در سنین قبل از دبستان با انواع بازی‌ها آشنا کنیم [تبریزی، ۱۳۸۱: ۲۳]

در همین راستا و در ادامه‌ی روش‌های قبلی، یکی دیگر از روش‌های جدید تدریس

چون که با کودک سروکار فداد پس زبان کودکی باید گشاد

این بیت پر معنی را مکرر در کلاس‌های آموزشی، جلسه‌ها، گردهمایی‌ها، کتاب‌ها و نشریات ویژه‌ی معلمان می‌شنویم و می‌خوانیم. اما آیا تا به حال به ابعاد گوناگون زبان کودکی فکر کرده‌ایم؟ در واقع آیا می‌دانیم این زبان چگونه زبانی است و چگونه باید زبان بگشاییم تا کودکان حرف‌های ما را درک کنند و بفهمند؟

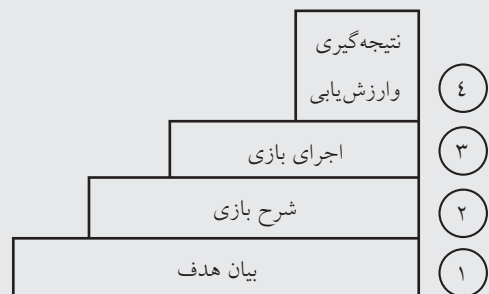
به نظر می‌رسد، با کودکان به زبان‌های گوناگون می‌توان حرف زد؛ زبان قصه، زبان شعر و... اما بهترین و گویاترین زبانی که همه‌ی کودکان در طیف سنی این دوره و با بهره‌های هوشی متفاوت می‌توانند آن را درک کنند، «زبان بازی» است.

شاید با جملات بالا، این سؤالات به ذهن متبادر شود که: واقعاً منظور این است که در کلاس درس بازی کنیم؟ آیا اجرای بازی در کلاس درس، باعث ایجاد شلوغی و سرو صدا نمی‌شود؟ آیا معلم جایگاه و ابهت خود را از دست نمی‌دهد؟ آیا دانش‌آموزان سوء استفاده نمی‌کنند؟ و...

چالش بزرگ بعضی از معلمان در اجرای بازی، وجود همین تفکرات منفی در ذهن آن‌هاست. یعنی آنان احساس می‌کنند با



با عنوان «تدریس مبتنی بر بازی» را معرفی می‌کنیم. مراحل اجرای این روش، در نمودار زیر دیده می‌شود:



آوردن جواب جمع‌ها به صورت ذهنی است. یادآوری: هماهنگی اعصاب و عضلات و درمان نارساوسی، از اهداف دیگر این بازی است. قابل ذکر است که این اهداف را (که در دل بازی مستتر است)، به هیچ وجه برای دانش‌آموزان کلاس مطرح نمی‌کنیم.

مرحله دوم: شرح بازی

در مرحله‌ی حاضر، بازی مورد نظر برای آموزش مفاهیم را شرح می‌دهیم. لازم است

در «شرح بازی»، دستورالعمل مورد نیاز و نحوه‌ی انتخاب افراد برای بازی هر دانش‌آموز و وسایل مناسب برای کمک به غنی‌سازی بازی مشخص شود.

آموزگار: گل‌های مهربانم! این بازی به «روش انفرادی» اجرا می‌شود. برای بازی هم به ۳۰ کارت جمع در اندازه‌های «۱۰×۱۰» سانتی‌متری نیاز داریم؛ همان کارت‌ها که در زنگ هنر آماده کردیم.

مرحله سوم: اجرای بازی

این مرحله، عملی‌ترین بخش اجرای روش تدریس مبتنی بر بازی است. در مرحله‌ی حاضر، همه‌ی دانش‌آموزان نقش فعالی در یادگیری دارند و معلم هم به مثابه راهنمای فعالیت‌های بازی عمل می‌کند. هم‌چنین، انواع وسایل آموزشی فراهم شده نیز در اختیار دانش‌آموزان قرار داده می‌شود.

آموزگار: بچه‌ها! قبل از اجرای بازی، از شما خواهش می‌کنم برای ایجاد تمرکز و دقت دانش‌آموزانی که برای اجرای بازی به

با هم وارد کلاسی می‌شویم که آموزگار محترم، پس از اجرای فعالیت‌های مقدماتی، از طریق این روش می‌خواهد فرایند یاددهی و یادگیری را هدایت کند.

طراحی آموزشی

نام درس: ریاضی

موضوع درس: جمع ترکیبی عدد ۱۰

پایه: اول ابتدایی

مرحله‌ی نخست: بیان هدف

در این مرحله می‌کوشیم هدف درس را به روشنی و در نهایت سادگی برای دانش‌آموزان بیان کنیم.

آموزگار: بچه‌های عزیز! خوب توجه کنید، امروز پس از این که جمع اعدادی را که حاصل آن‌ها عدد ۱۰ می‌شود، با کمک و همکاری یکدیگر یاد گرفتیم، ادامه‌ی فعالیت را با «بازی» دنبال می‌کنیم. البته این را هم بدانید که هدف از اجرای بازی در کلاس درس، فقط رفع خستگی نیست، بلکه تمرین و تثبیت یادگیری جمع و توانایی در به‌دست

جلوی کلاس دعوت می‌شوند، سکوت را رعایت کنید.

آموزگار دو دانش‌آموز را انتخاب می‌کند و در فاصله‌ی مناسب از تخته‌ی کلاس قرار می‌دهد. سپس کارت‌های جمع (بدون جواب) را روی تخته‌ی کلاس نصب می‌کند. به هر دانش‌آموز یک کاغذ مچاله شده (توپ کاغذی) می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد با شنیدن شماره‌ی ۳، به کارتی نشانه بروند که مثلاً حاصل جمع آن‌ها عدد ۱۰ می‌شود. بازی با سوت معلم آغاز می‌شود. هر کسی در زدن نشانه دقت بیشتری به خرج داد و به کارت‌های مورد نظر صحیح نشانه رفت، برنده بازی است.

$$1 + 5$$

$$9 + 0$$

$$6 + 2$$

$$6 + 4$$

مرحله چهارم: نتیجه‌گیری و ارزش‌یابی

در روش تدریس مبتنی بر بازی، مرحله‌ی پایان روش تدریس که «نتیجه‌گیری» است، با فعالیت «ارزش‌یابی» همراه است. در مرحله‌ی حاضر سعی بر این است که توجه دانش‌آموزان به برآورد فعالیت‌ها سوق داده شود. از آن‌جا که عده‌ی زیادی از دانش‌آموزان در فعالیت بازی شرکت می‌کنند، به احتمال زیاد به مفهوم مورد نظر برای یادگیری تسلط می‌یابند. از این‌رو، از نتیجه‌گیری بازی، به قصد ارزش‌یابی هم بهره می‌گیریم [آقازاده، ۱۳۸۵: ۳۶۷].

آموزگار: بچه‌های عزیز! در پایان فرمی را

نوشته‌ی دیوید میچل

ترجمه‌ی آناهیتا خضری کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی

آموزش مهارت‌های اجتماعی

منظور از مهارت‌های اجتماعی چیست؟

افراد توانا به لحاظ اجتماعی می‌توانند با درک و پاسخ‌دهی به موقعیت‌های اجتماعی، به صورت مؤثر بر محیط اجتماعی خود مدیریت کنند. این افراد دارای خصوصیات زیر هستند:

- **حساسیت اجتماعی**^۱: به درستی مفهوم هر رخداد اجتماعی را می‌فهمند، یعنی رمزگشایی کردن از نشانه‌ها (سرنخ‌های) اجتماعی.

- **ایفای نقش**^۲: افراد و نحوه‌ی تجربه کردن آن‌ها را درک می‌کنند.

- **بینش اجتماعی**^۳: موقعیت‌های اجتماعی و آن‌چه را که در اجتماع رخ می‌دهد، درک می‌کنند.

- **فهم اجتماعی**^۴: جریان‌ها و عرف اجتماعی نظیر دوستی‌ها و روابط متقابل اجتماعی را درک می‌کنند.

- **بینش روان‌شناختی**^۵: خصوصیات فردی و انگیزش دیگران را درک می‌کنند.

- **قضاوت اخلاقی**^۶: موقعیت‌های اجتماعی مربوط به آداب و اصول اخلاقی را ارزیابی می‌کنند.

- **ارتباط اجتماعی**^۷: نحوه‌ی مداخله‌ی مؤثر و چگونگی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران را درک می‌کنند؛ مهارتی که مستلزم مهار

مروری بر راهبردهای یاددهی - یادگیری کاربردی برای توسعه‌ی مهارت‌های اجتماعی در کلاس درس

که برای ارزش‌یابی از فعالیت شما تهیه کرده‌ام، در اختیارشان قرار می‌دهم. چون شما خواندن و نوشتن را به‌طور کامل بلد نیستید، به ترتیب جملات را می‌خوانم. اگر جوابتان مثبت بود، شکل آدمک خوش‌حال را رنگ بزنید. در غیر این صورت، آدمک غمگین را رنگ کنید.

ردیف	فهرست انتظارات	ردیف
۱	هنگام زدن نشانه وقت داشته‌م.	☺
۲	کارت‌هایی را که حاصل جمع ۱۰ داشت، به‌طور صحیح نشانه گرفتم.	☺
۳	محاسبات را به‌صورت ذهنی انجام دادم.	☺
	فهرست انتظارات	☹

نمونه‌ی فرم خود ارزش‌یابی

یادآوری

آموزگاران محترم می‌توانند فهرست انتظارات را با مشارکت فراگیرندگان تهیه کنند یا به جای فرم خود ارزش‌یابی، از فرم هم‌سال‌سنجی استفاده کنند...

منابع

۱. آقازاده، محرم (۱۳۸۵). راهنمای روش‌های نوین تدریس. انتشارات آبیژ. تهران.
۲. تبریزی، مصطفی (۱۳۸۱). درمان اختلالات ریاضی. انتشارات فراوان. تهران.



می گیرند چگونه گام‌های زیر را انجام دهند:

- تعیین اهداف برای تعاملات اجتماعی؛

- رمزگشایی یا تفسیر مهم‌ترین نشانه‌ها (سرنخ‌ها) در هر موقعیت اجتماعی؛

- تصمیم‌گیری درباره‌ی رفتارهایی که به بهترین نحو اهداف اجتماعی را در آن موقعیت تأمین می‌کنند؛

- انجام رفتار؛

- قضاوت راجع به این که رفتار در تأمین اهداف مؤثر بوده است یا خیر.

یا کنترل خود می‌شود.

- **ارتباط:** به درستی، آن چه را که

فکر می‌کنند و حسی را که دارند، به دیگران

ابراز می‌کنند.

- **حل مسئله‌ی اجتماعی:** مشاخره‌ها را حل

می‌کنند و نحوه‌ی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران برای دستیابی به اهداف مورد نظر را درک می‌کنند.

کدام مهارت‌های اجتماعی باید آموزش داده شود؟

مهارت‌هایی که به طور گسترده‌ای به توانایی‌های اجتماعی مربوط می‌شوند عبارت‌اند از:

الف) مهارت‌های گفت‌وگو (شامل گفت‌مان‌های کوتاه):

احوال‌پرسی، گفتن «خواهش می‌کنم» یا «متشکرم»، یاد گرفتن و به کار بردن اسم‌ها، انتخاب موضوعات مناسب برای گفت‌وگو و دنبال کردن آن، برقراری و حفظ تماس چشمی (البته در این جا به تفاوت‌های فرهنگی توجه داشته باشید)، به کارگیری حالت مناسب صورت، استفاده از طنین مناسب صدا، قرار گرفتن در جایگاه مناسب نسبت به دیگران، جلوگیری از رفتار نسنجیده و گوش سپردن فعال.

ب) کنار آمدن یا مشاخره‌ها: گفتن «نه»، کنار آمدن با افراد

پرخاشگر، واکنش نشان دادن به مسخره کردن‌ها، عذرخواهی کردن، به‌دست آوردن توجه، کمک خواستن، مهارت‌های مسئله‌گشایی، کنار آمدن با انتقادات، مذاکره کردن، متقاعد کردن، پاسخ دادن به احتیاجات دیگران، احترام گذاشتن به تفاوت‌های فردی.

پ) مهارت‌های دوستی: دوست شدن، تشکر کردن و مورد

امتنان قرار گرفتن، شوخی کردن و پاسخ دادن به شوخی‌ها، رعایت کردن نوبت، داشتن ظاهر تمیز و آراسته، هماهنگ بودن با فرهنگ گروه هم‌سالان، اهمیت دادن به عرف و آداب اجتماعی در زندگی روزمره.

ت) مهارت‌های گروهی: گوش کردن، برقراری تماس چشمی،

به خوبی ارتباط برقرار کردن، پرسیدن سؤال، رهبری و هدایت، جلب اعتماد، تصمیم گرفتن، مهار مشاخره‌ها، تشویق کردن، قبول همکاری و تشریک مساعی، درک نقطه نظرات سایرین و از همه مهم‌تر احترام به تفاوت‌های فردی. ایفای نقش در این جا می‌تواند شیوه‌ی مهمی برای ارتقای مهارت‌های گروهی باشد؛ طوری که سناریوهای متفاوتی را به دانش‌آموزان ارائه می‌دهد.

مشکلاتی که ممکن است بروز کنند و راه‌حل‌های احتمالی، به

چرا آموزش مهارت‌های اجتماعی لازم است؟

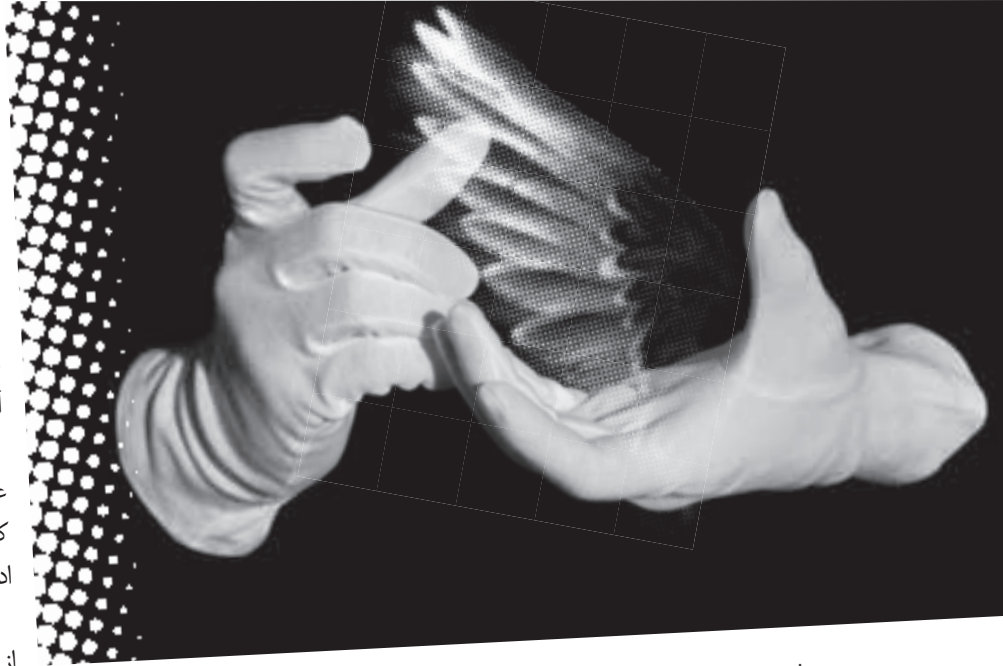
اکثر کودکان به راحتی مهارت‌های اجتماعی متناسب با فرهنگشان را به دست می‌آورند، ولی برخی موفق نمی‌شوند و باید آموزش ببینند. برخی ادراک اجتماعی ضعیفی دارند و در نتیجه دچار فقدان مهارت‌های اجتماعی می‌شوند. این موضوع به ویژه در مورد افراد درخودمانده^۱ و دچار اختلالات رفتاری و هیجانی^۲، ناتوانی‌های شدید^۳ و کسانی که در ایجاد رابطه‌ی دوستانه دچار مشکل هستند، صدق می‌کند.

هدف از آموزش مهارت‌های اجتماعی چیست؟

هدف از آموزش مهارت‌های اجتماعی، باید برقرار کردن گستره‌ای از رفتارها باشد؛ به گونه‌ای که دانش‌آموزان بتوانند آن چه را که در موقعیت‌های اجتماعی متفاوت برایشان مناسب است، انتخاب کنند. نباید انتظار داشت برنامه‌های آموزشی مهارت‌های اجتماعی، همیشه به دوستی‌های نزدیک بین تمامی دانش‌آموزان کلاس منجر شود. در عمل نیز همیشه این طور نیست. چنین روابطی، بر مجموعه‌ای از عوامل مبتنی است که شامل علاقه‌های متقابل، سازگاری، ارتباط با دورو بر، روابط خانوادگی و غیره می‌شود. هدف از این تذکر آن است که یادآوری کنیم، اهداف شما برای آموزش مهارت‌های اجتماعی، باید واقعی و متناسب با روابطی باشد که احتمال دارد اتفاق بیفتد.

گام‌های آموزش مهارت‌های اجتماعی کدام‌اند؟

به‌طور کلی، در آموزش مهارت‌های اجتماعی، دانش‌آموزان یاد



در کل به دنبال راه‌هایی برای کمک به کودک‌کان در جهت انتقال مهارت‌ها از یک شرایط به شرایط دیگر بود. بدون تمرین در تعمیم دادن مهارت‌های اجتماعی، غالباً خیلی کم می‌توان آن‌ها را در موقعیت‌های متفاوت به کار برد. آموزش مهارت‌های اجتماعی را نباید به عنوان فرایندی دید که آموزش اولیه برای آن کافی است، بلکه باید به نظارت و آموزش مداوم ادامه داد.

این مهارت‌ها (یا فقدان آن‌ها) را می‌توان از طریق مشاهده، مصاحبه با والدین و معلم، و استفاده از چک لیست‌ها (فهرست واری) و ارزش‌یابی کرد.

چگونه می‌توان مهارت‌های اجتماعی را آموزش داد؟

- ترغیب دانش‌آموزان به تجزیه و تحلیل آن‌چه که مهارت‌های اجتماعی را شکل می‌دهند؛

- آموزش مستقیم مهارت‌های اجتماعی؛

- توضیح و مدل سازی اجرای مهارت‌های اجتماعی: برای نمونه، هر مهارت را می‌توان به این شکل‌ها نشان داد: استفاده از الگوهای زنده؛ ایفای نقش؛ نمایش صامت (پانتومیم)؛ استفاده از پخش تصویری، متوقف کردن فیلم در جاهای حساس، به منظور بحث درباره‌ی رفتارها و عکس‌العمل‌های مناسب؛

- تقویت رفتارهای مناسب (نه فقط تمرکز بر خلاص شدن از رفتار «بد»)

- کمک کردن به دانش‌آموزان در به‌خاطر سپردن ارتباط رفتارهای آشکار در موقعیت‌های مشخص (مثلاً اگر کسی از تو بپرسد می‌خواهی بازی کنی، چه پاسخی می‌دهی؟)

- استفاده از بروشور و دفترچه، برای نشان دادن شرایط اجتماعی زندگی واقعی و مشکلات مربوط به مهارت‌های اجتماعی

- طراحی تکالیف کلاس در جهت افزایش اطمینان، پذیرش، مشارکت و پشتیبانی متقابل بین دانش‌آموزان اهمیت دادن به مهارت‌ها و دانش‌های گوناگون

- درخواست از دانش‌آموزان برای این که گام‌های هر مهارت را به طور شفاهی تمرین کنند.

- ارائه‌ی بازخورد واضح: نشان دادن این که کدام یک از گام‌های مهارت با موفقیت انجام شدند و کدام‌ها به پیشرفت بیشتر احتیاج دارند

شرح زیر هستند:

- **تسلط یک یا چند نفر از اعضای گروه:** نقش‌های ناسازگار ولی مرتبط را به فرد محول کنید (نظیر مشاهده کننده یا ثبت کننده)، مقرارت را با کمک گروه تعیین کنید (برای نمونه، هر نفر در گروه چه مدتی می‌تواند صحبت کند. افرادی را که ریاست طلب نیستند، تحسین کنید

- **مشارکت نداشتن:** مقرارتی برای مشارکت ایجاد کنید (برای نمونه، هر شخص باید حداقل یک‌بار صحبت کند و صحبت گوینده را نباید قطع کرد). نقش‌های غیر تهدیدآمیز (نظیر مسئول ثبت وقت) را بر عهده‌ی افراد دچار مشکل بگذارید و شیوه‌های مشارکت را تعیین کنید

- **مشاخره:** مهارت‌های حل مشاخره را آموزش دهید (نظیر سازش و راهکارهای برد دو طرفه). به گروه اطلاع دهید که به عنوان آخرین راه‌حل، شما برای واسطه شدن در دسترس هستید.

- **رفتار نامناسب مداوم:** افراد را بدون تنبیه کردن، به طور موقت از گروه اخراج کنید و ارتباطات رفتاری ساده را گسترش دهید. برخی رفتارهای اجتماعی (نظیر سلام و احوال‌پرسی با معلم)، مستلزم کاربرد تعدادی از مهارت‌های اجتماعی است. این مهارت‌ها شامل برقراری تماس چشمی، لبخند و گفتن سلام است. شاید لازم باشد هر مهارت را به نوبت تدریس کرد، ولی در کل بهتر است بر مجموعه‌ای از رفتارها تمرکز داشته باشید.

فرصت‌ها برای استفاده از برخی مهارت‌های ذکر شده در بالا (نظیر معرفی کردن یک نفر) ممکن است نسبتاً محدود باشد و شاید دانش‌آموز از این تجربه چیزهای کمی را برای شرایط اجتماعی به‌دست آورد. از سوی دیگر، برخی مهارت‌ها (نظیر سلام و احوال‌پرسی با هم‌کلاسی) را می‌توان غالباً و در گستره‌ای از موقعیت‌ها به کار گرفت و تمرکز بر آن‌ها ممکن است سودمندتر باشد.

برنامه‌های مداخله برای کمک به چنین افرادی، به منظور «فکر خوانی»، یعنی شناخت احساسات و دیدگاه‌های افراد منجر می‌شود.

درک معلم نسبت به واکنش‌های خود

فهمیدن و آموختن کنار آمدن با واکنش‌های شخصی خودتان نسبت به دانش‌آموزان دارای اختلالات رفتاری، اهمیت زیادی دارد تا مراقبت کنید که مبادا خود شما بخشی از مشکل باشید و نه بخشی از راه‌حل. بی‌شک، بسیاری از معلمان، فقدان مهارت‌های اجتماعی را بسیار آزاردهنده می‌دانند. چه بسا که شما آشکارا در زمان مواجه شدن با آن‌ها، ترس، عصبانیت، اضطراب، اعتماد به نفس پایین، شکست، ناامیدی و حتی غمگینی را به‌خوبی تجربه کنید. بسیار مهم است که شما از خود بپرسید «چرا من این احساس را دارم؟ و اگر من که معلم این حس را دارم - در حالی که وظیفه‌ام کنار آمدن با این نوع رفتارهاست - دیگران چه احساسی خواهند داشت؟»

نتیجه‌گیری

بی‌تردید آموزش مهارت‌های اجتماعی، زمینه بسیار مهمی برای کار با دانش‌آموزان است. چندروش امیدوارکننده برای کار در این زمینه وجود دارد، ولی هیچ راهبرد قطعی که تعمیم‌های طولانی را ایجاد کند، وجود ندارد. بی‌تردید، با اصلاح بیشتر راهبردها و افزایش تحقیقات، پیشرفت‌های مهمی در آینده به وقوع خواهد پیوست. باید به‌خاطر سپرد که آموزش دادن مهارت‌های اجتماعی در کلاس، ارزش محدودی دارد. مهارت‌های اجتماعی را باید تا جایی که ممکن است، در موقعیت‌های طبیعی آموزش داد. هم‌چنین برای تضمین این که دانش‌آموزان پیام‌های واضحی را درباره‌ی رفتارهای اجتماعی قابل قبول و غیر قابل قبول دریافت کنند، لازم است تمامی مربیان مدرسه و والدین دانش‌آموزان، با اهداف برنامه‌های آموزش مهارت‌های اجتماعی موافق باشند، آن‌ها را درک و به‌طور مستمر تقویت کنند.

پی‌نوشت

1. social sensitivity
2. role - taking
3. social insight
4. social comprehension
5. psychological insight
6. moral judgement
7. social communication
8. communication
9. social problem - solving
10. autism
11. emotional and behavioural disorders
12. severe disabilities
13. theory of mind
14. mindblindness

منبع

MITCHEL D. (2008). What Really Works in Special and Inclusive Education. pp: 113 - 118

مثلاً تو این بار خوب با گروه بازی کردی. خیلی قشنگ مشارکت می‌کردی. دفعه‌ی بعد می‌توانی سعی کنی با دو نفر در گروه صحبت کنی.»

ترتیب احتمالی گام‌ها برای آموزش مجموعه‌ای از مهارت‌های اجتماعی به شرح زیر است:

- مجموعه‌ی مهارت‌ها را برای دانش‌آموزان به نحوی توصیف کنید و مورد بحث قرار دهید که کاملاً بفهمند چرا آن مهارت‌ها اهمیت دارند و چگونه در کنار آمدن با دیگران، به آن‌ها کمک خواهند کرد.
- مهارت‌های جداگانه را که مجموعه‌ای از مهارت‌ها را تشکیل می‌دهند، شناسایی کنید و به گونه‌ای که دانش‌آموز بر آن اجزا تسلط یابد، هر مهارت را به اجزای تشکیل دهنده‌اش تجزیه کنید. هر جزء از مهارت را نشان دهید یا از دانش‌آموز بخواهید از شما تقلید کند تا بتوانید تسلط او را بر مهارت ارزیابی کنید. در صورت نیاز، نشانه یا راهنمادهایی ارائه کنید. توجه دانش‌آموز را به اجزای خاصی از مهارت که تسلط یافته است یا به توجه بیشتری نیاز دارد، با ارائه بازخورد ویژه در اجرا جلب کنید

- برای به حداکثر رساندن موفقیت در انجام مهارت، از دانش‌آموز بخواهید آن مهارت را در یک شرایط ساختمند امتحان کند و دوباره در مرحله‌ی اجرا، بازخورد ویژه را ارائه دهید.

- فرصت‌هایی را برای تمرین کردن مهارت‌ها فراهم کنید و تشویق‌های توصیفی ارائه دهید.

- متوجه زمان‌هایی باشید که دانش‌آموز مهارت را بدون راهنمایی شما می‌دهد.

- متوجه نقش مهمی باشید که کارکنان پشتیبانی، در ترغیب تعاملات اجتماعی میان دانش‌آموزان با نیازهای ویژه و هم‌سالانشان ایفای می‌کنند.

هشدار دربارهی نظریه‌ی ذهن^{۱۳}

در سال‌های اخیر، مطالب بسیار زیادی درباره‌ی مفهوم «نظریه‌ی ذهن» که گاهی اوقات «کوری ذهن»^{۱۴} نیز خوانده می‌شود - به ویژه راجع به آموختن مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان در خود مانده و گاهی اوقات در ارتباط با دانش‌آموزان ناشنوا - نوشته شده است. به طور خلاصه، این نظریه اشاره دارد به توانایی درک این که افراد باورها، علاقه‌ها و مقاصدی دارند که متمایز از دیگران است و برای شناخت آن‌ها فرضیه‌هایی در ذهن فرد مقابل شکل می‌گیرد. اگر کودکی که مهارت اجتماعی می‌آموزد، درک نکنند که دیگران نیز افکاری برای خودشان دارند، مشکلاتی را در ایجاد رابطه با آن‌ها تجربه خواهند کرد. به بیان دیگر، این اشخاص دارای کمبودهایی در شناخت اجتماعی یا همدلی متناسب با سن عقلی خود خواهند بود. این مسئله به گسترش

چشمان آبی انتظار

فرزنده خادمی

آموزگار دبستان، اردکان یزد

سال‌های اول تدریس، سال‌هایی است به یادماندنی و خوشایند که خاطرات تلخ یا شیرینش در گوشه‌ی قلب ما معلمان لانه می‌گزیند و گاهی که سرکی به آن می‌کشیم، لبخند یا اشکی را بر چهرمان می‌آورد. یکی از این لانه‌گزین‌ها، خاطره‌ای است که هرگاه دو چشم آبی را می‌بینم، به یاد می‌آید و روحم را شاد می‌کند. سال ۱۳۶۳، در سومین سال معلمی‌ام، به پیشنهاد مسئول آموزش ابتدایی، سمت دفترداری آموزشگاه دخترانه‌ی بیت‌الهدی جدید یزد (مدیر تمدن اسبق) را قبول کردم. روزی که برای شروع کار به آموزشگاه رفتم، گرمی استقبال مدیر و همکاران، مرا مشعوف کرد و لحظات شادی برای اولین روز کاری‌ام به ارمغان آورد. در افکار شادی‌افزای خود بودم که مدیر مرا صدا زد و گفت: «شما برای پست دفترداری معرفی شده‌ای!»

گفتم: بله و مدیر گفت: «ولی یک نفر است که بیشتر استحقاق دارد! و پست دفترداری هم پستی نیست که شما در سال‌های آغازین کارتان قبول کنید. و بعد هم از محسنات معلمی صحبت کرد.»

راستش خودم مشتاق این پست نبودم. فقط چون این آموزشگاه نزدیک خانه‌مان بود، آن را قبول کرده بودم. شاید هم به این دلیل که از صدای راننده تاکسی همیشگی‌ام که مدام می‌گفت زودباش، زودباش! فخری خانم دیرش می‌شود، خلاص شوم. بالاخره با اصرار مدیر، از پست دفترداری گذشتم و خود را راضی کردم که دوباره به اداره‌ی آموزش پرورش برگردم و به صلاح دید مسئول آموزش، به آموزشگاه دیگری بروم. داشتم می‌رفتم که دیدم یکی مرا صدا زد. چشمان آبی روشنش مرا جذب کرد. جلو آمد و از من خواست برگردم. به دفتر دعوت‌م کرد. وقتی نامش را پرسیدم، خیلی ساده گفت: «فخری ملک افضلی، معلمی که ۳۰ سال در پایه‌ی اول درس داده است.» با تعجب گفتم: شما همان فخری خانم معروف هستی که راننده‌ی تاکسی گاهی اوقات به خاطر این که شما را زودتر به مقصدتان برساند، مرا قال می‌گذارد؟! در حالی که می‌خندید، گفت: «من در طول ۳۰ سال تدریسم، هیچ‌گاه دیر به مدرسه نیامدم.» در پاسخ گفتم: «من هم به خاطر شما، در سه سال تدریسم، چند بار دیر به مدرسه رسیدم!»

خندید، دستانم را فشرد و از گذشتی که به خاطر او کرده بودم، تشکر کرد. وقتی چشمان آبی روشنش را نگاه می‌کردم، حاکی از ۳۰ سال کار مداوم معلمی و انتظار به موقع رسیدن به محل کارش بود.

با هم صحبت می‌کردیم که مدیر رسید و گفت: «گویا به توافق رسیده‌اید؟» گفتم: چرا! گفت: «خانم ملک افضلی که روزهای واپسین شغلی‌اش را می‌گذراند و می‌خواهد در پست دفترداری بازنشست شود و شما هم ... گفتم: از این جا بروم! خانم ملک افضلی گفت: «نه!»

مدیر رو به من کرد و گفت: «یک کلاس خالی داریم که منتظر معلمی است دل‌سوز، کوشا، مهربان و شایسته.» با تعجب پرسیدم، یعنی من می‌توانم این‌جا بمانم! گفت: «بله و به کلاس اول راهنمایی‌ام کرد. وقتی خواستم بروم، خانم ملک افضلی گفت: «کمی صبر کن. تو اول راهی. راهی دراز در پیش داری، ولی من در انتهای راهم. امیدوارم از کار امروزم دل‌گیر نشوی.» و در حالی که در چشمان آبی‌اش اشک جمع شده بود، لبخندی بر لبانش نشانده.

آن سال در کنار خانم ملک افضلی، بهترین سال‌های شغلی‌ام را گذراندم. سال‌های تجربه‌اندوزی از آن بانوی بزرگوار و معلم بزرگ و شایسته.

چشمان آبی انتظار، یادی است از مرحومه خانم ملک افضلی که چند سال بعد از بازنشستگی‌اش به دیار باقی شتافت. او و برادرش مرحوم آقای ضیاء ملک افضلی، از دبیران بنام شهرمان بودند.

بسیاری از تحولاتی که در نظام آموزش رخ می‌دهد، نیازمند بستری است که در محیط‌های بیرونی نظام قرار دارند. یکی از عوامل مهم در موفقیت این تحولات، آمادگی و همراهی این بستری‌های بیرونی است. از این رو، سیاست‌مداران و مدیران نظام آموزشی، باید در هدایت تحولات، به این نکته‌ی مهم توجه کنند.

یکی از تحولات مهم و مؤثری که در سال‌های اخیر در نظام آموزشی دوره‌ی دبستانی در حال وقوع است، بسط و توسعه‌ی الگوی ارزش‌یابی کیفی - توصیفی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است. این تحول به لحاظ اهمیت و تأثیرگذاری بر کیفیت فرایند و نتیجه‌ی یادگیری دوره‌ی دبستان، بسیار مورد توجه کارگزاران نظام آموزشی ایران و حتی بسیاری از کشورهای دیگر است. موفقیت در توسعه و استقرار صحیح این برنامه‌ی تحولی، آثار ارزشمندی را بر مؤلفه‌های آموزشی و تربیتی مدرسه بر جای می‌گذارد. این برنامه نیز مانند هر برنامه‌ی تحولی دیگر، برای افزایش میزان موفقیت خود، به آماده‌سازی بستری‌های محیط بیرونی نیاز دارد و در صورت بی‌توجهی به این بستری‌ها، چالش‌ها و موانعی جدی بر سر راه استقرار با کیفیت آن به وجود خواهد آمد.

یکی از این بستری‌های محیط‌های بیرونی نظام آموزشی برای برنامه‌ی ارزش‌یابی کیفی - توصیفی، همانا والدین دانش‌آموزان به مثابه مشتریان کالای با ارزش مدرسه هستند. نگرش‌ها و باورهای تربیتی والدین در صورت تغییر و همراهی با این الگوی جدید، از عوامل موفقیت برنامه‌ی ارزش‌یابی کیفی - توصیفی است. گزارش‌های رسیده از دوره‌ی اجرای آزمایشی ارزش‌یابی کیفی - توصیفی نشان می‌دهد، مدارس که با تمهیداتی موفق شده‌اند باورها و نگرش والدین را

نسبت به ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی تغییر دهند، اجرای موفق‌تری داشته‌اند. کتاب «آشنایی با ارزش‌یابی کیفی توصیفی برای والدین» بر این اساس و بر مبنای این نیاز اجتماعی توسط دکتر محمد حسنی، عضو هیئت علمی مؤسسه‌ی پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی به نگارش در آمده است. کتاب با هدف تغییر نگرش و افزایش دانش والدین از الگوی ارزش‌یابی کیفی - توصیفی، با نثری روان و همراه با مثال‌های ساده، چرایی چستی و چگونگی این ارزش‌یابی را برای والدین تشریح می‌کند. این کتاب می‌تواند در جلسات توجیهی والدین دانش‌آموزان تحت پوشش برنامه‌ی ارزش‌یابی کیفی - توصیفی، مورد استفاده قرار گیرد و به اجرای بهتر این الگوی ارزش‌یابی در مدرسه کمک رساند، کتاب توسط انتشارات عابد، در قطع پالتویی و به شمارگان ۳۰۰۰ نسخه منتشر شده است.



کتاب آموزگار



مفاهیم و مبانی ریاضیات دوره‌ی ابتدایی

محمدرضا ابرقویی در سال ۱۳۳۳ در نصرآباد یزد دیده به جهان گشود. بعد از دوره‌ی دانش‌سرای راهنمایی، به‌خاطر علاقه‌ی فراوانی که به شغل معلمی داشت، به آموزگاری روی آورد و ضمن تدریس، به دریافت مدرک در رشته‌ی کارشناسی ریاضی و کارشناسی ارشد روان‌شناسی نائل شد. این معلم، علاوه بر تدریس، مسئولیت‌های گوناگونی از جمله ریاست دانشگاه پیام نور تفت، معاونت منطقه‌ی چهار کشوری همین دانشگاه، و ریاست دانشگاه آزاد اسلامی واحدهای انار و مهریز را نیز عهده‌دار بوده است. از وی ده‌ها کتاب برای کودکان و جزوات و مقالات متعدد علمی - پژوهشی منتشر شده است. کتاب حاضر که با ذکر جلد اول بر بالای تیترو با عنوان **مفاهیم و مبانی ریاضیات دوره‌ی ابتدایی** منتشر شده، حاصل تجربه‌های وی در تدریس مفاهیم، روش تدریس و بررسی کتاب‌های ریاضی دوره‌ی ابتدایی در مراکز تربیت معلم و مؤسسات آموزش عالی است. انتشارات نونهالان یزد (۲۲۵۷۳۰۱-۰۲۵۱) این کتاب را در ۱۵۰ صفحه و به بهای ۲۵۰۰ تومان، به بازار نشر کتاب‌های آموزشی عرضه کرده است. کتاب هفت فصل دارد و مباحث مجموعه‌ها، عدد، جمع، تفریق، ضرب، تقسیم و بخش‌پذیری، با مثال‌ها و تمرین‌هایی که بر پایه‌ی کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی فراهم شده‌اند، در آن بررسی می‌شوند.

روستای مینیاتوری!

آشنایی با روستای ایبانه در ۴۰ کیلومتری نطنز

اشاره

حمید دهقان

از دولتی سر بخش «میراث ما» در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، ایران‌گردی می‌کنیم. در شماره‌ی اول، سفرمان را از روستای شگفت‌انگیز کندوان شروع کردیم، پس از گشت‌وگذار کوتاهی در میان مردمان خونگرم کرد در شماره‌ی قبل، اکنون به میانه‌ی کشورمان برمی‌گردیم. در این شماره، با روستای زیبای ایبانه و سکوت دل‌انگیز آن روبه‌رو می‌شویم. امیدواریم ضمن کسب لذت حاصل از ایران‌گردی، نکته‌هایی که در این سفرهای مکتوب به دست می‌آورد، یاریگر شما در کار تدریس و ارتباط با دانش‌آموزان باشد.

در زمان شاه اسماعیل صفوی، پیروان آیین زرتشتی ایبانه، یا به مذهب شیعه گرویدند، یا به نزد هم‌کیشان خود در یزد رفتند. گروهی نیز به هندوستان کوچ کردند.

خانه‌های روستا

ایبانه صدها خانه‌ی هم‌رنگ و هم‌گون با طبیعت فضای روستا دارد که برخی از زمان ساسانیان تا اواخر دوره‌ی قاجاریه به یادگار مانده‌اند. خشت دیوار خانه‌ها از نوعی خاک سرخ مسی‌رنگ است که هرچه باران بیارد، سخت‌تر و محکم‌تر می‌شود. مردم روستا در تعمیر ساختمان‌های خود به حفظ سبک معماری سنتی توجه کامل دارند و بسیاری از خانه‌ها در سی‌وچهل سال گذشته، نیازی به تعمیر نداشته‌اند. اکثر خانه‌ها دو طبقه‌اند و سقف آن‌ها از چوب و شاخه‌ی درختان ساخته شده است. دره‌های خانه‌ها همه چوبی‌اند و غالباً دو کوبه دارند؛ یکی برای استفاده‌ی مردان و دیگری برای در زدن زنان. روی برخی از درها نقش‌های زیبا و یا نام بانی و سازنده‌ی آن نقش بسته است. در کوی خانقاه، روی در هفت‌خانه و مساجد، تاریخ‌های ۱۰۸۶-۱۰۵۸-۱۰۴۴-۱۰۰۹-۹۵۹-۹۳۶-۷۰۱ کنده‌کاری شده است که شاید تاریخ ساخت بناها به سال قمری باشد. بر در خانه‌ای نوشته شده است:

«الهی تو بگشای بر من دری

که منت نمی‌خواهم از دیگری

تاریخ: سلخ شعبان‌المعظم سنه‌ست و ثمانین و الف (۱۰۸۶) صاحبه استاد امیرقلی میراج ایبانه. عمل استاد محمد نجار ایبانه»

در معماری خانه‌ها، از تیرک‌های چوبی در بنای دیوارها و سقف‌ها استفاده شده و طاق‌های هلالی و جناقی، نشانی از هنر معماری دوران

روستای ایبانه در ۴۰ کیلومتری شهرستان نطنز، در دامنه‌ی کوه کرکس در مکانی خوش‌منظره، زیبا، با آب و هوا و موقعیت طبیعی دل‌انگیز، واقع شده است. نام ایبانه از واژه‌ی «ویونا» به معنای بیدستان، به علت انبوه بیدهای این محل انتخاب شده است. ایبانه یکی از روستاهای نادر کشور است که بافت جامعه و معماری روستایی خود را حفظ کرده است. نمای خارجی خانه‌ها که با خاک سرخ‌رنگی از معدن نزدیک روستا پوشیده شده، پنجره‌های چوبی ارس مانند و ایوانی چوبی مشرف بر کوچه‌های باریک، مینیاتور شگفت‌آوری را برای هر بیننده‌ی مجسم می‌سازد.

قدیمی‌ترین ساختمان‌ها به دوره‌های سلجوقی و مغول مربوط می‌شوند که اساس آن‌ها به دوره‌ی پیش از اسلام ارتباط دارد. دیگر ساختمان‌ها هم در دوره‌ی صفوی و دوره‌ی قاجار احداث شده‌اند.

در زمان پادشاهان صفویه، ایبانه رونق فراوانی داشته است و رجال دربار صفوی، تابستان‌ها برای هواخوری از اصفهان به ایبانه می‌رفتند. ویژگی مردم روستای ایبانه، پای‌بندی آنان به سنت‌های باستانی اجدادشان است. لهجه‌ای کهن از فارسی (پهلوی-اشکانی) دارند. لباس زیبای محلی زنان ترکیبی است از: چارقد گل‌دار (روسری بلند گل‌دار)، دامن پرچین، پیراهن بلند، کت یا یل، جوراب و گیوه‌ی ملکی. مردان نیز با آرخالق، قبا، پیراهن بلند بدون یقه، شلوار گشاد، گیوه‌ی سفید و کلاه نمدی سیاه یا قهوه‌ای ظاهر می‌شوند. برپایی مراسم اعیاد سنتی و تلفیق سنت‌های گذشته با آیین‌های اسلامی مانند نخل‌گردانی در روزهای عزاداری و بسیاری نشانه‌های دیگر، برای پژوهشگران و جامعه‌شناسان، نمونه‌های ارزشمندی در تحقق پیوند مردمان روستای ایبانه با گذشته‌های افتخارآمیز آنان به‌شمار می‌روند.



مسجد جامع به شمار می‌رود که دسته‌ی

منبر به شکل سر ستون است و روی آن گل هشت پرلوتوس، نظیر شکل روی سنگ‌های تخت‌جمشید در عهد هخامنشی، دیده می‌شود. مسجد دیگری به نام «مسجد حاجتگاه» در کنار صخره‌ی کوه بنا شده که روی در آن تاریخ ۹۵۳ (اوایل عصر صفوی) ثبت شده است. شاید به خاطر دخیل‌های سبز و نارنجی و قندیل‌هایی که برای نذر و نیاز به ستون‌ها و جناق‌های شبستان بسته شده است، نام مسجد را حاجتگاه نامیده‌اند.

«مسجد پرزله» نیز در یکی از قدیمی‌ترین بخش‌های روستا احداث شده و تاریخ احدوسیع مائه (۷۰۱) عصر ایلخانیان را بر پیشانی در خود دارد. تزئینات در، کاملاً شبیه در مقبره‌ی بایزید بسطامی در بسطام شاهرودند و به علت آغشته شدن روی آن با مایع مخصوصی، تا امروز از گزند حشرات و سایر عوامل خارجی مصون مانده است. آرامگاه شاهزاده **یحیی** و شاهزاده **عیسی** که به **امام موسی کاظم (ع)** منسوب هستند، زیارتگاه مردم روستاست.

گردشگران ایبانه

در تعطیلات نوروزی، در فصل تابستان و روزهای آخر هر هفته، گردشگران بسیاری از تهران و سایر شهرهای کشور، حتی گردشگران خارجی، به ایبانه سفر می‌کنند و ضمن تماشای بافت تاریخی روستا و آثار با ارزش آن، به تفرجگاه‌های کنار رودخانه، درختزارها، دامنه‌ی کوه کرکس و چشمه‌ی «دوآبی» می‌روند تا از جاذبه‌های طبیعی لذت ببرند.

انبوه گردشگران گاهی علاوه بر ایجاد مشکلاتی برای ساکنان روستا، خودشان نیز به علت کمبود امکانات از جمله نبود وسایل کمک‌های اولیه، اورژانس، سرویس‌های بهداشتی و اقامتگاه‌های کوتاه‌مدت، دچار ناراحتی‌های فراوانی می‌شوند. در روستای ایبانه، جمع‌آوری زباله مشکلی عمده است که موجب آلودگی محیط می‌شود.

مردم مهربان و مهمان‌نواز ایبانه امیدوارند، با اجرای طرح جامع روستا و فراهم ساختن زیرساخت‌های لازم برای چنین روستایی که همواره دیدارکنندگان فراوانی دارد، از وارد شدن آسیب به بناها جلوگیری کنند و از سوی دیگر، سفر گردشگران باعث رونق اقتصادی روستا شود.

صنایع دستی

صنایع دستی مردم سخت‌کوش ایبانه، قالی‌بافی، یراق‌دوزی، دوخت لباس‌های سنتی محلی، لیف‌بافی، چوب‌بری و کنده‌کاری روی چوب، ساخت زیورآلات زنانه و نقره‌جات است. غذاهای محلی ایبانه، کباب، آش، آبگوشت و غذای به نام گیبا هستند.

صفویه هستند.

پله‌ای بودن خانه‌ها، شیب تند کوچه‌ها و یکنواختی رنگ قرمز بناها، درها و پنجره‌های زیبا، منظره‌ای تماشایی پدید آورده است. سردرهای بیش‌تر خانه‌های روستا یادگار عهد صفویه است و جلوی برخی از خانه‌ها دو سکو وجود دارد که مایه‌ی آرامش هر رهگذر خسته را فراهم می‌سازد. از خانه‌های قدیمی ایبانه، خانه‌ی غلام نادرشاه و خانه‌ی نایب حسین کاشی را می‌توان نام برد.

بناهای تاریخی

آثار و بناهای به‌جای مانده‌ی روستای ایبانه، گویای این حقیقت است که ایبانه در ایران پیش از اسلام، مکانی آباد و بااهمیت بوده است.

قدمت تاریخی آتشکده‌ی «هرپاک» یا «هارپاک» به بیش از دو هزار سال می‌رسد. معبد «هینزا» که به احتمال زیاد همان «میترا» است، هم‌چنین آتشکده‌های دیگر و آثاری از قلعه‌ی کهن در کوه «چیخمه»، یک قلعه‌ی تاریخی، آب‌انباری قدیمی و موزه‌ی مردم‌شناسی روستا، نشان‌دهنده‌ی وجود تمدن در دوران‌های گذشته‌ی تاریخ در این منطقه است.

مهم‌ترین و کهن‌ترین بنای برجای مانده‌ی ایبانه، «مسجد جامع» آن است که تاریخ بنای آن به بیش از ۹۵۰ سال می‌رسد. درهای چوبی و منبر مسجد نیز با کنده‌کاری‌های زیبای هنرمندان، از ارزش و اهمیت فراوانی برخوردارند.

در ورودی مسجد جامع با چوب گردوی قهوه‌ای ساخته شده و آیهای از قرآن: «انما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الآخر و اقام الصلوه و آتی الزکوه»، و حدیثی از پیامبر گرامی اسلام: «قال النبی صلی الله علیه و آله انا مدینه العلم و علیّ بابها» بر آن حک شده است. مسجد جامع، محراب چوبی بسیار نفیس و منحصر به فردی به طول دو متر و پهنای یک متر و هشت سانتی‌متر دارد که از چوب گردوی قهوه‌ای رنگ ساخته شده، آیاتی از قرآن روی آن حکاکی شده و از «مولانا عزالدین فرزند مولانا بهاءالدین محمد» به نام مؤسس آن یاد شده است.

منبر چوبی منبت‌کاری شده‌ی به‌جا مانده از عهد سلجوقیان که در تاریخ محرم سال ۴۶۶ هجری قمری ساخته شده، از دیگر آثار بااهمیت



شکوه تقدیسیان

جایگاه مشاهده در گزارش‌های آموزشی

اشاره

در شماره اول (مهر ۸۹)، نخستین بخش از سلسله مطالب مشاهده و یادگیری فراگیرندگان را خواندید. مؤلف در این شماره، جایگاه مهارت مشاهده در گزارش‌های آموزشی اعم از گزارش‌های کلاسی، گزارش‌های آزمایشگاهی و پژوهش‌های دانش‌آموزی را بررسی کرده است. بخش بعدی این مقاله در شماره ۵ چاپ خواهد شد.

اهمیت مشاهده

آزمون‌ها و تجربه‌ها نشان می‌دهد، حافظه‌ی بصری، نسبت به سایر حواس ماندگاری بیشتری دارد. به طوری که ۷۵ درصد یادگیری انسان از طریق حس بینایی صورت می‌گیرد. علم، مجموعه‌ای از مطالب و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات، سازمان‌دهی، مقایسه و ارزیابی مطالبی است که از همه‌ی حواس خود دریافت می‌کنیم.

کودکان با دیدن، لمس کردن، بوییدن، شنیدن و چشیدن چیزها در محیط خود، به جذب و درون‌سازی و سازمان‌دهی آن‌چه مشاهده می‌کنند، مشغول‌اند. تجربه‌های طبیعی، محیطی و آزمایشگاهی، ساختار دانشی آنان را تشکیل می‌دهد که در صورت ثبات و ماندگاری، زیرساخت قابل توجهی برای درک معانی و مفاهیم پیچیده‌تر است.

مشاهده، راز و رمزها و دگرگونی‌های طبیعت و اشیاء را به مشاهده‌گر می‌آموزد و در پی آن، انگیزش، کنجکاوی، سؤال و مسئله، مقایسه و پیش‌بینی به وجود می‌آید. در محیط، معمولاً دو نوع مشاهده وجود دارد. یکی مشاهده‌ی طبیعت با تمام زیبایی‌ها و زوایای آن و دیگری مشاهده‌ی وقایعی که در اطراف خود می‌بینیم و یا می‌شنویم. این وقایع، ممکن است طبیعی و یا ساختگی و همراه با برنامه‌ریزی باشد.

میزان دقت به کار رفته در حین مشاهده، تشخیص و توصیف شخص را در یک گزارش شفاهی یا کتبی، قابل توجه و خواندنی می‌کند. برای مشاهده‌ی اشیاء محیطی، برحسب ویژگی‌هایی که دارند، باید شکل، اندازه، رنگ، حجم، وزن و اگر خوردنی باشند، طعم آن‌ها مشخص شود. مثلاً اگر از کودک بخواهیم، یک لیوان نوشابه را توصیف کند، باید تمامی ابعاد آن را در نظر بگیرد.

معلم در کلاس با ترتیب دادن برنامه‌های ساده و در دسترس

می‌تواند میزان دقت و توجه دانش‌آموزانش را در به‌کارگیری حواس ارزیابی کند. شرح مشاهده توسط کودک، به او دقت در مشاهده را می‌آموزد و او را نسبت به محیط حساس‌تر می‌کند.

دانش‌آموزی با دیدن لیوان نوشابه فقط نگاه می‌کند و نوع ظرف و یا گاهی رنگ آن مورد توجه او قرار می‌گیرد. دانش‌آموز دیگری با دیدن لیوان نوشابه، علاوه بر ظرف و رنگ، آن را لمس می‌کند تا هم دمای ظرف و هم جنس آن را تشخیص دهد. دیگری علاوه بر موارد یاد شده، با قاشق، کمی از نوشابه را می‌چشد. مسلماً گزارش و توصیف او جامع‌تر و کامل‌تر از بقیه خواهد بود. اگر دانش‌آموزی طول لیوان و قطر آن را هم اندازه‌گیری کند، از مشاهده‌ی شیئی که دیده است، برون‌سازی کامل‌تری انجام می‌دهد.

سه دانش‌آموز اول، فقط کیفیت لیوان نوشابه را فهمیده‌اند. اما آخرین دانش‌آموز، به کمیت لیوان نوشابه هم توجه داشته و مشاهده‌گر دقیقی بوده است و مسلماً توصیف جامع‌تری ارائه می‌کند.

تقویت مهارت مشاهده

برای تقویت مهارت مشاهده که زیرساخت اغلب فعالیت‌های یادگیری است، معلم می‌تواند برحسب پایه‌ای که تدریس می‌کند، موقعیت‌های ساده‌ای در کلاس فراهم آورد و توجه دانش‌آموزان را به آن‌چه لازم است بدانند و درک کنند، جلب نماید.

برای دقت در مشاهده، همراه یک گزارش کوتاه، می‌توان از یک قطره آب استفاده کرد. به مورد زیر توجه کنید: «یک قطره آب می‌تواند جالب توجه باشد و به پرسش‌های تفکر برانگیز منجر شود. قطره‌ای آب را روی دستمال کاغذی و قطره‌ای را روی کاغذ معمولی قرار دهید.

چه اتفاقی می‌افتد؟ (آب جذب رشته‌های سازنده‌ی کاغذ می‌شود) یک قطره آب را روی کاغذ مومی بگذارید. چه اتفاقی می‌افتد؟ (قطره‌ی آب به همان شکل باقی می‌ماند؛ یعنی نیروی چسبندگی). کاغذ مومی را کج کنید، قطره‌ی آب به حرکت درمی‌آید. آیا قطره می‌غلطد یا می‌لغزد؟ چگونه پاسخ این پرسش را می‌یابید؟ یک قطره آب را روی یک لایه کیسه‌ی پلاستیک بگذارید. پلاستیک را روی متن نوشته شده قرار دهید و نوشته‌ها را از پشت قطره‌ی آب بخوانید. چه اتفاقی می‌افتد؟ (ذره‌بین درست می‌شود) حالا نتایج را با هم مقایسه کنید» [ج. رزبا و دیگران، ۱۳۸۰] سپس از کودک یا کودکان بخواهید، از آن چه دیده‌اند، کتبی یا شفاهی گزارش دهند. در گزارش‌های بچه‌ها، رشد عقلی و پایه‌ی تحصیلی آنان را در نظر بگیرید.

در درس جغرافی نیز مهارت مشاهده به معنی دار کردن مفاهیم کمک می‌کند. یک کره‌ی زمین آموزشی و یک نقشه از هر قاره را که می‌خواهید انتخاب کنید. هر دو را در معرض دید دانش‌آموزان قرار دهید. از آنان بخواهید، آن قاره و یا کشور به‌خصوص را روی کره پیدا کنند و از مشاهدات خود گزارش دهند. در این تجربه، بچه‌ها از حس بینایی استفاده می‌کنند. اما کیفیت گزارش آنان به میزان توانایی آن‌ها در جهت‌یابی، اندازه‌گیری، معرفی علامت‌ها و نمادهای روی نقشه، موقعیت آب و هوایی، مساحت، راه‌های آبی و سایر دیدنی‌هایی وابسته است که از لحاظ کمی و کیفی قابل توصیف‌اند. هر قدر گزارش دقیق‌تر باشد، ویژگی‌های آن کشور یا آن قاره برای شنونده یا خواننده ملموس‌تر خواهد بود.

اهمیت مشاهده‌ی دقیق برای کودکان در پایه‌های پایین‌تر، از آن جهت است که ساخت‌های دانشی بیشتری می‌سازد و آنان را برای درک مفاهیم مشکل‌تر آماده می‌کند. زیرا مفاهیم جدید، بدون آگاهی‌های ساده‌تر قبلی، در حافظه‌ی کودک نمی‌ماند. به یاد می‌آورم زمانی را که در پایه‌ی دوم تدریس می‌کردم و درس ما معرفی ساختار گیاه بود. فرض ما این است که معمولاً کودک هشت ساله، با توجه به تجربه‌های خانگی، قسمت‌های بیرونی گیاه را می‌شناسد و می‌تواند گل را از برگ و ساقه و ریشه تشخیص دهد. اما تعجب من وقتی برانگیخته شد که از دانش‌آموز هشت ساله در کلاس خواستم، ساقه را در گیاهی که روبه‌روی او بود نشان دهد و او ظرف یا گلدانی را که بوته‌ی گیاه در آن قرار داشت به من نشان داد و نمی‌خواست غیر از آن را بپذیرد.

مسئله‌ی رشد شناختی کودکان یکسان نیست و حساسیت کار معلم توانمند در آن است که با تجربه‌هایی که از شناخت کودکان در کلاس کسب می‌کند و با موقعیت‌های تجربی ساده‌ای که فراهم می‌سازد، به رشد عقلی کودک کمک کند و کودکی را که در مرحله‌ی «پیش عملیاتی» است، تا رسیدن به مرحله‌ی «عملیات محسوس» یاری کند و این کار بدون کسب تجربه‌های جدید و رشد زمینه‌های ساختار موجود، میسر نمی‌شود. اهمال هر مربی در این زمینه، برای خود او و

دانش‌آموز و دوره‌های تحصیلی او مشکل‌آفرین می‌شود. برآورد میزان توانمندی کودکان در کلاس، به آموزش مفاهیم درسی کمک می‌کند. زیرا معلم می‌تواند برنامه‌هایی را تنظیم کند که مطابق با نیاز شناختی و روانی هر دانش‌آموز است و مسلماً به تدریج فاصله‌ی ایجاد شده بین دانش‌آموزان توانا و ناتوان، کمتر می‌شود و نتیجه آن که به سهولت کار معلم در امر تدریس کمک می‌کند.

تعیین دقیق موضوع

نکته‌ی مهم دیگری که در ارائه‌ی گزارش خصوصاً باید به آن توجه شود، مشخص کردن موضوعی است که دانش‌آموزان باید در آن زمینه گزارش تهیه کنند. گزارش‌ها برحسب موضوع ممکن است همراه تصویر، عکس، جدول و یا صدا باشند و

کودکان با دیدن، لمس کردن، بویدن، شنیدن و چشیدن چیزها در محیط خود، به جذب و درون‌سازی و سازمان‌دهی آن چه مشاهده می‌کنند، مشغول‌اند

در پایه‌های پایین‌تر، بیان و توصیف ساده‌ی رویدادها، آزمایش‌ها و گردش‌های تفریحی یا علمی، به مشاهده‌ی دقیق‌تر، پویایی بیشتر و مهارت سخن گفتن و در نهایت برقراری ارتباط با عوامل محیط می‌انجامد. در پایه‌های بالاتر، گزارش‌نویسی مهارتی است که برای تهیه‌ی پروژه‌های علمی و شرح و توصیف اطلاعاتی که جمع‌آوری شده و حتی انشانویسی، بسیار مفید و مؤثر است.

البته گزارش علمی با گزارش ادبی متفاوت است. در گزارش‌های علمی، به واقعیات و مشاهدات عینی اشاره می‌شود، ولی در گزارش‌های ادبی که ممکن است کتابخانه‌ای هم باشد، از قوه‌ی خلاقیت، تخیل، شرح ذهنیات و یا پیشنهادهای استفاده می‌شود که پرداختن به هر یک، به نوبه‌ی خود در ارتقای کیفیت یادگیری دانش‌آموزان مؤثر است. در کتابی خواننده‌ام، «ظرفیت حس‌شنوایی در ادراک و انتقال، یک ده هزارم ظرفیت بینایی است. اما موضوع این است که مفیدترین دستگاه را چگونه تا حد اکثر ظرفیتش بارگذاری کنیم.» معلمان موفق، شیوه‌های ابتکاری و خلاقانه‌ی خود را در این زمینه به کار می‌برند و موفق می‌شوند.

زیرنویس

۱. ریچارد ج. رزبا و دیگران. آموزش و ارزشیابی مهارت‌های یادگیری. ترجمه‌ی حسین دانشفر و طاهره رستگار، ۱۳۸۰.

بخش سوم

دکتر رخساره فضلی



اشاره

تاکنون دو بخش از سلسله مطالب راهبردهایی برای تدریس در کلاس‌های چند پایه را خوانده‌اید. مؤلف این مطالب، از این بخش، به بحث طراحی تدریس و مدیریت فرایند یاددهی - یادگیری در کلاس‌های چند پایه پرداخته است. وی در این شماره، عنصر اول را شرح داده و توضیح عناصر دیگر را به شماره‌های بعدی مؤکول کرده است.

ارزش‌یابی را مشخص می‌کند. طرح درس می‌تواند مکتوب یا ذهنی باشد.

در مورد کلاس‌های چند پایه، به دلیل پیچیدگی نسبی برنامه‌ریزی تدریس، پیشنهاد می‌شود طرح درسی با ساختار ساده و نظام‌مند و به صورت کتبی آماده شود. برای این کار لازم است معلم موضوع را مشخص کند، اهداف آموزشی و پرورشی شامل دانش، مهارت، نگرش و ارزش‌های مورد نظر را تعیین کند، براساس پایه‌هایی که در کلاس حضور دارند، فهرستی از مفاهیم و مواردی را که باید پوشش داده شود تهیه کند، بخش‌هایی از کتاب‌های درسی پایه‌های مورد نظر را انتخاب و فعالیت‌هایی را براساس پایه‌ها و مفاهیم طراحی کند. از سوی دیگر لازم است، معلم کلاس چند پایه، نسبت به طرح درس مکتوب خود منعطف باشد و در صورت نیاز، تغییراتی در روند اجرا ایجاد کند.

تهیه‌ی طرح درس در کلاس‌های چند پایه به تصمیم معلم برای شیوه‌ی برنامه‌ریزی، اجرا و ارزش‌یابی در کلاس درس بستگی دارد. برای مثال، معلم برای استفاده از روش تلفیق موضوعات مشترک در پایه‌های متفاوت، باید در طرح درس خود این مهم را لحاظ کند. بنابراین، گرچه ساختار و عناصر طرح درس مکتوب در کلاس‌های چند پایه با کلاس‌های تک‌پایه یکسان است، اما اگر محتوای عناصر با کلاس تک‌پایه یکسان باشد، به معنای بی‌توجهی معلم به شرایط خاص کلاس خود است که قطعاً او را با مشکلات جدی از جمله: کمبود وقت، حجم زیاد مطالب کتاب‌های درسی، خستگی شدید، عدم تحقق اهداف آموزشی و پرورشی، و عدم تسلط یادگیرندگان روبه‌رو خواهد ساخت.

اولین عنصر در تدوین طرح درس به منظور مدیریت مؤثر فرایند یاددهی - یادگیری، موضوع درس است. معلم کلاس چندپایه براساس شیوه‌های برنامه‌ریزی که در شماره‌ی قبل شرح داده شد، به تکمیل این بخش می‌پردازد. ممکن است بخواهد ماده‌ی درسی واحدی را به صورت هم‌زمان به تمام پایه‌ها تدریس کند. برای این کار، موضوعاتی که ارتباط عمودی دارند، مناسب‌ترند. مثلاً جانوران،

تدریس حرفه‌ای و تهیه‌ی طرح درس در کلاس‌های چند پایه، مستلزم تسلط معلم به محتوا، اهداف و راهنمای روش تدریس کلیه‌ی دروس دوره‌ی ابتدایی است. طرح درس ابزاری است برای این‌که معلم بتواند تدریس را به صورت حرفه‌ای و متخصصانه ارائه کند. معلم با تهیه‌ی طرح درس، به سازمان‌دهی و مدیریت مؤثر یادگیری در کلاس اقدام می‌کند. داشتن طرح درس به معنای وجود اراده برای تدریس مؤثر و مدیریت فرایند یاددهی - یادگیری است. این امر در کلاس‌های چند پایه که از موقعیت خاصی برخوردارند، اهمیت بیشتری دارد. داشتن طرح درس به معنای تفکر حرفه‌ای درباره‌ی موضوعی است که قرار است تدریس شود. طرح درس، اهداف اصلی درس، نحوه‌ی مدیریت فرایند یاددهی - یادگیری، وسایل و مواد مورد نیاز و تصمیم‌گیری در مورد چگونگی



راهبردهایی برای تدریس در کلاس‌های چند پایه

طراحی تدریس و مدیریت مؤثر در فرایند یاددهی - یادگیری



آتنا

میترا قریشی

سرگروه آموزشی دوره‌ی ابتدایی، شیراز

دانش‌آموزی به نام آتنا داشتم. نمی‌دانم به خاطر راحتی اسمش بود یا دلیل دیگری داشت که همیشه ناخودآگاه در مثال‌هایم از اسم او استفاده می‌کردم.

روزی مادر یکی از شاگردانم به مدرسه آمد و گفت: «کیمیا، دختر من، از دست شما ناراحت است. می‌گوید خانم ما فقط آتنا را دوست دارد و او را صدا می‌کند. حتی می‌گفت شما در حال خواندن نماز در قنوت هم، اسم آتنا را برده‌اید...»

خنده‌ام گرفت. یاد دو سه روز پیش افتادم که در نمازخانه نزد من ایستاده بود و نماز می‌خواند. فکر کنم موقعی که در قنوت «ربنا آتنا فی الدنیا...» می‌گفتم، فکر کرده است باز هم آتنا را صدا می‌کنم.

با شنیدن حرف‌های مادر این دانش‌آموز، متوجه شدم که بچه‌ها، روحیه‌ای بسیار لطیف دارند و باید تک‌تک‌شان مورد توجه قرار گیرند.



یک کتاب خواندنی دیگر

کتاب راهنمای برای معلمان چندپایه /

مؤلفان: جان سزیر والاس و جی.بی. مئوت /

مترجم: علی زرافشان / انتشارات مدرسه، ۱۳۸۴.

مؤلفان توجه به کیفیت کلاس‌های چندپایه را به منظور تحقق اهداف آموزش، برای همه ضروری دانسته‌اند. در کتاب تلاش شده است، تجربه‌های عمومی و فعالیت‌هایی برای انجام دادن و مواجهه با چالش‌های موجود در این کلاس‌ها ارائه شود. مترجم نیز در مقدمه آورده است، کلاس‌های چندپایه برای دسترسی به آموزش و پرورش و جلوگیری از محرومیت از آن ایجاد شده‌اند و با وجود این که ۳۰ درصد کلاس‌های درس در سراسر دنیا، کلاس‌های چندپایه‌اند، اما همیشه مورد غفلت قرار می‌گیرند. کتاب ده فصل دارد؛ شامل: محتوا و طبیعت کلاس‌های چندپایه؛ چالش‌ها، مشارکت دولت و پشتیبانی همگنان؛ محیط آموزشی؛ سازگاری برنامه‌ی درسی، تجربیات یادگیری و مدیریت کلاس درس؛ مواد یاددهی - یادگیری؛ کنترل، نگهداری اسناد و ارزش‌یابی است. در هر فصل، نمونه‌هایی از مشکلات، راه‌حل‌ها و فعالیت‌های آموزشی با هدف ایجاد نگرش مثبت در معلمان کلاس‌های چندپایه ارائه شده است.

گیاهان و بدن انسان در علوم، و مفهوم عدد، ارزش مکانی و مقایسه‌ی اعداد در ریاضی پنج‌پایه را که ارتباط عمودی دارند، می‌توان به‌صورت هم‌زمان به کل کلاس ارائه کرد.

چنان‌چه معلم بخواهد با تأکید بر اهداف مشترک دروس در پایه‌های متفاوت، از تلفیق استفاده کند، لازم است با تسلط کامل بر محتوای آموزشی کلیه‌ی کتاب‌های درسی پایه‌هایی که در یک کلاس حضور دارند، اهداف مشترک را استخراج کند تا امکان طراحی تدریس و اجرای موفق آن در کلاس فراهم شود. برای مثال، ترتیب اعداد در ریاضی پایه‌ی اول ابتدایی، با مفهوم رعایت نظم و ترتیب فارسی پایه‌ی سوم ابتدایی، اهداف مشترکی دارد که می‌تواند مبنای طراحی تدریس تلفیقی باشد و فعالیت‌های آموزشی مناسبی برای آن طراحی شود. در فرایند یاددهی - یادگیری می‌توان به اهداف اختصاصی (به‌ویژه مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های مورد انتظار) هر پایه توجه کرد.

عناصر اصلی در ساختار هر طرح درس عبارت‌اند از: موضوع، پایه‌ها، اهداف، روش، زمان، مواد و وسایل مورد نیاز، طرز عمل و ارزش‌یابی. در این مختصر، عنصر اول (موضوع) شرح داده شد. در شماره‌های بعدی، سایر عناصر طراحی و اجرای تدریس مؤثر در کلاس‌های چندپایه شرح داده خواهد شد.

مهارت آموزی یا قاعده آموزی؟

کارشناس قرآن دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

رضا نباتی

بخش دوم و پایانی

اشاره

در شماره‌ی قبل، بخش نخست مقاله‌ای را خواندید که به جایگاه رسم الخط در آموزش روخوانی قرآن در دوره‌ی ابتدایی اختصاص داشت. در آن قسمت، مؤلف برای تبیین یکی از هدف‌های آموزش قرآن در دوره‌ی ابتدایی (دانش آموز، قرآن را از رو می‌خواند و با برخی از سوره‌ها آشنایی دارد و آن‌ها را از حفظ می‌خواند)، دو اشکال را در آموزش روخوانی قرآن مطرح کرد: **اشکال اول:** آموزش بر خواندن معلم استوار است و قرآن‌آموزان آیات درس را با معلم یا نوار قرائت هم‌خوانی می‌کنند، **اشکال دوم:** کلاس درس آموزش روخوانی قرآن، به جای مهارت‌آموزی، بر قاعده‌محوری مبتنی است.

در این بخش که قسمت دوم و پایانی مقاله است، مؤلف این دو اشکال را بررسی می‌کند.

اما این دو اشکال از کجا نشئت می‌گیرد؟

این دو اشکال اساسی که در اغلب روش‌ها و کتاب‌های آموزش روخوانی قرآن وجود دارد، از تعدد رسم الخط‌های رایج در کشور ناشی شده است. رسم الخط‌های رایج از نظر اعراب‌گذاری (ضبط المصحف) دارای اعراب زائد؛ یعنی علائمی که صرفاً برای خوش‌نویسی و زیبایی خط مصحف شریف نوشته می‌شوند و بیش‌تر جنبه‌ی سلیقه‌ای دارند، فراوان است. بودن این علائم، نه تنها ضرورتی ندارد، بلکه باعث به وجود آمدن مشکلات فراوانی در قرائت می‌شود.

برای مثال، قرآن آموز این علائم را در کلمه‌ی «تَوْحِيْهًا» می‌خواند، اما به دلیل نداشتن اطلاع کافی از علت وجود این علائم، پیوسته دچار غلط‌های متعدد می‌شود و از آن‌جا که هرگز اجازه‌ی طرح این فکر را که امکان اشکال در نوشتار قرآن هست، به ذهن

خود راه نمی‌دهد (به دلیل قداستی که برای قرآن کریم قائل است)، بنابراین خود را مقصر و ناتوان می‌داند. این طرز فکر، رفته‌رفته در اثر تکرارهای بعدی قوت می‌گیرد و به قطع ارتباط فرد با خواندن مداوم قرآن کریم می‌انجامد.

انواع رسم الخط مصاحف رایج در ایران

در بلاد اسلامی و هم‌چنین کشور ایران که مهد هنرهای فاخر و زیبایی هم‌چون خوش‌نویسی است، بسیاری از خوش‌نویسان از روی ارادت به قرآن کریم و یا به سفارش بزرگان و سلاطین زمان خود، اقدام به کتابت مصحف شریف کرده‌اند. برخی از این رسم الخط‌ها عبارت‌اند از:

کتابت به خط عثمان طه (به رسم الخط عربی)، کتابت به رسم الخط فارسی و رسم الخط پاکستانی.

در کتابت‌های فوق، به دلیل غلبه داشتن

فنون خوش‌نویسی، ترکیب‌های بسیار، علائم جابه‌جا و علائم زائیدی وجود دارند و در شیوه‌های نوشتن این قرآن‌ها، حرکات و علائم در محل اصلی خود قرار نگرفته‌اند و از نظر آموزشی، به کلمه‌آرایی، سطرآرایی و صفحه‌آرایی توجه نشده است.

علاوه بر این موارد، شیوه‌ی قرآن کم علامت را هم داریم که در مرکز طبع و نشر

قرآن کریم جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است و در کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش و برخی مراکز دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این شیوه، علائم زائد و سلیقه‌ای را حذف و کتابت قرآن را به شیوه‌ی «نگارش فارسی» (کم کردن علائم) نزدیک کرده‌اند. همین کار باعث شده است تا در روش آموزش، تحولات قابل توجهی اتفاق بیفتد، از آن جمله است:

۱. کاهش غلط‌های اعرابی و در نتیجه

احساس موفقیت فرد هنگام خواندن قرآن

۲. افزایش انگیزه، علاقه‌مندی و انس

مستمر فرد با تلاوت قرآن کریم

تنها در این شیوه از کتابت است که

معلم می‌تواند به قرآن آموز بگوید: «بین

و بخوان» . زیرا در سایر رسم‌الخطها،

دانش‌آموزان غالباً کلمات و حتی عبارات را

غلط می‌خوانند، مگر آن که معلم به یکی از

دو شکل زیر عمل کند تا دانش‌آموزان درست

بخوانند؛ یعنی:

اولاً خودش بخواند و از شاگردان

بخواهد تکرار کنند؛

ثانیاً چون نمی‌تواند همه‌ی قرآن کریم را

با شاگردان کلاس هم‌خوانی کند، مجبور شود

هر یک از قواعد و نمادهای قرآنی را در ابتدای

هر کلاس درس بدهد (قاعده محوری).

به این مثال‌ها توجه کنید و کلمات را

همان‌گونه که نوشته شده‌اند، بخوانید:

رسم الخط عثمان طه رسم الخط کم علامت

۱. خَالِدُونَ	خَالِدُونَ
۲. يُوسُف	يُوسُف
۳. نُوحِيهَا	نُوحِيهَا
۴. إِلَا	إِلَا
۵. مَا أَصَابَكَ	مَا أَصَابَكَ

آسیب‌شناسی روش‌های موجود آموزش و خوانی قرآن

۱. در این روش، مهارت درست دیدن

جای خود را به روش شنیداری می‌دهد و

در نتیجه فرد همواره در خواندن قرآن توسط

چشم با مشکل اساسی روبه‌رو می‌شود.

۲. آموزش، یکسویه و معلم‌محور است.

در این شرایط قرآن‌آموزان غالباً منفعل عمل

می‌کنند.

۳. بیش‌تر وقت کلاس به جای

مهارت‌آموزی، صرف قاعده‌آموزی می‌شود.

۴. این روش فقط به یادگیری متن مورد

نظر، آن هم به صورت کلی‌خوانی منجر

می‌شود و در نتیجه به تعمیم در خواندن سایر

سوره‌ها و آیات نمی‌انجامد.

۵. تجربه نشان داده است، آموزش قواعد

به این شیوه، به علت انتزاعی بودن مطالب،

تأثیر چندان مثبتی در یادگیری کامل قواعد

ندارد و تنها به حفظ کردن تعریف‌ها و قواعد

می‌انجامد؛ در نتیجه، تنها مقدار کمی از

قاعده آموخته می‌شود. در صورتی که اصل

آموزش و یادگیری به صورت عملی و در

حین مهارت‌آموزی به فراگیرنده انتقال داده

می‌شود.

پاسخ به یک سؤال

سؤالی که در این‌جا مطرح می‌شود،

این است که «با وجود این همه دلایل

روشن علمی، چرا رسم‌الخطها و متعاقب آن روش‌ها و کتاب‌های آموزشی، به نحوی مطلوب اصلاح نمی‌شوند؟»

در پاسخ این سؤال باید گفت، دو دیدگاه همیشه در آموزش قرآن وجود داشته است:

دیدگاه اول: معتقد است آموزش

باید همواره از ساده به مشکل (از معلوم به

مجهول) صورت پذیرد (توجه به مبداء؛ این

دیدگاه موافق تغییر و اصلاح رسم‌الخط قرآن،

روش‌های تدریس و کتاب‌های آموزشی

است.

دیدگاه دوم: معتقد است که آموزش‌ها

باید به توانایی خواندن قرآن‌های رایج بینجامد،

زیرا این رسم‌الخطها در همه‌ی مساجد، منازل

و جلسات قرآن وجود ندارد (توجه به مقصد).

در پاسخ طرفداران دیدگاه دوم باید گفت،

این نگرانی قابل توجه و از مسائلی است که

نمی‌توان از کنار آن به‌راحتی عبور کرد. اما این

دغدغه کاملاً قابل حل و فقط نیازمند نوعی

برنامه‌ریزی آموزشی مناسب است. برای رفع

این نقیصه باید به دو نکته توجه کرد:

اولاً اگر آموزش و خوانی از مراحل

اولیه درست انجام شود، از نظر روان‌شناسی

یادگیری، وقتی قرآن‌آموزان به‌تدریج از

«جزئی‌خوانی» به «کلی‌خوانی» می‌رسند،

کلمه یا عبارت را به همان شکلی می‌خوانند

که در مراحل قبلی آموخته‌اند؛ هر چند دارای

اشکال باشند.

برای مثال، خواننده به محض دیدن

کلمه‌ی «قل» آن را «قُل» می‌خواند، اما

این کلمه می‌تواند «قُل» نیز باشد. ولی شما

بلافاصله با دیدن کلمه «قل» بدون توجه به

اعراب کلمه، آنرا «قُل» می‌خوانید. یا این که در

کلمه‌ی خَالِدُونَ همه آن را خَالِدُونَ می‌خوانند.

در تمامی کلمات قرآن هم چون یُوسُف،



سلیقه‌ای

وزینتی و مزاحم.

هم‌چنین توجه به کلمه‌آرایی، سطرآرایی و صفحه‌آرایی در نگارش مصاحف شریف

۳. پرهیز از استفاده از شیوه‌های نامناسب آموزش روخوانی قرآن کریم که در این مقاله به تفصیل نقد و بررسی شد.

۴. توجه به هدف بسیار مهم «انس با قرآن کریم»، هم در جریان آموزش و هم به‌عنوان نتیجه‌ی یادگیری و بهره‌گیری از روش‌های مناسب که در نهایت به «قرآن‌خوان» شدن مستمر و مادام‌العمر فرد در مسیر زندگی شود.

سخن آخر

۱. مناسب است متولیان محترم فعالیت‌های قرآنی کشور، به وضعیت موجود رسم‌الخط‌های متعدد سر و سامان دهند. برای کشور عزیزمان زینده نیست که پس از گذشت ۳۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز یک رسم‌الخط استاندارد و واحد برای قرآن نداشته باشد. در حالی که بسیاری از کشورهای اسلامی، از سال‌ها قبل برای خود رسم‌الخط واحدی دارند.

۲. در نظر گرفتن کرسی‌های روش‌شناسی (متدولوژی) آموزش‌ها و فعالیت‌های قرآنی در کشور، با هدف نقد و بررسی وضعیت موجود و اتخاذ تدابیر لازم و اصلاح الگوهای آموزش قرآن جهت رسیدن به وضعیت مطلوب، بسیار ضروری است.

پی‌نوشت

۱. جلسه‌ی ۶۴۷ شورای آموزش و پرورش، مصوبه‌ی ۷۹/۳/۱۶. اهداف اعتقادی دوره‌ی ابتدایی، بند هفتم.
۲. جلسه‌ی ۶۷۷ شورای عالی آموزش و پرورش، مصوبه‌ی ۹۰/۱/۸ - ۱۲۰ - ۸۱/۷۷، بند یازدهم از اصول حاکم.
۳. همکاران علاقه‌مند می‌توانند مقاله‌ی «اصلاح الگوهای آموزش قرآن» را از نشریه‌ی «نگاه به رویدادهای آموزش و پرورش»، شماره‌ی ۳۹۵، ص ۸، مطالعه کنند.

جدی روبه‌رو هستند.

یادمان باشد، از آن‌جا که همه‌ی ما به شکل و خواندن حروف آشنا هستیم، باید بیش‌تر توجه و حواس خود را به دیدن **علائم** حروف معطوف داریم؛ مانند راننده‌ای که هنگام رانندگی، به ترمز، گاز، کلاچ و دست‌دنده و فرمان اتومبیل نگاه نمی‌کند، بلکه همواره به **علائم** و تابلوهای مسیر توجه دارد.

نتیجه‌ای که می‌توان از این بحث برای بهبود شیوه‌های آموزش گرفت، این است که: «توجه به دیدن **علائم** حروف به جای دیدن حروف، کلید حل بسیاری از مشکلات روخوانی قرآن کریم است.»

چند پیشنهاد

۱. توجه به اتخاذ عزم جدی برای ایجاد وحدت رویه در تهیه و ارائه‌ی رسم‌الخطی واحد که ساده‌ترین و نزدیک‌ترین رسم‌الخط به خط فارسی باشد و به تبع آن، ارائه‌ی «قرآن ملی» در کشور برای آحاد مردم، متناسب با «سواد قرآنی» آنان، با رعایت مسائلی مانند: الف) قانون‌مندی خط، یعنی دارای ویژگی‌هایی با بیش‌ترین تعمیم و کمترین استثنا

ب) اکتفا به **علائم** ملفوظ و ضروری و استفاده نکردن از **علائم** زائد

ج) استفاده از رسم‌الاملا‌ی عربی در موارد اختلاف با رسم‌المصحف

د) عدم ترکیب و تداخل حروف (ه) قرار داشتن حرکات و **علائم** در جای مناسب و عدم جابه‌جایی آن‌ها

و) استفاده از ساده‌ترین و گویاترین شکل **علائم** ضروری مانند تنوین و اشباع، در مواردی که این **علائم** به صورت‌های متفاوتی نوشته می‌شوند.

۲. اصلاح رسم‌الخط‌های موجود با تخفیف در مسائل خوش‌نویسی و حذف **علائم**

نُوحیه‌ها و اِلَیا این موضوع اتفاق می‌افتد.

ثانیاً در مراحل بعدی می‌توان در مدت یک یا دو جلسه‌ی کوتاه، غالباً قواعد هر یک از کتابت‌ها و رسم‌الخط‌های موجود را آموزش داد. مقایسه‌ی رسم‌الخط‌های رایج، در کتاب درسی آموزش قرآن پایه‌ی سوم راهنمایی صورت گرفته است.

یک نکته‌ی جالب

همان‌طور که می‌دانیم، حروف فارسی و عربی از نظر شکل با هم مشترک هستند (به غیر از چهار حرف گ، چ، پ، ژ). هم‌چنین، بسیاری از واژگان از نظر لفظ و معنا در دو زبان مشترک‌اند. هر چند این مشترکات می‌تواند و باید فرصت و امکاناتی با ارزش محسوب شود، در عین حال آسیب‌هایی هم می‌تواند داشته باشد. به این مثال خوب توجه کنید:

این جمله را بخوانید: «**آن چه که می‌توانید، قرآن بخوانید.**» شما در خواندن این جمله، به چه چیزی توجه داشتید و چه را خواندید؟ بله، شما به «**حروف**» فارسی توجه کردید. این عادت همیشگی ماست که همواره در خواندن، به حروف توجه می‌کنیم. اما سؤالی که در این‌جا مطرح می‌شود، این است: «**آیا در خواندن آیات شریفه‌ی قرآن کریم هم باید به حروف توجه کرد؟**» پاسخ این سؤال «**خیر**» است. زیرا اگر شما در خواندن آیات و عبارات قرآن، به حروف توجه کنید، مطمئناً دچار اشکالات متعددی می‌شوید. و عموماً اشکال رایج افراد در خواندن قرآن، از بی‌توجهی به همین موضوع ناشی می‌شود. یعنی باید بیاموزیم که در خواندن قرآن، برخلاف خواندن فارسی، توجه بصری (چشمی) ما حتماً به «**علائم**» باشد و نه حروف؛ زیرا عموماً افراد در شناخت حروف فارسی و عربی مشکل خاصی ندارند، اما در شناخت **علائم** قرآن (اعراب) با مشکل

معلم عزیز، گفته بودی «من ستاره پردازم»^۱ می‌گویم: تو ستاره‌شناسی، مروارید شناسی، راه‌شناسی و:

نوشته‌ی لین بی‌کس^۲

آموزگار اول دبستان، کالیفرنیا، سان برناردی نو

ترجمه‌ی دکتر علی رؤوف

تو گوهر شناسی

چه قدر به خودم می‌بالم
که تو معلم انشای من بودی
هر لحظه به رویت می‌خندیدم
کمکم می‌کردی
تا خود من را دریابی.

از تو سپاس گزارم
به خاطر همان چند ساعتی
که من را به خودم شناسانیدی.

سپاس گزارم از این که
فشارهای سنگینی را تحمل کردی
و توانستی

شجاعانه
همه‌ی شاگردانت را
به خودشان بشناسانی.
همان تک دانه‌ها!
همان دردانه‌ها!

معلم عزیزم
آیا به یاد می‌آوری
وقتی به کلاس تو می‌آمدم
لبخندی بر لب داشتم
و آرزویی در دل
و تو می‌فهمیدی که
تنهایم، بی‌تابم.

یادت می‌آید؟
به من فهماندی که
خودت هم تنهایی
یکدانه‌ای، بی‌همتایی.

سوگند یاد می‌کنم
تو همان یگانه معلمی هستی که
طی چند ساعت کوتاه
من را به شوق آوردی
تشویقم کردی
نشاطم بخشیدی.

هرگز از یادم نمی‌روی
چون که تو استثنایی.

زیرنویس

۱. اشاره به کتاب «یاد دادن برای یادگرفتن» علی رؤوف. (انتشارات مدرسه). ص ۱۷.

2.Lean Boaks



همه چیز درباره‌ی هدیه‌های آسمان

گفت‌وگو با سعید راصد، کارشناس گروه دینی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

اشاره

در هر یک از شماره‌های مجله سعی داریم خوانندگان را با فعالیت‌های یکی از گروه‌های برنامه‌ریزی درسی دوره‌ی ابتدایی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی آشنا کنیم. اعتقادمان بر این است که آموزگاران و کارشناسانی که با دروس گوناگون دوره‌ی ابتدایی سروکار دارند، از طریق ارتباط افزون‌تر با کارشناسان دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، در تدریس و کار خود موفق‌تر خواهند بود. در این شماره، سعید راصد، کارشناس گروه دینی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، به پرسش‌های ما درباره‌ی درس هدیه‌های آسمان دوره‌ی ابتدایی پاسخ گفته است.

□ چرا نام کتاب هدیه‌های آسمان است؟

○ نام کتاب هم‌چون پرچم هر کشور که



بیانگر آرمان‌ها و اهداف عمده‌ی آن کشور است، می‌تواند بیانگر نکات عمده‌ای از محتوای کتاب باشد. «هدیه‌های آسمان» در نظر دارد آموزه‌های دینی را هم‌چون «هدیه‌ای در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد: «هدیه» جزو زندگی بچه‌ها و برای آن‌ها ملموس، خوشایند و دوست‌داشتنی است. «آسمان» هم بزرگ و زیباست و برکات بسیاری از آن

دینی و توانایی یادگیرندگان در اظهار فهم و درک خود از مفاهیم دینی است. و این که به آن چه می‌یابند و می‌فهمند، عمل کنند.

آزمون‌های کتبی و شفاهی، ابزار ارزش‌یابی آموخته‌های بچه‌ها قلمداد نمی‌شوند، بلکه به منظور برآورد کمیت کیفیت تحقق انتظارات برنامه، تمامی فعالیت‌های دانش‌آموزان در موقعیت‌های گوناگون یادگیری، مورد نظر معلم قرار می‌گیرد.

ارزش‌یابی کمک می‌کند تا دانش‌آموز توانمندی‌های خود را دریابد و نقاط ضعفش را جبران کند و نمره در این راستا، ارج‌گذاری به تلاش و زحمات دانش‌آموز است، نه وسیله‌ای برای رتبه‌بندی و حربه‌ای برای واداشتن او به آموختن!

□ چرا به امتحان پایانی نیاز نیست؟

○ هدیه‌های آسمان، امتحان پایانی به شکل مرسوم آن (روز مشخص، ساعت معین و به‌صورت صرفاً مکتوب) ندارد؛ زیرا تمامی فعالیت‌ها از بدو ورود دانش‌آموز به کلاس مورد نظر است و معلم حادث و زیرک، کافی است به پاسخ‌ها و تلاش دانش‌آموزان خود در طول سال دقت لازم را داشته باشد و به مرور، هر دانش‌آموز را در طول سال مورد

به سمت زمین نازل می‌شود. پرنندگان، ابرها، خورشید، ستارگان و بسیاری از عناصر زیبای طبیعت در آسمان‌اند. این کلمه نیز از نظر معنا برای دانش‌آموزان قابل درک است، با فهم آن‌ها سازگاری دارد و معنای روشن و واضحی در ذهن آن‌ها ایجاد می‌کند. در این کتاب هم مفاهیم انتزاعی از طریق بیان مصادیق آن‌ها در زندگی روزمره‌ی بچه‌ها و با شیئی ملایم و تدریجی و متناسب با افزایش تجارب و توان ادراک ایشان مطرح شده‌اند.

□ ارزش‌یابی در این درس به چه منظوری انجام می‌پذیرد؟

○ هدف از ارزش‌یابی در این درس، یافتن ارزش‌های وجودی دانش‌آموزان است؛ دانش‌آموزانی که می‌توانند در راستای تحقق هدف درس، خوب فکر کنند، بنویسند، نقاشی کنند، گزارش مناسبی تهیه کنند، به سوالات به شکلی خلاق پاسخ دهند، عناوین زیبایی برای دروس انتخاب کنند، پاسخ خود را با بیانی محکم و دلیلی قاطع مطرح کنند و... تمامی این موارد، در هدیه‌های آسمان مورد نظر است و صرف پاسخ‌گویی عین متن کتاب و محفوظات مورد نظر نیست؛ اهمیت اصلی در: تغییر نگرش‌ها، تغییر رفتارها، تقویت احساس

توجه قرار دهد. در واقع امتحان، یعنی گرفتن بازخورد مناسب از یادگیری و تغییرات رفتاری دانش آموز و انعکاس آن به دانش آموز، معلم و والدین او، و این زمانی حاصل خواهد شد که دانش آموزان به خوبی مورد مشاهده قرار گیرند و نسبت به کاری که در مورد موضوع درس انجام داده اند، به صورت شفاهی و یا مکتوب (یادداشت آموزگار مهربان برای من...) از معلم خود جملاتی بشنوند که بفهمند کاری را که انجام داده اند، تا چه حد انتظارات درس را برآورده کرده است تا بتوانند نقاط قوت خود را تقویت و نقاط ضعف را اصلاح کنند.

□ با این وصف، در ارتباط با امتحانات ورودی و تست های ورودی بعضی از مدارس چه کنیم؟

○ سوالات امتحانات ورودی باید مانند فعالیت های کتاب کار، به فهم، درک و نگرش دانش آموز ناظر باشد و نه صرفاً دریافت محفوظات وی.

چنانچه در بعضی از مدارس برای امتحان ورودی، سوالاتی به سبک کنکور (سوالات چهارگزینه ای) مطرح می شود، از بی توجهی به اهداف و رویکرد این کتاب نشان دارد. لذا لازم است رویه ی چنین امتحاناتی تغییر یابد.

مثال هایی که می آوریم، نمونه هایی از سوالات مناسب در این زمینه هستند:

- نام تعدادی از دروس سال گذشته را به دانش آموز بدهیم و از او بخواهیم که مطابق با فهم خود و با استفاده از اسامی دروس، مطلبی را در یک یا دو خط بنویسد (همراه داشتن کتاب درسی و ملاحظه ی آن الزامی است).

- از دانش آموزان بخواهیم عنوان های جایگزین را برای عناوین فعلی درس ها بنویسند

- درباره ی رفتار پیامبر و امامان با اطرافیان خود چهار جمله ی زیبا بنویسند.

- برای این که بچه ها موجب آزار و اذیت دیگران نشود، سه پیشنهاد عملی بنویسند.

□ بهتر است آموزگاران در آموزش هر درس چه نکاتی را مورد توجه قرار دهند؟

○ اولین نکته این است که نسبت به اهداف و رویکرد کتاب، آگاهی لازم را داشته باشیم. یعنی بدانیم **هدف** این درس چیست و چه انتظاری را باید برآورده سازد؛ راهنمای معلم، این نقطه نظرات و اهداف را بیان کرده است. سپس لازم است فعالیت های مناسبی برحسب **شرایط، امکانات و موقعیت محلی و مکانی** (مورد علاقه ی دانش آموزان)، مانند فعالیت های کتاب کار، طراحی و اجرا کرد تا پس از انجام آن ها، هدف درس محقق شود. **فعالیت ها** بسته به توان و ذوق معلم متفاوت طراحی می شوند؛ لذا هر طرح درس می تواند عالی ترین باشد و با دیگر طرح درس ها تفاوت داشته و دیگر مسائل جانبی، معلم را در تحقق هدف به نحو مطلوب یاری دهد. در این زمینه نیز کتاب **راهنمای معلم** و فعالیت های کتاب کار می توانند الگوی خوبی باشند.

□ چه موقع آموزگار در تدریس هدیه های آسمان موفق خواهد بود؟

○ هدف در درس هدیه های آسمان، انتقال تعدادی مفاهیم دینی نیست (معلم مانند سیم برق عمل نمی کند که نیرو و انرژی را از نیروگاه بگیرد و بدون هیچ تغییری آن را برای مصرف به مقصد برساند)، بلکه لازم است دانش آموزان در جریان یاددهی - یادگیری فعال باشند. **زمانی می توان گفت معلم در کار خود موفق بوده که راهنمایی ها و فعالیت های طراحی شده توسط او، منجر به این شود که بچه ها با علاقه و به نشاط، خود مطالب را کشف کنند و به آن ها دست یابند** تا بتوانند این آموخته ها را در زندگی روزمره ی خود به کار گیرند و استفاده کنند.

برای مثال، معلم پس از تدریس درس نیمکت سبز مشاهده کند که بچه ها در تمیز

نگه داشتن وسایل عمومی از خود، تلاش و دقت بیشتری نشان می دهند و یا در درس بچه های طبیعت ملاحظه کند که دانش آموزان به محیط اطراف دقت لازم را نشان داده و در تمیز نگه داشتن و زیباتر و باصفا کردن آن بیشتر تلاش می کنند.

□ در مورد درس هدیه های آسمان، چه کارهای جدیدی را در دست اقدام دارید؟

○ چند کار از جمله:
- تولید نرم افزار راهنمای معلم برای پایه های سوم، چهارم و پنجم ابتدایی
- تولید فیلم کمک آموزشی برای پایه های چهارم و پنجم ابتدایی
- ارزش یابی کتاب های هدیه های آسمان به منظور بازنگری محتوا
- آماده کردن سطوح گوناگون اهداف برای استفاده در ارزش یابی توصیفی.

□ آموزگاران، اولیا و دیگر افراد، از چه طریقی می توانند با دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی و گروه دینی ارتباط برقرار کنند و سوالات و نظرات خود را مطرح سازند؟

۱. حضوری در ساعات اداری (هشت و نیم صبح تا چهار بعد از ظهر) در محل دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی در خیابان ایرانشهر شمالی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، گروه دینی.

۲. تماس تلفنی با شماره ی ۸۸۳۰۶۰۷۲.

۳. از طریق ایمیل به نشانی

talif@talif.sch.ir

در ضمن، کارشناسان دفتر، همواره آمادگی خود را برای حضور بین همکاران و آموزگاران محترم، با هماهنگی قبلی اعلام، می کنند تا از این طریق در جهت اشاعه ی برنامه و پاسخ به سوالات همکاران، مسائل احتمالی را برطرف کنند.

باهمراهان



استان و با ویژگی‌هایی که خاص استان شماسست، تألیف شوند و از قرارداد مطالبی که می‌توانند در هر نشریه‌ای و در

می‌کنیم. از این که این یادداشت، حرف دل شما آموزگار گرامی را زده و اشک شوقی در گوشه‌ی چشمتان ظاهر ساخته است، برخورد می‌بالیم. بسا ما در تماس باشیم.

□ **صدری کریمی، آموزگار دبستان ۱۵ خرداد مریوان، کردستان:** از طرح‌های آموزشی ارسالی شما بسیار بهره بردیم و از این بابت سپاس گزاریم. امیدواریم در نوبت‌های آتی، طرح‌های شما را در متونی کوتاه و با بیانی که سایر آموزگاران هم بتوانند آن را در کلاس‌های درس خود اجرا کنند، دریافت کنیم.

□ **ژانت نورالهی، آموزگار دبستان منصور نفر، منطقه‌ی ۴ تهران:** طرح اجرا شده توسط شما با عنوان «موسیقی، مبصر کلاس» را خواندیم و از این بابت از شما تشکر می‌کنیم. هم چنین انتقادهایی را که در مورد کتاب‌های درسی ارسال کرده‌بودید، به دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی ارسال کردیم.

□ **کارشناسی تکنولوژی و گروه‌های درسی دوره‌ی عمومی اداره‌ی کل آموزش و پرورش استان اصفهان:** فصل‌نامه‌ی «نویسا» نشریه‌ای است خواندنی که به سردبیری **مهین لیراوی** و توسط کمیسیون بهبود و کیفیت بخشی به فرایند یاددهی - یادگیری آموزش و پرورش استان اصفهان منتشر می‌شود. در دو شماره از این نشریه که به دفتر مجله واصل شده است، شاهد ابتکار و خلاقیت همکاران و مطالب خواندنی فراوان هستیم و از این بابت سپاس‌گزاری خود را اعلام می‌کنیم. توصیه‌ی ما این است که وجه ممیزه و مزیت نسبی خودتان را در این نشریه، در این قرار دهید که همه‌ی مطالب توسط فرهنگیان

«باهمراهان»، صفحه‌ی ارتباط مخاطبان با دفتر مجله است. شما هم می‌توانید پیام‌ها، نوشته‌ها، درخواست‌ها و سخنان خود را از راه‌های ششگانه‌ی ارتباطی (صندوق پستی، تلفن، نمابر، پست الکترونیکی، تلفن پیام‌گیر و مراجعه‌ی حضوری) با مسئولان مجله در میان بگذارید. در این شماره هم با برخی از همراهان مجله همراه شده‌ایم.

مقاله‌ها و نوشته‌های دوستانی را که نام آن‌ها در پی می‌آید، دریافت کردیم. به دلیل بالابودن آثار دریافت شده از همکاران و محدودیت صفحات مجله، متأسفانه چاپ آثار این همکاران در رشد آموزش ابتدایی میسر نیست:

معصومه بهجتی (آموزگار دبستان پروین اعتصامی، خواف خراسان رضوی)، **امیرمه باغبانپور** (آموزگار روستای روشت کوچک، بناب آذربایجان شرقی)، **علی نظیفی** (آموزگار دبستان شهید کامیاب، مشهد مقدس)، **فاطمه صوفیان** (آموزگار پایه‌ی اول دبستان ۵ آذر، رامشیر خوزستان)، **شکوه جلالی** (آموزگار دبستان توحید، منطقه‌ی ۱۴ تهران).

از این همراهان سپاس‌گزاریم
□ **علیرضا سودمند، آموزگار روستای گل قشلاق منطقه‌ی کرانی حسن‌آباد کردستان:** از قطعه‌ی ادبی زیبای شما که در سپاس از یادداشت سردبیر شماره‌ی ۸ (اردیبهشت ۸۹: کمی هم به یاد معلم‌ان فراموش شده)، به رشته‌ی تحریر در آورده‌اید، سپاس‌گزاریم



هر جای کشور منتشر شوند، خودداری کنید.

پاسخ به برخی از نامه‌ها و نوشته‌ها

□ **حمید کشاورزی، مدیر دبستان پسرانه‌ی تربیت مدرس از منطقه‌ی ۶ تهران:** با ارسال نامه‌ای به دفتر مجله نوشته‌اند: «در هر شماره از مجله در قسمت با همراهان، شاهد معرفی برخی مقالات کاربردی همکاران هستیم که به دلیل حجم کم صفحات، قابل چاپ تشخیص داده نشده‌اند. فکر می‌کنم بسیاری از این مقالات برای مدارس قابل استفاده باشند. لذا خواهشمند است، در صورت امکان متن آن‌ها را در پایگاه اطلاع‌رسانی مجلات رشد درج و در انتهای مجله نیز به نشانی آن‌ها اشاره کنید تا علاقه‌مندان بتوانند از خلاقیت‌ها و ابداعات همکاران خود، نهایت استفاده را ببرند.»
ضمن سپاس از این مدیر محترم، به



دفتر انتشارات کمک آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد کودک** (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)
- رشد خردسال** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)
- رشد دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)
- رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- رشد جوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه‌وپیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی ♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی) ♦ رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه) ♦ رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت‌بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی‌وحرفه‌ای ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت‌معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش‌وپرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک‌آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

اطلاع می‌رسانیم، تمهید مقدمات این کار، از مدت‌ها پیش در دفتر مجلات رشد آغاز شده است و در صورتی که به مرحله‌ی عملیاتی برسیم، از طریق مجله به اطلاع خوانندگان محترم خواهیم رساند.

□ روجا علی‌نژاد، تهران: مقاله‌ی شما با

عنوان «کودک و زبان»، به دلیل حجم زیاد و تأکید بیش از حد بر نظریه‌ها، مورد پذیرش قرار نگرفت. منتظر سایر مقالات شما هستیم.

□ مرزیه زمانی، آموزگار دبستان

ایران، آبادان: مقاله‌ی شما با عنوان «تشویق پلکانی» که در شرح اجرای طرح ارزش‌یابی توصیفی، آن را به رشته‌ی تحریر درآورده‌اید، اجرای یک روش رقابتی رایج است که این بار با نام ارزش‌یابی توصیفی معرفی شده و البته که با اهداف آن مغایر است. چشم انتظار نوشته‌های دیگر شما هستیم.

□ منصور سلیمانی، عضو کمیته‌ی

پژوهشی آموزش‌وپرورش خدابنده: مقاله‌ی شما با عنوان «ضرورت آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارائه‌ی رویکردی نو در آموزش مهارت‌های اجتماعی» از لحاظ علمی مورد تأیید قرار گرفت، ولی به دلیل حجم زیاد و این که مقاله‌ای با همین محتوا در شورای داوری مجله مورد پذیرش قرار گرفته و برای چاپ در شماره‌ی ۳ (همین شماره) انتخاب شده بود، برای بررسی‌های بیشتر در اختیار مجله‌ی رشد آموزش علوم اجتماعی قرار گرفت.

لطفاً با دفتر مجله تماس بگیرید

زهرا نصیر زارع (تهران)، زهرا شاوردی (تهران)، نوشین شرافتی (تهران)، فاطمه ارفعی (تهران) و ملوک کریمی (اصفهان).

قابل توجه خوانندگان محترم

از کسانی که با دفتر مجله مکاتبه می‌کنند، درخواست می‌کنیم در متن نامه‌ی خود حتماً به موارد زیر اشاره کنند: نام، نام‌خانوادگی، نشانی پستی کامل، کدپستی، شماره‌ی تلفن محل سکونت یا مدرسه‌ی محل کار با قید پیش‌شماره‌ی مربوطه، شماره‌ی تلفن همراه.



سیما جعفریان

□ گنج موفقیت
 نویسندگان: لیلا سلیقه‌دار، مرتضی مجدفر،
 ابراهیم اصلانی، چاپ اول، ۱۳۸۹، ۷۸ صفحه،
 ۲۵۰۰۰ ریال
 ناشر: مؤسسه‌ی علمی رزمندگان
 (۰۲۱-۶۶۴۶۸۰۵۸)

به‌طور معمول، در کشور ما، آشنایی با مهارت‌های درس خواندن و برنامه‌ریزی، از سال‌های آخر تحصیل شروع می‌شود. در صورتی که این نیاز از همان ابتدای تحصیلات وجود دارد. آشنا ساختن دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی با روش‌های درس خواندن و برنامه‌ریزی، نه تنها موجب افزایش انگیزه و علاقه به درس و مدرسه می‌شود، بلکه در پیشرفت تحصیلی آنان در سال‌های بعد نیز مؤثر خواهد بود.

کتاب «گنج موفقیت»، دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی را با زبانی ساده و تصویری، با روش‌های درس خواندن و برنامه‌ریزی آشنا می‌کند. نویسندگان کتاب سعی کرده‌اند با انتخاب قالب داستانی و تصویری، مطالب را با جاذبه‌های بیشتری به دانش‌آموزان ارائه کنند.

دانش‌آموزان با مطالعه‌ی این کتاب، با روش‌های درس خواندن و برنامه‌ریزی آشنا می‌شوند و کلیدهای موفقیت را به دست خواهند آورد. آن‌ها طبق نقشه‌ای که در کتاب طراحی شده است، مراحل را یک‌به‌یک پشت سر می‌گذارند تا به گنج موفقیت برسند. آموزگاران نیز می‌توانند با منبع قرار دادن محتوای کتاب و ارائه‌ی آموزش‌ها و تمرین‌های بیشتر، دانش‌آموزان را در به‌دست آوردن مهارت‌ها یاری رسانند.

کتاب در هشت فصل تنظیم و به‌صورت تمام رنگی چاپ شده است.

عنوان‌های فصل‌ها عبارت‌اند از:

۱. برای چه درس می‌خوانم؟/ ۲. چه‌طور به هدفم برسم؟/ ۳. کی بخوانم؟/ ۴. چه‌طور بخوانم؟/ ۵. کجا بخوانم؟/ ۶. حواس پرتی؛ چرا؟/ ۷. برای امتحان چه کنم؟/ ۸. من می‌توانم؟



همّت مضاعف، کار مضاعف

برگ اشتراک مجله‌های رشد

شرایط:

۱. پرداخت مبلغ ۷۰/۰۰۰ ریال به ازای یک دوره یک‌ساله مجله‌ی درخواستی، به صورت علی‌الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آزمایش (سرخه‌حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک باپست‌سفارشی. (کپی فیش را نزد خود نگه دارید.)

◆ نام مجله‌های درخواستی:

.....

◆ نام و نام خانوادگی:

.....

◆ تاریخ تولد:

.....

◆ میزان تحصیلات:

.....

◆ تلفن:

.....

◆ نشانی کامل پستی:

.....

شهرستان:

خیابان:

.....

شماره‌ی پستی:

.....

◆ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید:

کد اشتراک:

امضا:

- صندوق پستی مرکز بررسی آثار: ۱۵۸۷۵/۶۵۶۷
- صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- نشانی اینترنتی: www.roshdmag.ir
- امور مشترکین: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۵۱۱۰
- پیام‌گیر مجله‌های رشد: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

یادآوری:

- ◆ هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، برعهده‌ی مشترک است.
- ◆ مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک خواهد بود.

مهارت‌های درس خواندن برای دانش‌آموزان دبستانی